





فرزند بیت

مجموعه درسنامه چشمه جاری
(با رویکرد فرزند آوری و جمعیت)

مجموعه درسنامه چشمه جاری (با رویکرد فرزند آوری و جمعیت)
موسسه روایتگران نور

مولف: احمد یاسر وافی

با همکاری تشکل فراگیر تبلیغ گروهی طلاب

نوبت چاپ : اول / ۱۳۹۵

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

طرح جلد و صفحه آرایی: محسن بهرامی

ادرس تشکل :

بلوار جمهوری میدان سپاه به سمت ریل راه آهن ساختمان شهید حقانی پلاک ۴۷

شماره تماس: ۰۲۵۳۲۹۱۱۱۹۵

سایت : www.daawat.ir



فهرست :

مقدمه / ۶

درس اول: مبانی فقهی تغییرات جمعیتی / ۱۱

خلاصه درس اول / ۳۶

سؤالات و پرسش ها / ۴۴

معرفی منابع بیشتر / ۴۵

درس دوم: ازدواج پسندیده در پرتو آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام / ۴۶

خلاصه درس / ۸۷

سؤالات و پرسش های درس / ۹۱

معرفی منابع بیشتر / ۹۲

درس سوم: فرزند آوری (کثرت نسل) / ۹۳

خلاصه درس / ۱۲۵

سؤالات و پرسش های درس / ۱۲۹

معرفی منابع بیشتر / ۱۳۰





مقدمه

با این که ازدواج یک امر طبیعی و غریزی است، ولی امروزه به یک مسئله و حتی معضل تبدیل شده است و روز به روز به دشواری‌های آن اضافه می‌گردد. این دشواری‌ها نه از ناحیه‌ی دین و شرع بلکه ناشی از عُرف و عُمدتاً به خاطر چشم و هم‌چشمی یا تحت تأثیر فرهنگ غربی قرار گرفتن می‌باشد.

دین اسلام به همان اندازه که بر ترک گناهان جنسی تأکید کرده و برای ارتکاب آن‌ها مجازات سنگین در نظر گرفته است، بر روی امر ازدواج و تسهیل آن تأکید نموده است.

همه‌ی این‌ها به خاطر این است که در دین اسلام نسبت به رفع غریزه‌ی جنسی، راه‌های حلال و آسان قرار داده شده است؛ اعم از اصل ازدواج یا تعدّد زوجات و ازدواج موقت. و کسی که با وجود این همه حلال، مرتکب حرام گردد، مستحق عقوبت شدید می‌باشد.

افرادی که به شنیدن واژه‌ی تعدّد زوجات و ازدواج موقت آلرژی دارند، از مفاسدی که جوامع دور از تعالیم اسلام به آن مبتلا هستند، غافل و بی‌خبرند و نمی‌دانند که امکان ندارد که چیزی در اسلام تشریح شده باشد و مصلحت افراد و جامعه در رابطه با آن در نظر گرفته نشده باشد.

و از یک جهت، دین مقدّس اسلام، نسبت به افزایش نسلِ مسلمانان، عنایتِ ویژه‌ای دارد و چون به‌طور طبیعی یک پدر و مادر، نگران هزینه‌های زیاد فرزندان هستند، در آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام) نسبت به توکل و اعتماد بر خالق متعال و باور داشتنِ رزاقیت او، تأکید فراوان شده است. اما متأسفانه به علت ضعف باورهای دینی در مردم و ترس و نگرانی از آینده، میل به داشتن فرزند زیاد، رو به کاستی نهاده و در نتیجه کشور ما را که در دهه‌ی شصت از رشد جمعیتی بالایی برخوردار بود، در آستانه‌ی یک بحران جمعیتی قرار داده است؛ به حدی که چندی قبل از رسانه‌های رسمی کشور اعلام شد که: بررسی‌های علمی و کارشناسی نشان می‌دهد که اگر سیاست کنترل جمعیت ادامه پیدا کند، به تدریج دچار پیری و درنهایت کاهش جمعیت خواهیم شد.^۱

بعد از این اعلام رسمی، مسئولان سیاست‌گذاری کشور به فکر پیدا کردن راه کارهای تشویق مردم به افزایش جمعیت افتادند و قوانینی تشویقی از قبیل دادن سکه‌ی طلا و زمین به خانواده‌هایی که اقدام به تولید فرزند سوم و بیشتر بکنند، تصویب گردید اما به نظر می‌آید که این اقدامات کافی نیست بلکه بیشتر باید روی فرهنگ و باورهای مردم کار نمود و در این راستا از آیات قرآنی و روایات نورانی اهل بیت (علیهم‌السلام) استمداد جست.

هدف از نوشتن این درسنامه، در ابتدا آشنایی اجمالی مبلغین عرصه مهم تبلیغ با مبانی فقهی تغییرات جمعیتی، فرمایشات مقام عظمای ولایت در مورد جمعیت، ازدواج و فرزند آوری، ملاک‌های همسران در امر ازدواج و علل عدم تمایل به فرزند آوری بوده و در مرحله بعد آگاهی دادن مردم با مباحث مذکور و برخی آیات و روایات درباره‌ی ازدواج و رفع برخی نگرانی‌هایی است که گاهی از طرف جوانان مطرح

۱ دیدار رهبر انقلاب با کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۰۵/۰۳

می‌گردد. نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی که مانع از ازدواج مناسب و به هنگام می‌شود. معتقدیم تا به تعالیم اسلام که توسط اهل بیت (علیهم‌السلام) بیان شده، بازنگردیم، روز به روز بر مشکلات زندگی‌هایمان افزوده می‌گردد و در باتلاقی مشکلات خودساخته فرو می‌رویم.

این مجموعه شامل سه درس می‌باشد که عبارت انداز:

درس اول: مبانی فقهی تغییرات جمعیتی

(شامل مباحث: نگاهی گذرا به مبانی فقهی تغییرات جمعیتی؛ حضرات آیات سید محمدعلی مدرس و عباس کعبی و جمعیت، ازدواج و فرزند آوری در بیانات مقام معظم رهبری)

درس دوم: ازدواج پسندیده در پرتو آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)

(شامل مباحث: ازدواج از منظر روایات، ملاک‌های یک همسر(زن) خوب و ملاک‌های خواستگار خوب)

درس سوم: فرزند آوری (کثرت نسل) در آیات و روایات

(شامل مباحث: فرزند آوری در منظر آیات و روایات، علل عدم تمایل به فرزند آوری و مشکلات سر راه خانواده‌ها)

امیدوارم این تلاش ناچیز مورد قبول خداوند متعال و عنایت خاص اهل بیت (علیهم‌السلام) قرار گیرد و تلنگری باشد بر کسانی که نسخه‌ی زندگی خود را در داروخانه‌های فرهنگ غربی و مدرنیته جستجو می‌کنند و مصداق این شعرند که:

آب در کوزه و ما گرد جهان می‌گردیم!

آری، سرچشمه‌ی زلال و کسانی را که به نیازها، دردها و درمان‌های جسمی و روحی و مادی و معنوی ما کاملاً آگاهی دارند را رها کرده‌ایم و به سراغ مرداب‌های متعقّنی رفته‌ایم که افکار پوسیده‌ی خود را در زر ورق به خورد ما می‌دهند!

به امید روزی که قال رسول‌الله و قال الباقر و قال الصادق علیه السلام، برای جوانان ما از گفته‌ی فلان روانشناس غربی و جامعه‌شناس شرقی، بارزش‌تر و اهمیت‌تر باشد. و در آخر بر خود لازم می‌دارم از تمام کسانی که در تدوین این مجموعه ما را یاری کردند کمال تشکر را دارم.

من الله توفیق
محمد مسلم وافی
بهار ۱۳۹۵



درس اول

مبانی فقهی تغییرات جمعیتی

نگاهی گذرا به مبانی فقهی تغییرات جمعیتی؛

آیت‌الله سید محمدعلی مدرس^۱

مسئله جمعیت موضوع مهمی است که آثار گسترده سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... دارد. از این رو، هرگونه اظهار نظر درباره آن باید سنجیده باشد. اگر با رویکردی احساسی به این موضوع نگریسته شود، چه بسا آسیب‌هایی فراوان برای کشور به دنبال داشته باشد. البته این اصلی کلی است که اظهار نظرها و تصمیم‌گیری‌ها درباره مسائل مهم و حساس، باید دقیق، سنجیده و بر اساس مبانی درست باشد.

ضرورت توجه به اصالت مکتب

در ابتدا مقدمه‌ای را بیان می‌کنم. برای ایجاد تمدن اسلامی، باید اصول و شرایطی را رعایت کنیم. یکی از مهم‌ترین اصول در ساختن تمدن اسلامی، حفظ اصالت مکتب است. اسلام یک مجموعه و نظام است که عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و... دارد. به همین دلیل، هر کاری که در بعد نظری یا عملی انجام می‌شود، باید اصالت مکتب در آن متبلور باشد. البته اصل دیگر در تمدن‌سازی، استفاده از تجارب و علوم

۱ از اساتید سطوح عالی حوزه علمیه قم.

دیگران است. بی‌شک اگر تجربه و دانش مفیدی درجایی از جهان وجود داشته باشد، جامعه اسلامی، فرهیختگان و مدیران باید از آن در ابعاد مختلف استفاده کنند؛ ولی نکته مهمی که در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد این است که استفاده از علوم و تجارب دیگران، باید در چارچوب درست، و رعایت اصالت‌ها باشد. متأسفانه در این عرصه، افراط و تفریط‌های فراوانی دیده می‌شود؛ عده‌ای با دیده نفی و انکار به دستاوردهای جدید می‌نگرند، و گروهی منفعلانه دچار افراط می‌شوند و آموزه‌های اسلامی را در این زمینه نادیده می‌گیرند. البته در مواردی نیز این رویکرد عمدی نیست؛ بلکه عده‌ای به دلیل برخی فشارها و تنگناها نادانسته به آن روی می‌آورند.

هنگام استفاده از افکار و تجربیات دیگران، اگر به درستی جنبه‌های مثبت و منفی در نظر گرفته نشود، و هماهنگی آن با نظام فکری و عملی اسلامی مورد غفلت قرار گیرد، چه بسا به تداخل نظام‌ها و تضادهای درون دستگاهی بینجامد که آثار ویران‌کننده‌ای دارد. یکی از موضوع‌هایی که کشور را دچار این مشکل کرد، سیاست‌های جمعیتی است.

در برهه‌ای از زمان، به دلیل شرایط خاصی که تا حدی قابل توجیه و درک بود، برخی از مسئولان شیوه‌ای را برگزیدند که با اصالت مکتب سازگار نبود، و به جای اینکه به کنترل جمعیت به‌منزله مشکلی مقطعی و استثنایی نگاه کنند، روش‌ها، مفاهیم و استدلال‌هایی را به کار بردند که بیشتر رنگ‌وبوی غربی داشت و به دور از فرهنگ اسلامی بود. به نظر من^۱، باید به سیاست‌های کاهش جمعیت در دهه هفتاد (از نظر نوع تبلیغ، استدلال و شیوه) به‌منزله یک روش بنگریم، نه یک پدیده، و آن را آسیب‌شناسی کنیم.

۱ آیت‌الله سید محمدعلی مدرسی

پرسش این است که چرا موضوعی که از آغاز ظهور اسلام، به‌منزله امری پسندیده تلقی و عمل می‌شد، و ده‌ها روایت بر آن تأکید داشت، و ذهنیت جامعه اسلامی نیز بر اساس آن شکل گرفته بود، به‌یک‌باره دگرگون، و به نقطه مقابل آن تبدیل می‌شود. آیا بهتر نبود به جای نفی اصل مسئله و ضد ارزش معرفی کردن تکثیر جمعیت به‌طور مطلق، ضرورت‌های مقطعی را مطرح، و در همین چارچوب، تبلیغ و برنامه‌ریزی می‌کردند؟

جایگاه فرزند آوری در آموزه‌های اسلامی

روش‌های فنی و تحقیقی در بررسی دیدگاه اسلام درباره جمعیت اقتضا می‌کند که ابتدا قاعده و اصل عام در این مورد اجرا شود، و در مرحله بعد، استثنایها و ضرورت‌ها تبیین شود. با مراجعه به منابع دینی، به‌روشنی مشخص می‌شود که فرزنددارشدن و تکثیر اولاد امری مطلوب و مورد تأکید شریعت اسلام است. به تعبیر دیگر، همان‌طور که ازدواج در اسلام کاری پسندیده است و این، مطلبی واضح و غیرقابل انکار است، تکثیر اولاد نیز مطلوب و پسندیده است.

دسته‌بندی روایات فرزند آوری و افزایش جمعیت

روایاتی که فرزند آوری و افزایش جمعیت را مطلوب معرفی می‌کنند، به چند دسته تقسیم می‌شوند:

(۱) احادیثی که به‌صورت صریح و مستقیم دلالت دارد؛ مانند حدیث رسول‌الله صلی الله علیه و آله که می‌فرماید: **أَكْثِرُوا الْوَلَدَ**؛^۱ زیاد فرزند بیاورید.

(۲) روایاتی که به ترغیب ازدواج و تشکیل خانواده می‌پردازد و تأکید می‌کند که با

۱ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامیة) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. ج ۶؛ ص ۲

زنان ولود و زایا ازدواج کنید؛^۱

۳) احادیثی که دلالت دارد بر اینکه پیامبر در قیامت به جمعیت امت خود بر سایر امت‌ها مباحثات می‌کند.^۲

در میان این روایات، تعبیرهایی وجود دارد که نشان می‌دهد نگاه اسلام به ازدواج و فرزند آوری، با نگاه غربی و اصولاً نگاه مادی بسیار متفاوت است. به سخن دیگر، اسلام درباره فرزند آوری، غیر از جنبه‌های مادی، به جنبه‌های فرا مادی نیز توجه داده است؛ چیزی که در کتاب‌های جمعیت‌شناسی غربی، جایی برای آن وجود ندارد؛ برای نمونه، پیامبر در حدیثی می‌فرماید: ازدواج کنید؛ زیرا من مباحثات می‌کنم به‌وسیله کثرت شما بر امت‌ها؛ تا جایی که فرزند سقط‌شده... بر در بهشت می‌ایستد و به او می‌گویند داخل بهشت شو؛ می‌گوید: تا هنگامی که پدر و مادر من داخل بهشت نشوند، داخل نمی‌شوم.^۳

دلیل دیگر، اطلاق روایات فرزنددارشدن است. غیر از احادیثی که با صراحت مسلمانان را به کثرت اولاد ترغیب می‌کند، اطلاق روایات زیادی که بر اصل فرزنددارشدن تأکید دارند، شامل فرزند دوم و سوم نیز می‌شود.

در این بخش، یعنی اثبات قاعده اصلی درباره جمعیت، به همین مقدار بسنده می‌شود (هرچند دلایل دیگری نیز وجود دارد). تا اینجا روشن شد که تکثیر نسل از

۱ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. ج ۶؛ ص ۲

۲ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. ج ۶؛ ص ۲

۳ أَنْ رَجُلًا أَمَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاتَزَوَّجَ فَلَائِمَةً فَتَنَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ عَتَمَةَ ثُمَّ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ اتَزَوَّجْ فَلَائِمَةً فَتَنَهَا عَنْهَا ثُمَّ أَنَاهَا نَالَتْهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَلَوْ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ عَاقِرٍ حَسَنَاءَ ثُمَّ قَالَ صَ أَمَا عَلِمْتَ أَنِّي مُكَافِرٌ بِكُمْ الْأَمَمُ حَتَّىٰ إِنَّ السَّقَطَ لَيَنْبَغِي مُحْبِنُطًا عَلَىٰ بَابِ الْجَنَّةِ فَيُقَالُ لَهُ أَدْخُلْ فَيَقُولُ لَا حَتَّىٰ يَدْخُلَ أَبَوَايَ فَيَسْمَعُ فِيهِمَا فَيَدْخُلَانِ الْجَنَّةَ / شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسکن الفواد عند فقد الاحبة و الأولاد - قم، چاپ: اول، بی تا. ص ۲۳

منظر روایات کاری مطلوب و پسندیده است. به همین دلیل، این مطلب، مورد قبول مسلمانان در طول تاریخ بوده است.

بررسی برخی روایاتی که مخالفان افزایش جمعیت بدان استناد کرده‌اند
 به‌رغم اینکه فرزندآوری و تکثیر اولاد از نظر اسلام امری شناخته‌شده و مورد تأیید بوده است، برخی مخالفان کثرت جمعیت، برای اینکه به ادعای خود رنگ و لعاب دینی بدهند، به برخی احادیث استدلال کرده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:
 ۱. از پیامبر نقل شده است: **قَلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ**؛
 خانواده کم جمعیت یکی از دو راحتی است.^۱

بررسی حدیث: **قَلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ**

روایت مزبور، مشهورترین و مهم‌ترین روایتی است که طرفداران کنترل جمعیت بدان استناد کرده‌اند. در دهه هفتاد تبلیغات زیادی بر اساس این حدیث انجام دادند و حتی در جای‌جای کشور آن را بر در و دیوار شهرها و حتی برخی روستاها نوشتند. به‌رغم رواج استدلال به حدیث مذکور، دلالت قابل قبولی بر مدعای طرفداران کنترل جمعیت وجود ندارد. توضیح اینکه، این روایت با توجه به قرائن مختلف - از جمله احادیثی که بیان شد - درصد ارزش‌گذاری، و خوب یا بد قلمداد کردن چیزی نیست؛ بلکه مطلبی را به‌منزله یک واقعیت عینی و ملموس بیان می‌کند که عبارت است از دشواری اداره‌خانه و فرزندان زیاد. گواه این مطلب، سیره خود ائمه صلی الله علیه و آله است که بسیاری از آن‌ها عائله سنگین داشتند و از گروه قلیل العیال نبوده‌اند.

۱ ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال - قم، چاپ: اول، ۱۳۶۲ ش. ج ۲، ص: ۶۲۰

نظیر این بیان، یعنی یادآوری واقعیت بدون ارزش گذاری و توصیه، در روایات متعددی دیده می‌شود؛ مانند: السَّفَرُ أَحَدُ الْعَذَابَيْنِ؛^۱ سفر رنج‌آور است؛ الْوَلَدُ أَحَدُ الْعُدُوَيْنِ؛^۲ فرزند دشمن است. آیا مقصود از این روایات آن است که نباید به سفر رفت، یا نباید صاحب فرزند شد؟ بی‌شک چنین نیست. حدیث قله العیال أحد الیسارین نیز این چنین است.

۲) امام رضا صلی الله علیه وآله از پدر خویش و ایشان از جد خویش نقل می‌کند که جعفر بر صیادی گذشت. از صیاد پرسید بیشتر چه چیزی در دام تو می‌افتد؟ گفت: پرنده بچه‌دار. جعفر گذشت، درحالی که می‌گفت: صاحب عیال هلاک شد؛ صاحب عیال هلاک شد.^۳

بررسی حدیث: هَلَكَ صَاحِبُ الْعِيَالِ

صرف نظر از سند حدیث، دلالت این روایت بر مذموم بودن عیال و افزایش اولاد نیز قابل قبول نیست؛ زیرا حدیث یادشده همانند حدیث قبل، به دنبال بیان یک واقعیت است، و اینکه صاحب زن و فرزند شدن، مستلزم تلاش و کوشش است و این نیز همراه با خطر.

مؤید این مطلب آن است که روایت مزبور، عیال را عامل خطر و هلاکت می‌داند و مفهوم عیال شامل یک زن و یک فرزند نیز می‌شود؛ درحالی که به‌یقین اصل ازدواج و صاحب فرزند شدن در اسلام مورد تأیید و تأکید است.

۱ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۷۹.

۲ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۰۷.

۳ بِإِسْنَادِهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ: مَرَّ جَعْفَرُ بِصَيَّادٍ فَقَالَ يَا صَيَّادُ- أَيُّ شَيْءٍ أَكْثَرُ مَا يَقَعُ فِي سَبْكِكَ قَالَ الطَّيْرُ الرَّاقِ- قَالَ فَمَرَّ جَعْفَرٌ وَهُوَ يَقُولُ- هَلَكَ صَاحِبُ الْعِيَالِ هَلَكَ صَاحِبُ الْعِيَالِ / علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام - مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۶ ق. ص ۹۱.

مؤید دیگر، سیره امامانی است که نام آن‌ها در حدیث آمده است؛ یعنی امام رضا، امام کاظم و امام صادق. بر اساس برخی منابع تاریخی امام صادق ده فرزند، امام کاظم بسیار بیشتر و امام رضا صلی الله علیه وآله پنج فرزند داشته‌اند. آیا آن‌ها کاری را نکوهش می‌کنند و خود بدان عمل می‌کنند؟!

حتی اگر این نوع روایات از نظر سند و دلالت مشکلی نداشته باشند، قواعد روشن اجتهادی حکم می‌کند که باید از آن‌ها چشم‌پوشی (با آن‌ها را تأویل) کرد؛ زیرا مفاد آن‌ها با سنت قطعی و مسلم در تعارض است. سنت قطعی مبتنی بر مطلوب بودن ازدواج و اصل فرزند آوری و به‌طور اجمالی غیرمذموم بودن کثرت فرزندان است، و روایتی که برخلاف سنت قطعی باشد، ارزش استنادی ندارد.

شرایط کثرت فرزند

همان‌گونه که اسلام از پیروان خود خواسته است تشکیل خانواده دهند و صاحب فرزند شوند، از آن‌ها خواسته است که فرزندان خود را از تربیت صحیح بهره‌مند کنند و نسلی متدین و با فرهنگ مناسب به جامعه تحویل دهند. در حدیث حقوق از امام سجاد صلی الله علیه وآله آمده است: حق فرزندت بر تو این است که بدانی... مسئول تربیت خوب او و (همچنین مسئول) راهنمایی او به پروردگارش... هستی.^۱

بنابراین، در صورتی که کثرت اولاد، به‌رغم تلاش زیاد، مانع عمل کردن به وظیفه شود و مجموع شرایط، وی را از تربیت صحیح بازدارد، و ترس از انحراف فرزندان وجود داشته باشد، شمول ادله کثرت اولاد، نسبت به آن دچار اشکال می‌شود.

۱ حَقٌّ وَ لَدَيْكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بَخِيرُهُ وَ شَرُّهُ وَ أَنْكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةَ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ/ نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۸ق. ج ۱۵؛ ص ۱۶۸

نگاهی گذرا به مبانی فقهی تغییرات جمعیت: آیت‌الله عباس کعبی^۱

عده‌ای بر این باورند که اصلاح زندگی مادی و معنوی نسل فعلی اقتضا می‌کند که جمعیت کنترل شود. به نظر من، این‌ها مانعه الجمع نیست؛ یعنی اصلاح وضع مادی و معنوی نسل فعلی، با به دنیا آمدن افراد جدید منافات ندارد.

افزایش جمعیت

درباره موضوع افزایش جمعیت و نسل، بحث‌های زیادی را می‌توان مطرح کرد؛ اما در مجموع، تکثیر نسل و افزایش جمعیت یک ارزش و مستحب به شمار می‌آید و آیات، روایات و ادله زیادی در این باره قابل طرح است؛ به گونه‌ای که می‌توان این موضوع را از مسلمات فقه تلقی کرد. از این رو، چند نکته را که بر این موضوع دلالت دارند، بیان می‌کنم:

نخست اینکه، بر اساس آیات و روایات، دعا برای طلب فرزند و ازدیاد جمعیت، ذاتاً مطلوب است. البته مطلوبیت ذاتی به معنای مطلوبیت مادی و ابزاری نیست. برای مثال، افزایش جمعیت برای دست یافتن به قدرت، جنگیدن و ابزار قدرت قرار گرفتن مطلوب نیست؛ بلکه مطلوبیت ذاتی، ناشی از مطلوبیت معنوی است. مطلوبیت مربوط به خلقت انسان است. انسان موجودی کریم، مخلوق و بنده خداست. از این رو، تلاش برای افزایش انسان و نسل در روی زمین، به خودی خود حسن است؛ مگر اینکه موانعی باعث شود ازدیاد نسل به حد اضطرار برسد، که در این صورت باید تنظیم شود؛ اما به خودی خود رجحان دارد؛ زیرا اولاً، انسان کرامت دارد؛ ثانیاً، در روایات آمده است که، لا اله الا الله گو زیاد می‌شود؛ زمین سنگین می‌شود به گفتن لا اله الا الله؛^۲

۱ کتاب «تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه» با موضوع گفت‌وگو با اندیشمندان علوم انسانی و اسلامی درباره تغییرات جمعیتی، تنظیم هادی عرب از سوی انتشارات مؤسسه امام خمینی رحمه الله علیه منتشر شده است. متن که در این قسمت درس بیان می‌شود خلاصه قسمتی از این کتاب است.

۲ مَا يَمْنَعُ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ نَسْمَةً تُثْقِلُ الْأَرْضَ بِإِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ / وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۱۴.

به‌ویژه اگر مسلمان و صالح شود؛ ثالثاً، خود این ولد، به‌منزله عمل صالح و در مقام دعاگو برای پدر و مادر، یک ارزش معنوی دارد: الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ...^۱ إِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا عَنِ ثَلَاثٍ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ وَعَلِمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ وَصَدَقَهُ جَارِيَه.^۲

پس هرچه تعداد گوینده لاله‌الاله‌الله و ولد صالح دعاگو برای پدر و مادر بیشتر باشد، مطلوبیت دارد.

برخی از عالمان بزرگ مانند علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان، در ذیل آیات مربوط به استحکام بنیاد خانواده و توجه به حرمت قتل نفس، و اذ بنات، حرمت و اذ بنات و یا حرمت قتل اولاد من اطلاق، تصریح می‌کند که ازدیاد نسل و جمعیت، مبنای ساخت جامعه توحیدی و عاری از شرک و فساد است؛ در ذیل آیاتی که اشاره دارند انسان موجودی اجتماعی است و خداوند، او را از ذکر و انشی خلق کرده است، شاید این موضوع یکی از مهم‌ترین مقصدهای شریعت باشد. پس در مجموع، فرزند دار شدن واجب نیست؛ اما مستحب مؤکد است، تا آنجاکه در برخی از روایات، زن‌های ربیع مربعه مدح شده‌اند. ربیع مربعه، زنی است که فرزندی دارد و در حال شیر دادن و تربیت اوست، و هم‌زمان آبستن هم باشد. نمونه دیگر، اینکه تأکید شده است با کسی ازدواج کنید که ولود باشد؛ ولود صیغه مبالغه است؛ یعنی زیاد بچه‌دار شود؛ تا آنجاکه اگر بین بچه‌دار شدن و نداشتن جمال و حسن و حتی قبیح بودن تراحم باشد، بچه‌دار قبیح در مقایسه با زن دارای جمال ظاهری و نازا اولی است. ائمه (ع) تشویق کرده‌اند با زنی ازدواج کنید که سواء ولوداً باشد. در روایت آمده است: تَزَوَّجْ سَوْءَاءَ وُلُوداً فَإِنِّي مُكَاثِّرٌ بِكُمْ الْأُمَّمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ مَا السَّوَاءُ قَالَ الْقَبِيحَةُ.^۳

۱ الوافی، ج ۴، ص ۴۱۲.

۲ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص ۲۳۰.

۳ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص ۲۳۰.

از رسول گرامی اسلام(ص) نقل شده است که فرمودند با زنی ازدواج کنید که سواء باشد؛ یعنی کامل و بی عیب باشد و زیاد بچه دار شود. بعد هم تعلیل فرموده‌اند که من در روز قیامت برای افزایش تعداد امتم بر دیگران مباحثات می‌کنم. بعد سائل می‌پرسد سواء چیست؟ یعنی - بدون نقل قال القیحه^۱ - خانم زشت‌منظری که بچه دار می‌شود، بهتر است. چه‌بسا برخی بگویند در آن زمان تعداد مسلمان‌ها کم بوده است و به تدریج باید زیاد می‌شدند و در حال حاضر که میلیاردها مسلمان داریم، دیگر نیازی به افزایش جمعیت نیست؛ اما این‌گونه نیست؛ زیرا در روایت می‌فرماید یوم القیامه. پس این جریان به همین صورت ادامه دارد و به زمان خاصی مربوط نیست. در روایت دیگری آمده است: مَا يَمْنَعُ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا. چرا ازدواج نمی‌کنید؟ چه چیزی مانع مؤمن است تا زن بگیرد، لعل الله یرزقه تسمه؛ شاید خداوند تبارک و تعالی رزق و روزی و بچه‌ای نصیب او کند که زمین را با گفتن لا اله الا الله سنگین کند.

از مجموع این روایات درمی‌یابیم که بچه‌دار شدن مستحب مؤکد است. ازدیاد نسل واجب عینی نیست؛ اما مطلوبیت ذاتی دارد. حال که مطلوبیت ذاتی دارد، وظیفه دولت چیست؟ اصل اول در وظیفه دولت و حکومت اسلامی، ترغیب و تشویق در عمل کردن به این استحباب است؛ یعنی سیاست‌های جمعیتی باید بر اساس ارزش‌های مطلوب شارع مقدس تنظیم شود؛ مگر اینکه موانعی وجود داشته باشد؛ یعنی اضطرار آن به‌گونه‌ای باشد که جلوی آن مطلوبیت را بگیرد. اگر اضطرار هم باشد، می‌توان سیاست‌ها را به‌صورت موقتی تغییر داد، نه به‌صورت دائمی؛ اما اصل بر این است که دولت اسلامی باید بچه‌دار شدن و ازدیاد نسل را تشویق کند. همچنین دولت باید برنامه‌ریزی کند که اگر اضطراری ایجاد شد، آن را برطرف سازد، نه اینکه به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که اضطرار ایجاد شود.

۱. الکافی، ج ۵، ص ۳۳۳

۲. وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۱۴

درمقابل، عده‌ای می‌گویند فرزند آوری مطلوبیت ذاتی ندارد و اگر مطلوبیت داشته باشد، مطلوبیت در کیفیت است نه کمیت، و کثرت جمعیت به‌خودی‌خود ارزش نیست. این سخن هیچ مبنایی در آیات و روایات ندارد. در اینجا دو موضوع مطرح است که باید از هم تفکیک شوند؛ نخست اینکه، جامعه اسلامی باید جامعه‌ای قوی، عزیز، دانشمند، ثروتمند و صالح باشد، نه ذلیل، جاهل، فقیر و فاسق؛ اما پرسش این است که آیا برای تحقق هدف، باید تعداد جمعیت کم شود؟ آیا برای افزایش کیفیت، باید جمعیت کنترل شود؟ این‌ها هیچ ارتباطی به هم ندارند. این وجوه، اعتبارات و استحساناتی است که برخی ارائه می‌دهند؛ درحالی‌که با استحسان نمی‌توان مطلوبیت ذاتی بچه‌دار شدن و ازدیاد نسل را از بین برد؛ زیرا آیات و روایات زیادی درباره بچه‌دار شدن وجود دارد که نمی‌توانیم آن‌ها را نادیده بگیریم و بگوییم اسلام صرفاً به فکر کیفیت است. برای داشتن یک جامعه نیرومند، عالم و مؤمن، نباید ضعف برنامه‌ریزی را با کاهش جمعیت جبران، و در اصطلاح امروزی صورت مسئله را پاک کنیم. با پاک کردن صورت مسئله، آیات و روایات ناظر به افزایش جمعیت از بین نمی‌رود. نباید به خدا سوءظن و بدگمانی داشته باشید. بدگمانی در چه چیزی؟ بدگمانی در اینکه ممکن است فقیر شویم. در نتیجه بگوییم باید جمعیت را کاهش دهیم و یا اینکه ازدواج نکنیم؛ چون احتمال دارد نتوانیم مخارج آن را تأمین کنیم. این رویکرد ناشی از ضعف ایمان و نداشتن نگاه توحیدی است. در قرآن آمده است:

وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ^۱.

نکاح، مستحب مؤکد و در برخی موارد واجب است.

إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ^۲؛

اگر فقیر باشند، خداوند از فضل خود رزق و روزی آن‌ها را می‌دهد. پس مبدا به دلیل

۱. نور ۳۲

۲. الکافی، ج ۵، ص ۳۳۰

فقر، شما واسطه نشوید تا دو نفر باهم ازدواج کنند. در روایت دیگری از رسول گرامی اسلام(ص) آمده است:

مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ أَسَاءَ بِاللَّهِ الظَّنُّ؛^۱

کسی که از ترس عیالوار شدن و ناتوانی در پرداخت نفقه آن‌ها ازدواج را ترک کند، به خدا بدگمان شده است. بنابراین، افرادی که می‌گویند باید برنامه‌ریزی کنیم تا فقیر نشویم و افراد متولدشده را سیر کنیم، و یا اینکه اسلام دنبال کیفیت است و نه کمیت، نوعی بدگمانی به خداوند تبارک و تعالی دارند.

نکته دیگر اینکه هماهنگی میان، هجرت جمعیتی:

أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا^۲، کشف سرزمین‌های نو و نیز مرگ‌ومیرهایی که اتفاق می‌افتد، نشان می‌دهد که خلقت و تنظیم آفرینش از نظر تغییرات جمعیتی به‌طور تکوینی و تشریحی باهم هماهنگ است. اگر ما به تکالیف خودمان عمل کنیم، رزاقیت خداوند و وجود امکانات و توانمندی‌ها برای قوی شدن و داشتن یک جامعه کیفی، ما را کفایت می‌کند.

عده‌ای بر این باورند که اصلاح زندگی مادی و معنوی نسل فعلی اقتضا می‌کند که جمعیت کنترل شود. به نظر من، این‌ها مانع‌الجمع نیست؛ یعنی اصلاح وضع مادی و معنوی نسل فعلی، با به دنیا آمدن افراد جدید منافات ندارد. همه مسائل ناشی از تغییرات جمعیتی در گستره‌های جغرافیایی و بازه‌های زمانی متنوع، را با ضعف مدیریت پوشش ندهیم عوامل گوناگونی موجب می‌شوند تا کسانی به دنیا بیایند که می‌توانند با خلاقیت، ابتکار و استفاده از نعمت‌های خداوند، نسل‌ها را مدیریت کنند. بنابراین، چرا ما باید مانع از خلق یک انسان شویم؟

۱. الکافی، ج ۵، ص ۳۳۰

۲. نساء ۹۷

مسئله دیگر اینکه، برخی می‌گویند قدرت در دانایی است و برای تأیید آن شعری از سعدی نقل می‌کنند:

سیاهی لشکر نیاید به کار یکی مرد جنگی به از صد هزار

این نکته در جایگاه خود درست است که یک مرد جنگی بهتر از صد هزار نفر است؛ اما این بدان معنا نیست که باید آن صد هزار نفر را از بین ببریم.
وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ^۱.

خداوند تبارک و تعالی هم می‌فرماید انسان‌ها مختلف آفریده شده‌اند. عده‌ای به دلیل داشتن امکانات و توانمندی‌های ویژه از دیگران بهترند. و یا وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا^۲. مگر وقتی درباره ازدیاد نسل سخن می‌گوییم، همه نسل‌ها را بدون استثنا در نظر می‌گیریم؟ باید همگی دانشمند و مؤمن و سربلند باشند؟ نه آدم‌ها مختلفند. توزیع نقش و تقسیم کار، باعث اقتدار و کمال می‌شود و این موضوع مطلوبیت دارد. از این‌رو، در بین فقیهان کسی وجود ندارد که بگوید افزایش جمعیت مستحب نیست.

جمع بندی

جمع‌بندی قسمت اول این است که اولاً ازدیاد نسل و تلاش برای زندگی باهم ارتباط دارند و مورد تشویق شارع مقدس است. یعنی شارع مقدسی که از یک طرف می‌گوید نسل باید زیاد شود، از طرف دیگر می‌فرماید خداوند رزاق، واسع، علیم، قادر و متعال است. پس باید در موضوع جمعیت نیز به خدا اعتماد کنیم و سوء مدیریت و تدبیر خودمان را مبنا قرار ندهیم. همان‌گونه که ازدیاد جمعیت مطلوب است، کم کردن جمعیت نیز به منزله یک اصل اولی مطلوبیت ندارد و بلکه مرجوح است؛ حتی در برخی از موارد نیز حرام می‌شود. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي

۱ نحل ۷۱

۲ نوح ۱۴

الْفَقْرَ وَلَكِنْ أَخَافُ عَلَيْهِمْ سُوءَ التَّدْبِيرِ! من نمی‌ترسم که امت من فقیر شوند، بلکه نگران سوء تدبیر و سوء مدیریت هستیم. عده‌ای می‌خواهند سوء مدیریت خود را با کنترل، محدود کردن و از بین بردن نسل جبران کنند که این کار صحیح نیست.

مذمت جلوگیری از بارداری

نکته دوم اینکه، جلوگیری از زادوولد و بارداری مذمت شده است. البته در فقه موضوع گسترده‌ای با نام عزل - عزل جایز و عزل وجود دارد. ممکن است کسی بگوید این جزء حقوق زن حره و آزاد است. البته در روایاتی درباره عزل آمده است که هو الوأد الاصغر، یعنی مانند زنده به گور کردن کوچک است؛ اما جلوگیری از بارداری و عقیم کردن، به گونه‌ای که زن به طور دائم باردار نشود، حرمت دارد. علت وجه حرمت آن نیز یکی، اضرار به نفس است که از نظر فقهی حرام می‌باشد و دیگری، از لحاظ معرفتی و ایمانی است که نوعی سوء ظن به خداوند تبارک و تعالی به شمار می‌رود که این موضوع از نظر اخلاقی مذمت شده است.

نکته دیگر اینکه، باید به سیاست کنترل جمعیت با دیده تردید بنگریم. باید در این باره تحقیق کرد که چرا سازمان بهداشت جهانی هرگونه امکانات را در اختیار ما قرار دادند تا جمعیت ایران و مسلمان‌ها کنترل شود؛ تا حدی که به رشد منفی جمعیت برسیم. بنابراین، بعید نیست که این سیاست، استعماری و صهیونیستی باشد. مسئله بعدی این است که شاید کنترل جمعیت به نوعی عمل به فرهنگ جاهلیت باشد؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ ۲

به خاطر فقر، فرزندانان را نکشید.

۱. عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۴، ص ۵

۲. اِسْرَاء، ۳۱

در دوران جاهلیت هنگامی که مردم، گرسنه یا دچار قحطی می‌شدند و غذایی برای خوردن پیدا نمی‌کردند، برای اینکه عده‌ای سیر شوند، برخی دیگر را می‌کشتند. در زمان ما نیز برای جلوگیری از فقر، جمعیت را کنترل می‌کنند و این نوعی کشتن، عمل جاهلی و بدگمانی به خداوند است. همچنین خداوند رزاق است. بنابراین، اگر کسی از ترس ناتوانی در تهیه رزق خود و فرزندانش از بارداری جلوگیری کند، به رزاقیت خداوند سوءظن پیدا کرده و این عملی ضد ارزشی است، نه ارزشی. پس برنامه‌ریزی برای رشد منفی جمعیت و جلوگیری از بارداری حرام است. محدود کردن تعداد فرزندان و در نظر گرفتن سیاست‌های تنبیهی مانند تعلق نگرفتن بیمه یا کوپن و یا یارانه به فرزند چهارم نیز نوعی محرومیت است و بی‌شک این نیز جایز نیست. در روایت آمده است:

توالدوا و تکاثروا فانی أباهی بکم الامم و لو بسقط فان السقط یقف امام باب الجنه یقول لا ادخل حتی یدخل أبوی^۱ در این بیان رسول خدا، هیچ قیدی نیامده است؛ بلکه به‌طور کلی فرموده‌اند توالدوا و تکاثروا؛ یعنی توالد کنید تا جمعیتتان زیاد شود و نسل خود را گسترش دهید؛ من به شما در برابر امت‌های دیگر مباحثات می‌کنم؛ یعنی خود توالد و تکاثر نزد رسول خدا(ص) موضوعیت دارد. در ادامه، پیامبر می‌فرماید:

ولو بسقط...؛ حتی سقطی هم که سالم به دنیا نمی‌آید و می‌میرد، این نیز مورد مباحثات است و در روز قیامت باحالتی مطالبه‌گرانه نزد پروردگار می‌ایستد و می‌گوید من وارد بهشت نمی‌شوم، مگر اینکه پدر و مادرم بیایند؛ یعنی این سقط، شفیع والدین خویش می‌شود. کجای این روایت مربوط به کیفیت است؟ بنابراین، سیاست‌های تشویقی دولت اسلامی باید در جهت ازدیاد نسل باشد. البته در موارد خاصی که

۱ عَنْ عَبْدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ اللَّيْثِيِّ قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ خَرَجَ وَلَدَانُ الْمُسْلِمِينَ مِنَ الْجَنَّةِ بِأَيْدِيهِمُ الشَّرَابُ قَالَ فَيَقُولُ النَّاسُ لَهُمْ اسْقُونَا اسْقُونَا فَيَقُولُونَ أَبَوَيْنَا أَبَوَيْنَا قَالَ حَتَّىٰ إِنَّ السَّقَطَ / شهید ثانی، زین الدین بن علی، مُسَكِّنُ الْفُؤَادِ عِنْدَ فَقْدِ الْأَحْبَةِ وَ الْأَوْلَادِ - قم، چاپ: اول، بی تا، ص ۲۴

به حد اضطراب و عسر و حرج می‌رسد، دولت اسلامی می‌تواند بر اساس اختیاراتی که ولی فقیه دارد، به طور موقت سیاست‌هایی را تنظیم کند که آن عسر و حرج و اضطراب از بین برود؛ اما اینکه همیشه سیاست‌های محدودکننده داشته باشیم، خلاف شرع است. وضعیت فعلی ما نشان می‌دهد از لحاظ رسانه‌ای، فرهنگ، امکانات و قانون‌گذاری، تلاش زیادی شده است که این‌چنین با رشد منفی جمعیت مواجه شده‌ایم. بنابراین، اکنون باید بکوشیم تا وضعیت به حالت عادی بازگردد. البته افرادی که عامل به وجود آمدن این وضعیت‌اند، باید از عملکرد خود استغفار کنند.

جمعیت، عامل اقتدار

نکته بعدی این است که جمعیت یک عامل اقتدار بشری است و باعث قوت می‌شود. برای مثال، در قرآن آمده است:

يُؤْمِدُكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ^۱؛ یعنی بنین در کنار اموال گذاشته شده است.

حتی از حفه یا نوه‌دار شدن نیز در قرآن کریم به منزله نعمت الهی یاد شده است. همچنین دیر ازدواج کردن، یک ضد ارزش است. در روایات زیادی تأکید شده است که زود ازدواج کنید؛ از سعادت انسان این است که دختر در سن بلوغ و زود هنگام ازدواج کند. این نیز جزء سیاست‌های تشویقی اسلام است؛ در حالی که امروزه سن ازدواج افزایش یافته و نزدیک سی سال شده است.

از این رو، باید عوامل افزایش سن ازدواج شناسایی و برطرف شوند. برای مثال، تأمین شغل و مسکن مناسب، با حل مسائل روحی، روانی و فرهنگی و کاهش سن ازدواج ارتباط دارد. دولت اسلامی باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که سیاست‌های تعلیم و تربیت، سیاست‌های عمران و اشتغال، به کلی طراحی شود که معدل سن ازدواج کاهش یابد. این موضوع نیز یکی از سیاست‌های اسلام است که نشان می‌دهد کثرت

۱ نوح آیه ۱۲

جمعیت، مطلوب است.

راهکارهایی برای افزایش جمعیت

اما وظیفه کنونی ما چیست؟ به نظر می‌رسد، راهکار اول، تأکید بر استحکام بنیاد خانواده و کاهش آسیب‌های اجتماعی، اهتمام به امر ازدواج جوانان، تبیین آموزه‌های اسلامی درباره ارزش فرزند آوری و تقویت مهر و محبت در خانواده، از جمله رویکردهایی است که باید بدان‌ها توجه جدی داشته باشیم. خداوند می‌فرماید:

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا.^۱

همچنین در آیه دیگری می‌فرماید:

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ.^۲

بین این دو آیه ارتباط وجود دارد و آن اینکه، اگر احسان به والدین از بین برود، ترغیب به تشکیل زندگی کم می‌شود؛ همان مشکلی که امروزه در جامعه غرب رواج یافته است؛ یعنی جلوگیری از بی‌بندوباری اخلاقی به مسئله ازدواج کمک می‌کند. پس یکی از سیاست‌ها و راهکارهای تبلیغی، تشویق به ازدواج زودهنگام است.

راهکار دوم که بسیار مهم است، توجه دادن به توطئه‌های دشمنان اسلام، صهیونیست‌ها و مجامع جهانی است.

راهکار سوم، بیان شرح زندگی رسول‌الله و ائمه اطهار(ع) و بزرگان است و اینکه چگونه افزایش اولاد باعث ورود خیر و برکت به زندگی آن‌ها شده است. برای مثال،

۱ اسراء ۲۳.

۲ انعام، ۱۵۱.

امام خمینی (ره) درباره مرحوم آیت‌الله‌العظمی آقای سید محسن حکیم فرمودند: آل حکیم، آل جهاد و شهادت است و خداوند در نسل آن‌ها برکت قرار داده است. اگر زمانی کاهش جمعیت باعث ضعف مسلمان‌ها شود، حاکم می‌تواند جامعه را ملزم به افزایش جمعیت کند. برای نمونه، کاهش جمعیت فلسطینی‌ها یکی از سیاست‌های صهیونیست‌هاست. البته خداوند لطف کرده است و در آنجا نیز شکست خورده‌اند. پس اگر کاهش جمعیت مسلمان‌ها باعث ضعف و ذلت آن‌ها شود، حاکم جامعه اسلامی می‌تواند در حد وجوب برای ازدیاد نسل جامعه دستور صادر کند.

به‌هرحال، به نظر می‌رسد عناصر پایه‌ای ازدیاد نسل، تشویق به ازدواج، تشویق به

بچه‌دار شدن و توجه به رزاقیت خداوند است:

وَإِنْ تُعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا؛ و فرزند، نعمت خداست. چرا خودتان را از داشتن این نعمت منع می‌کنید؟ چرا ضعف برنامه‌ریزی و مدیریت و به تعبیر رسول‌الله (ص) سوءتدبیر خود را با بچه‌دار نشدن جبران می‌کنید؟ باید توجه داشته باشیم که ازدیاد نسل در همه فرهنگ‌ها و ادیان، امری مطلوب تلقی شده و یک ارزش است. برای مثال، در میان کاتولیک‌ها، یهودیان، روم و ایران باستان نیز یک ارزش بوده است. در ایران و روم باستان خانواده‌هایی که بچه‌دار می‌شدند، هدیه دریافت می‌کردند.

نقد شعار فرزند کمتر، زندگی بهتر

بی‌شک، شعار فرزند کمتر، زندگی بهتر یک شعار استعماری، ضد ارزشی و ناشی از سوءظن به خدا و تنبلی است. زندگی بهتر، باکار بیشتر، تدبیر بهتر، تلاش برای تربیت اولاد و در سایه ایمان و تقواست. چه کسی گفته است زندگی بهتر از طریق فرزند کمتر است؟ زندگی بهتر در سایه ایمان و تقواست. حتی اگر انسان، تنها و فاسق هم باشد، زندگی نکبت‌باری خواهد داشت. خداوند می‌فرماید:

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا^۱. اما متأسفانه فرهنگ استعماری، معیشت ضنک را ناشی از تعداد فرزند دانسته است.

شعار فرزند کمتر، زندگی بهتر یک شعار استعماری است؛ درحالی که قرآن کریم می‌فرماید:

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا^۲

هرکس از یاد خدا روی گرداند، زندگی سختی خواهد داشت. آن کسی که به خدا توجه کند، خدا نیز به او توجه می‌کند:

فَاذْكُرُونِي أَذْكُمْ وَأَشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ^۳

یعنی کفران نعمت نکنید؛ اگر انسان به یاد خدا باشد، با داشتن عیال بیشتر، زندگی بهتری خواهد داشت.

برخی برای داشتن فرزند کم به این روایت استناد می‌کنند که قَلَّ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ^۴، کم بودن عائله، زندگی را آسان می‌کند؛ درحالی که این روایت به یک واقعیت خارجی اشاره دارد. کم بودن عیال نباید باعث تنبلی شود؛ بلکه باید مجموعه این ارزش‌ها را در کنار هم در نظر بگیریم تا بتوانیم نمونه یک انسان اسلامی را تبلیغ کنیم. عقلانیت، معنویت و تقوا، ایمان و پرستش الهی، عدالت، آزادی، مهر و محبت، رحمت و رأفت باعث دوست داشتن فرزند می‌شود. دوست داشتن فرزند یک ارزش عاطفی و روانی مهم است.

تشویق به کار، استحکام بنیاد خانواده، پرهیز از اسراف و تبذیر، توجه به سلامت و امنیت، ایجاد امید و مبارزه با روحیه بدگمانی و تلاش برای تحقق حکومت انسان

۱ طه ۱۲۴

۲ همان

۳ بقره آیه ۱۵۲.

۴ قرب الإسناد، ص ۱۱۶

شایسته و صالح، مجموعه ویژگی‌هایی است که در کنار کثرت جمعیت باعث کارآمدی می‌شود؛ ولی شعار فرزند کمتر، زندگی بهتر نه قرآنی است، نه روایی و نه مطابق با سیره ائمه(ع) و فطرت انسانی. فطرت انسانی اقتضا می‌کند که زندگی بهتر در سایه آرامش و اطمینان قلبی به وجود آید و این آرامش در پرتو ایمان و تقوا به دست می‌آید؛ اما استعمارگران این شعار را تغییر دادند و به جای روی گردانی از خداوند در آیه شریفه مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً^۱، عبارت من کان اکثر عیالا فان له معیشه ضنکا را قرار دادند. بی‌شک، کم کردن جمعیت، مساوی با نابودی نسل هاست و این ضدارزش، ضدقرآن و ضد روایات است.

جمعیت، ازدواج و فرزند آوری در بیانات مقام معظم رهبری

* طرح اشتباه تحدید نسل

یکی از مهم‌ترین موجودی‌های بارزش ما، همین نسل جوان تحصیل کرده است. نسل جوان تحصیل کرده، هم شجاعت دارد، هم امید دارد، هم نشاط و تحرک دارد. من همین‌جا در داخل پرانتز عرض بکنم؛ یکی از خطاهایی که خود ما کردیم - بنده خودم هم در این خطا سهیمم - این مسئله‌ی تحدید نسل از اواسط دهه‌ی ۷۰ به این طرف باید متوقف می‌شد. البته اولی که سیاست تحدید نسل اتخاذ شد، خوب بود، لازم بود، لیکن از اواسط دهه‌ی ۷۰ باید متوقف می‌شد. این را متوقف نکردیم؛ این اشتباه بود. عرض کردم؛ مسئولین کشور در این اشتباه سهیم‌اند، خود بنده‌ی حقیر هم در این اشتباه سهیمم. این را خدای متعال و تاریخ باید بر ما ببخشد. نسل جوان را باید حفظ کرد. با این روند کنونی اگر ما پیش برویم - من چندی پیش هم در ماه رمضان در سخنرانی گفتم - کشور پیر خواهد شد. خانواده‌ها، جوان‌ها باید تولیدمثل را زیاد کنند؛ نسل را افزایش دهند. این محدود کردن فرزندان در خانه‌ها، به این شکلی که امروز هست، خطاست. این نسل جوانی که امروز ما داریم، اگر در ده سال

۱ طه ۱۲۴ .

آینده، بیست سال آینده و در دوره‌ها و مرحله‌های آینده‌ی این کشور بتوانیم آن را حفظ کنیم، همه‌ی مشکلات کشور را این‌ها حل می‌کنند؛ با آن آمادگی، با آن نشاط، با آن شوقی که در نسل جوان هست، و با استعدادی که در ایرانی وجود دارد. پس ما مشکل اساسی برای پیشرفت نداریم.^۱

* ازدواج و تشکیل خانواده و فرزند آوری یک فرهنگ است؛

فرهنگ یعنی باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با آن سر و کار دائمی دارند و الهام‌بخش مردم در حرکات و اعمال آن‌ها است؛ فرهنگ این است؛ این پس خیلی اهمّیت دارد. مثلاً... تشکیل خانواده و ازدواج یک فرهنگ است؛ تعداد فرزندان یک فرهنگ است؛ اگر در این چیزها بینش مردم و جهت‌گیری مردم جهت‌گیری درستی باشد، زندگی در جامعه جوری خواهد شد؛ اگر خدای ناکرده جهت‌گیری غلط باشد، زندگی جوری دیگری خواهد شد؛ خدای ناکرده به همان بلایی مبتلا خواهیم شد که امروز کشورهایی که خانواده را و بنیان خانواده را ویران کردند و شهوات را به راه انداختند — وَأَتَّبِعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا — به آن سرنوشت دچار شدند.^۲

* لزوم توجه به مسئله جمعیت و ازدواج

یکی از خطراتی که وقتی انسان درست به عمق آن فکر می‌کند، تن او می‌لرزد، این مسئله‌ی جمعیت است.^۳

ببینید چه چیزهایی است که موجب می‌شود جامعه‌ی ما دچار میل به کم‌فرزندی بشود. این میل به کم بودن فرزند، یک عارضه است؛ والا انسان به‌طور طبیعی فرزند را دوست می‌دارد. چرا ترجیح می‌دهند افرادی که فقط یک فرزند داشته باشند؟

۱ بیانات در اجتماع مردم بجنورد، ۱۳۹۱/۰۷/۱۹

۲ بیانات تاریخ ۱۳۹۳/۰۱/۰۱

۳ بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۹۲/۰۹/۱۹

چرا ترجیح می‌دهند فقط دو فرزند داشته باشند؟ چرا زن به شکلی، مرد به شکلی پرهیز می‌کنند از فرزند داری؟ این‌ها را بایستی نگاه کرد و دید عواملش چیست؛ این عوامل را پیدا کنید، برای علاج این عوامل بیماری‌زا - که به اعتقاد بنده این‌ها عوامل بیماری‌زا است - متخصصین و صاحبان اندیشه را بخواهید فکر کنند. فرض کنید مثلاً بالا رفتن سن ازدواج؛ خب بلاشک یکی از چیزهایی که باروری را محدود می‌کند، بالا رفتن سن ازدواج است؛ خب، این یکی از کارهایی است که باید در کشور فکر بشود. چرا سن ازدواج در کشور ما بالا رفته؟ مگر جوان هفده‌ساله، هجده‌ساله، نوزده‌ساله، احتیاج ندارد به اطفاء نیاز جنسی و غریزه‌ی جنسی؟ ما باید به این فکر کنیم. خب، از آن طرف می‌گویند که این‌ها خانه ندارند، شغل ندارند، درآمد ندارند؛ ببینیم چگونه می‌شود کاری کرد که همه‌ی این‌ها باهم جمع بشود. ما نباید تصور بکنیم که حتماً بایستی یک نفری یک خانه‌ی ملکی داشته باشد، یک شغل درآمد داری داشته باشد، بعد ازدواج بکند؛ نه، اِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ این قرآن است [که] با ما دارد این جور حرف می‌زند. یعنی همه‌ی آن گره‌های ذهنی‌ای را که وجود دارد در این زمینه، باید شما باز کنید، یعنی شأن شما و همایشی از این قبیل، این است که بایستی این کار فکری و علمی را بکند؛ یعنی صرفاً بیان فکر، بیان خواست و حتی شعارهایی در این زمینه نباشد. واقعاً کار بشود، کار فکری بشود؛ عوامل کاهش جمعیت و موجبات افزایش جمعیت به نحو مطلوب و با اعتدال متناسب، درست سنجیده بشود، مطرح بشود [تا] اقناع بشوند افکار نخبگان. در این زمینه خب الآن عامه‌ی مردم، بعضی‌ها متدینند، بعضی‌ها متعبدند، وقتی گفته میشود، می‌روند سراغ باروری بیشتر؛ لکن نخبگان جامعه باید قانع بشوند، باید مسئله را قبول کنند؛ اگر نخبگان قبول کردند، کار سهل می‌شود، کار فرهنگ‌سازی آسان می‌شود. در این زمینه‌ها ان شاء الله بایستی آقایان تلاش کنید و امیدواریم ان شاء الله موفق باشید!

۱. بیانات در دیدار اعضای همایش ملی «تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه» ۱۳۹۲/۰۸/۰۸

* استعداد ویژه کشور ایران برای پرجمعیت شدن

بنده همچنان معتقدم کشور ما کشور هفتادوپنج میلیونی نیست؛ کشور ما کشور صد و پنجاه میلیونی است... این کشور با این سطح وسیع، با این تنوع آب‌وهوایی، با این امکانات فراوان زیرزمینی، با این استعداد بالقوه‌ی علمی که در این کشور وجود دارد، می‌تواند یک کشور پرجمعیتی باشد و ان‌شاءالله خودش هم این جمعیت را اداره کند^۱.

* لزوم توجه به مسئله فرزند آوری

یک نگاه مقلدانه‌ای به زندگی غربی یا به زندگی اروپایی وجود داشته که به اینجایا منتهی شده و میراث آن به ما رسیده؛ ما هم در یک برهه‌ای از زمان غفلت کردیم، کاری که باید انجام بدهیم انجام ندادیم. درحالی‌که امروز در [بعضی از] همین کشورهای غربی از کاهش باروری دارند زیان می‌بینند و پشیمانند، و در بعضی از کشورهای غربی مطلقاً کاهش باروری وجود ندارد؛ یعنی خانواده‌های پرجمعیت، مثلاً خانواده‌ی آمریکایی با ده دوازده بچه، چطور خانواده‌ی ایرانی [که] می‌خواهد از او تقلید کند باید حتماً یک بچه داشته باشد یا دو بچه! که این الآن وجود دارد و گزارش‌ها و خبرها از این واقعیت به ما اطلاع می‌دهد. ان‌شاءالله که موفق و مؤید باشید^۲.

* فرزند آوری یک مجاهدت بزرگ

یکی از مهم‌ترین وظائف زن، خانه‌داری است. همه می‌دانند؛ بنده عقیده ندارم به این‌که زن‌ها نباید در مشاغل اجتماعی و سیاسی کار کنند؛ نه، اشکالی ندارد؛ اما اگر چنانچه این به معنای این باشد که ما به خانه‌داری به چشم حقارت نگاه کنیم، این می‌شود گناه. خانه‌داری یک شغل است؛ شغل بزرگ، شغل مهم، شغل حساس، شغل

۱. بیانات در دیدار اعضای همایش ملی «تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه» ۱۳۹۲/۰۸/۰۸

۲. بیانات در دیدار اعضای همایش ملی «تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه» ۱۳۹۲/۰۸/۰۸

آینده‌ساز. فرزند آوری یک مجاهدت بزرگ است. ما با خطاهایی که داشتیم، با عدم دقت‌هایی که از ماها سرزده، یک برهه‌ای در کشور ما متأسفانه این مسئله مورد غفلت قرار گرفت و ما امروز خطراتش را داریم می‌بینیم؛ که من بارها این را به مردم عرض کرده‌ام: پیر شدن کشور، کم شدن نسل جوان در چندین سال بعد، از همان چیزهایی است که اثرش بعداً ظاهر خواهد شد؛ وقتی هم اثرش ظاهر شد، آن روز دیگر قابل علاج نیست؛ اما امروز چرا، امروز قابل علاج است.

فرزند آوری یکی از مهم‌ترین مجاهدت‌های زنان و وظائف زنان است؛ چون فرزند آوری در حقیقت هنر زن است؛ اوست که زحماتش را تحمل می‌کند، اوست که رنج‌هایش را می‌برد، اوست که خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به او داده است. خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به مردها نداده، در اختیار بانوان قرار داده؛ صبرش را به آن‌ها داده، عاطفه‌اش را به آن‌ها داده، احساساتش را به آن‌ها داده، اندام‌های جسمانی‌اش را به آن‌ها داده؛ درواقع این هنر زن‌ها است. اگر چنانچه ما این‌ها را در جامعه به دست فراموشی نسپریم، آن وقت پیشرفت خواهیم کرد.^۱

* لزوم ترویج فرزند آوری

این مسئله‌ی افزایش نسل و این‌ها جزو مباحث مهمی است که واقعاً همه‌ی مسئولین کشور - نه فقط مسئولین اداری - روحانیون، کسانی که منبرهای تبلیغی دارند، باید در جامعه درباره‌ی آن فرهنگ‌سازی کنند؛ از این حالتی که امروز وجود دارد - یک بچه، دو بچه - باید کشور را خارج کنند. رقم صد و پنجاه میلیون و دویست میلیون را اول امام گفتند - و درست هم هست - ما باید به آن رقم‌ها برسیم.^۲

۱ بیانات در دیدار جمعی از مداحان ۱۳۹۲/۰۲/۱۱

۲ بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۰۵/۰۳

خلاصه درس اول:

نگاهی گذرا به مبانی فقهی تغییرات جمعیت؛ آیت‌الله عباس کعبی

ضرورت توجه به اصالت مکتب

برای ایجاد تمدن اسلامی، باید اصول و شرایطی را رعایت کنیم. یکی از مهم‌ترین اصول در ساختن تمدن اسلامی، حفظ اصالت مکتب است. اسلام یک مجموعه و نظام است که عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و... دارد. به همین دلیل، هر کاری که در بعد نظری یا عملی انجام می‌شود، باید اصالت مکتب در آن متبلور باشد. در برهه‌ای از زمان، به دلیل شرایط خاصی که تا حدی قابل توجیه و درک بود، برخی از مسئولان شیوه‌ای را برگزیدند که با اصالت مکتب سازگار نبود، و به جای اینکه به کنترل جمعیت به‌منزله مشکلی مقطعی و استثنایی نگاه کنند، روش‌ها، مفاهیم و استدلال‌هایی را به کار بردند که بیشتر رنگ و بوی غربی داشت و به دور از فرهنگ اسلامی بود.

پرسش این است که چرا موضوعی که از آغاز ظهور اسلام، به‌منزله امری پسندیده تلقی و عمل می‌شد، و ده‌ها روایت بر آن تأکید داشت، و ذهنیت جامعه اسلامی نیز بر اساس آن شکل گرفته بود، به یک‌باره دگرگون، و به نقطه مقابل آن تبدیل می‌شود.

جایگاه فرزند آوری در آموزه‌های اسلامی

با مراجعه به منابع دینی، به‌روشنی مشخص می‌شود که فرزنددار شدن و تکثیر اولاد امری مطلوب و مورد تأکید شریعت اسلام است. روایاتی که فرزند آوری و افزایش جمعیت را مطلوب معرفی می‌کنند، به چند دسته تقسیم می‌شوند:

(۱) احادیثی که به‌صورت صریح و مستقیم دلالت دارد؛ مانند حدیث رسول‌الله

صلی الله علیه وآله که می‌فرمایند: أَكْثَرُوا الْوَلَدَ؛ زیاد فرزند بیاورید.

۲) روایاتی که به ترغیب ازدواج و تشکیل خانواده می‌پردازد و تأکید می‌کند که با زنان ولود و زایا ازدواج کنید؛^۲

۳) احادیثی که دلالت دارد بر اینکه پیامبر در قیامت به جمعیت امت خود بر سایر امت‌ها مباحثات می‌کنند.^۳

بررسی برخی روایاتی که مخالفان افزایش جمعیت بدان استناد کرده‌اند
۱. از پیامبر نقل شده است: قِلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارَيْنِ؛ خانواده کم جمعیت یکی از دو راحتی است.

این روایت با توجه به قرائن مختلف - از جمله احادیثی که بیان شد - در صد ارزش‌گذاری، و خوب یا بد قلمداد کردن چیزی نیست؛ بلکه مطلبی را به‌منزله یک واقعیت عینی و ملموس بیان می‌کند که عبارت است از دشواری اداره‌خانه و فرزندان زیاد. گواه این مطلب، سیره خود ائمه صلی الله علیه وآله است که بسیاری از آن‌ها عائله‌سنگین داشتند و از گروه قلیل‌العیال نبوده‌اند.

۲. امام رضا علیه السلام از پدر خویش و ایشان از جد خویش نقل می‌کند که جعفر بر صیادی گذشت. از صیاد پرسید بیشتر چه چیزی در دام تو می‌افتد؟ گفت: پرنده بچه‌دار. جعفر گذشت، درحالی‌که می‌گفت: صاحب عیال هلاک شد؛ صاحب

۱ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. ج ۶؛ ص ۲

۲ در درس‌های آینده به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۳ در درس‌های آینده به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۴ ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال - قم، چاپ: اول، ۱۳۶۲ ش. ج ۲، ص: ۶۲۰

عیال هلاک شد^۱.

صرف نظر از سند حدیث، دلالت این روایت بر مذموم بودن عیال و افزایش اولاد نیز قابل قبول نیست؛ زیرا حدیث یادشده همانند حدیث قبل، به دنبال بیان یک واقعیت است، و اینکه صاحب زن و فرزند شدن، مستلزم تلاش و کوشش است و این نیز همراه با خطر.

حتی اگر این نوع روایات از نظر سند و دلالت مشکلی نداشته باشند، قواعد روشن اجتهادی حکم می‌کند که باید از آن‌ها چشم‌پوشی (با آن‌ها را تأویل) کرد؛ زیرا مفاد آن‌ها با سنت قطعی و مسلم در تعارض است. سنت قطعی مبتنی بر مطلوب بودن ازدواج و اصل فرزند آوری و به‌طور اجمالی غیرمذموم بودن کثرت فرزندان است، و روایتی که برخلاف سنت قطعی باشد، ارزش استنادی ندارد.

نگاهی گذرا به مبانی فقهی تغییرات جمعیت؛ آیت‌الله عباس کعبی افزایش جمعیت

تکثیر نسل و افزایش جمعیت یک ارزش و مستحب به شمار می‌آید و آیات، روایات و ادله زیادی در این باره قابل طرح است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان این موضوع را از مسلمات فقه تلقی کرد. از این رو، چند نکته را که بر این موضوع دلالت دارند، بیان می‌کنم:

نخست اینکه، بر اساس آیات و روایات، دعا برای طلب فرزند و ازدیاد جمعیت، ذاتاً مطلوب است. البته مطلوبیت ذاتی به معنای مطلوبیت مادی و ابزار نیست.

۱ و یاسناده قال حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ: مَرَّ جَعْفَرُ بِصَيَّادٍ فَقَالَ يَا صَيَّادُ- أَيُّ شَيْءٍ أَكْثَرُ مَا يَنْقَعُ فِي سَبْكَيْكَ قَالَ الطَّيْرُ الرَّاقِ- قَالَ فَمَرَّ جَعْفَرُ وَهُوَ يَقُولُ- هَلَكَ صَاحِبُ الْعِيَالِ هَلَكَ صَاحِبُ الْعِيَالِ / علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام - مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۶ ق. ص ۹۱.

ثانیاً، در روایات آمده است که، لا اله الا الله گو زیاد می شود؛ زمین سنگین می شود به گفتن لا اله الا الله؛^۱ به ویژه اگر مسلمان و صالح شود؛ ثالثاً، خود این ولد، به منزله عمل صالح و در مقام دعاگو برای پدر و مادر، یک ارزش معنوی دارد:

الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ.

برخی از عالمان بزرگ مانند علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان، در ذیل آیات مربوط به استحکام بنیاد خانواده و توجه به حرمت قتل نفس، و اد بنات، حرمت و اد بنات و یا حرمت قتل اولاد من اطلاق، تصریح می کند که ازدیاد نسل و جمعیت، مبنای ساخت جامعه توحیدی و عاری از شرک و فساد است؛ در ذیل آیاتی که اشاره دارند انسان موجودی اجتماعی است و خداوند، او را از ذکر و انشی خلق کرده است، شاید این موضوع یکی از مهم ترین مقصدهای شریعت باشد. پس در مجموع، فرزنددار شدن واجب نیست؛ اما مستحب مؤکد است، تا آنجا که در برخی از روایات، زن های ربیع مربعه مدح شده اند.

از مجموع این روایات درمی یابیم که بچه دار شدن مستحب مؤکد است. ازدیاد نسل واجب عینی نیست؛ اما مطلوبیت ذاتی دارد. حال که مطلوبیت ذاتی دارد، وظیفه دولت چیست؟ اصل اول در وظیفه دولت و حکومت اسلامی، ترغیب و تشویق در عمل کردن به این استحباب است؛ یعنی سیاست های جمعیتی باید بر اساس ارزش های مطلوب شارع مقدس تنظیم شود؛ مگر اینکه موانعی وجود داشته باشد؛

پس ازدیاد نسل و تلاش برای زندگی باهم ارتباط دارند و مورد تشویق شارع مقدس است. یعنی شارع مقدسی که از یک طرف می گوید نسل باید زیاد شود، از طرف دیگر می فرماید خداوند رزاق، واسع، علیم، قادر و متعال است. پس باید در موضوع جمعیت نیز به خدا اعتماد کنیم و سوء مدیریت و تدبیر خودمان را مبنا قرار

۱ مَا يَمْنَعُ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا لَعَلَّ اللَّهُ أَنْ يَرْزُقَهُ نَسَمَةً تَنْقِلُ الْأَرْضَ بِهَا إِلَهُ إِلَّا اللَّهُ / وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۱۴.

ندهیم. همان گونه که ازدیاد جمعیت مطلوب است، کم کردن جمعیت نیز به منزله یک اصل اولی مطلوبیت ندارد و بلکه مرجوح است؛ حتی در برخی از موارد نیز حرام می شود. رسول اکرم (ص) می فرماید:

مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْفَقْرَ وَلَكِنْ أَخَافُ عَلَيْهِمْ سُوءَ التَّدْبِيرِ؛ من نمی ترسم که امت من فقیر شوند، بلکه نگران سوء تدبیر و سوء مدیریت هستم. عده ای می خواهند سوء مدیریت خود را با کنترل، محدود کردن و از بین بردن نسل جبران کنند که این کار صحیح نیست.

مذمت جلوگیری از بارداری

جلوگیری از زادوولد و بارداری مذمت شده است. البته در فقه موضوع گسترده ای با نام عزل - عزل جایز و عزل وجود دارد. ممکن است کسی بگوید این جزء حقوق زن حره و آزاد است. البته در روایاتی درباره عزل آمده است که هو الواد الاصر، یعنی مانند زنده به گور کردن کوچک است؛ اما جلوگیری از بارداری و عقیم کردن، به گونه ای که زن به طور دائم باردار نشود، حرمت دارد. علت وجه حرمت آن نیز یکی، اضرار به نفس است که از نظر فقهی حرام می باشد و دیگری، از لحاظ معرفتی و ایمانی است که نوعی سوء ظن به خداوند تبارک و تعالی به شمار می رود که این موضوع از نظر اخلاقی مذمت شده است.

نکته دیگر اینکه، باید به سیاست کنترل جمعیت با دیده تردید بنگریم. باید در این باره تحقیق کرد که چرا سازمان بهداشت جهانی هرگونه امکانات را در اختیار ما قرار دادند تا جمعیت ایران و مسلمانها کنترل شود؛ تا حدی که به رشد منفی جمعیت برسیم. بنابراین، بعید نیست که این سیاست، استعماری و صهیونیستی باشد مسئله بعدی این است که شاید کنترل جمعیت به نوعی عمل به فرهنگ جاهلیت

۱ عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۴، ص ۵.

باشد؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ
به خاطر فقر، فرزندانان را نکشید.

جمعیت، عامل اقتدار

نکته بعدی این است که جمعیت یک عامل اقتدار بشری است و باعث قوت می‌شود. برای مثال، در قرآن آمده است: يُمَدِّدُكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ؛ یعنی بنین در کنار اموال گذاشته شده است. حتی از حفده یا نوه‌دار شدن نیز در قرآن کریم به منزله نعمت الهی یاد شده است. همچنین دیر ازدواج کردن، یک ضدارزش است. در روایات زیادی تأکید شده است که زود ازدواج کنید؛ از سعادت انسان این است که دختر در سن بلوغ و زود هنگام ازدواج کند. این نیز جزء سیاست‌های تشویقی اسلام است؛

راهکارهایی برای افزایش جمعیت

راهکار اول، تأکید بر استحکام بنیاد خانواده و کاهش آسیب‌های اجتماعی، اهتمام به امر ازدواج جوانان، تبیین آموزه‌های اسلامی درباره ارزش فرزند آوری و تقویت مهر و محبت در خانواده، از جمله رویکردهایی است که باید بدان‌ها توجه جدی داشته باشیم.

راهکار دوم که بسیار مهم است، توجه دادن به توطئه‌های دشمنان اسلام، صهیونیست‌ها و مجامع جهانی است.

راهکار سوم، بیان شرح زندگی رسول‌الله و ائمه اطهار(ع) و بزرگان است و اینکه چگونه افزایش اولاد باعث ورود خیر و برکت به زندگی آن‌ها شده است.

۱ اِسْرَاء، ۳۱

۲ نوح آیه ۱۲.

نقد شعار فرزند کمتر، زندگی بهتر

بی شک، شعار فرزند کمتر، زندگی بهتر یک شعار استعماری، ضد ارزشی و ناشی از سوءظن به خدا و تنبلی است.

زندگی بهتر در سایه ایمان و تقواست. حتی اگر انسان، تنها و فاسق هم باشد، زندگی نکبت باری خواهد داشت. خداوند می فرماید:

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا!

برخی برای داشتن فرزند کم به این روایت استناد می کنند که قَلَّ الْعِيَالِ أَحَدٌ الْيَسَارِينُ^۱، کم بودن عائله، زندگی را آسان می کند؛ درحالی که این روایت به یک واقعیت خارجی اشاره دارد. کم بودن عیال نباید باعث تنبلی شود؛

تشویق به کار، استحکام بنیاد خانواده، پرهیز از اسراف و تبذیر، توجه به سلامت و امنیت، ایجاد امید و مبارزه با روحیه بدگمانی و تلاش برای تحقق حکومت انسان شایسته و صالح، مجموعه ویژگی هایی است که در کنار کثرت جمعیت باعث کارآمدی می شود؛ ولی شعار فرزند کمتر، زندگی بهتر نه قرآنی است، نه روایی و نه مطابق با سیره ائمه (ع) و فطرت انسانی.

جمعیت، ازدواج و فرزند آوری در بیانات مقام معظم رهبری

* این مسئله ای افزایش نسل و این ها جزو مباحث مهمی است که واقعاً همه ی مسئولین کشور - نه فقط مسئولین اداری - روحانیون، کسانی که منبرهای تبلیغی دارند، باید در جامعه درباره ی آن فرهنگ سازی کنند؛

۱ طه ۱۲۴

۲ قرب الإسناد، ص ۱۱۶ .

* فرزند آوری یکی از مهمترین مجاهدتهای زنان و وظائف زنان است؛ چون فرزند آوری در حقیقت هنر زن است؛

* یکی از خطراتی که وقتی انسان درست به عمق آن فکر میکند، تن او میلرزد، این مسئلهی جمعیت است

* تشکیل خانواده و ازدواج یک فرهنگ است؛ تعداد فرزندان یک فرهنگ است؛ اگر در این چیزها بینش مردم و جهت گیری مردم جهت گیری درستی باشد، زندگی در جامعه جوری خواهد شد؛ اگر خدای ناکرده جهت گیری غلط باشد، زندگی جوری دیگری خواهد شد؛ خدای ناکرده به همان بلایی مبتلا خواهیم شد که امروز کشورهایی که خانواده را و بنیان خانواده را ویران کردند و شهوات را به راه انداختند — وَاتَّبِعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا — به آن سرنوشت دچار شدند

سؤالات و پرسش‌ها:

- (۱) طبق مبانی فقهی تغییرات جمعیتی آیت‌الله مدرسی، آیا توجه به اصالت مکتب ضروریست؟ چرا؟
- (۲) با توجه به مبانی فقهی تغییرات جمعیتی آیت‌الله مدرسی، روایاتی که فرزند آوری و افزایش جمعیت را مطلوب معرفی می‌کنند، به چند دسته تقسیم می‌شوند؟ هر کدام را نام برده و مختصراً توضیح دهید.
- (۳) با توجه به مبانی فقهی تغییرات جمعیتی آیت‌الله مدرسی، روایاتی که مخالفان افزایش جمعیت بدان استناد می‌کنند ذکر کرده و آن‌ها را نقد کنید.
- (۴) طبق مبانی فقهی تغییرات جمعیتی آیت‌الله کعبی، آیا تکثیر نسل و افزایش جمعیت یک ارزش و مستحب به شمار می‌آید؟ آیات، روایات و ادله در این زمینه را مختصر توضیح دهید
- (۵) با توجه به مبانی فقهی تغییرات جمعیتی آیت‌الله کعبی، آیا جلوگیری از بارداری در اسلام مذمت شده است؟ چرا؟
- (۶) طبق مبانی فقهی تغییرات جمعیتی آیت‌الله کعبی، آیا جمعیت، عامل اقتدار می‌باشد؟ مختصر توضیح دهید
- (۷) سه راهکار برای افزایش جمعیت را نام ببرید؟
- (۸) از بیانات مقام معظم رهبری در مورد جمعیت، ازدواج و فرزند آوری سه جمله ذکر بفرمایید.

معرفی منابع بیشتر:

- * کتاب تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه ، پدیدآورنده: آیت‌الله محمدعلی مدرس، انتشارات مؤسسه امام خمینی رحمه الله علیه.
- * کتاب اسلام و ساماندهی جمعیت پدید آورنده: حسن رهبری، انتشارات مؤسسه بوستان کتاب
- * کتاب جمعیت ایران، افزایش یا کاهش پدیدآورنده: شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، انتشارات مرکز تحقیقات زن و خانواده.
- * کتاب تحولات جمعیتی در ایران؛ عوامل، پیامدها، راهبردها پدیدآورنده: مرکز تحقیقات زن و خانواده، انتشارات مرکز تحقیقات زن و خانواده



درس دوم

از دواج پسندیده
در پر تو آیات قرآن و روایات
اهل بیت علیهم السلام

ازدواج از منظر روایات

این درس را با ذکر چند روایت شریفه، در مورد امر مهم ازدواج این سیره نبوی، آغاز می‌کنم.

سوء ظنّ به خداوند

حضرت رسول صلی الله علیه و آله در مورد کسانی که مشکلات مالی را بهانه‌ای برای تأخیر ازدواج و ترک آن می‌دانند، می‌فرماید:

مَنْ تَرَكَ التَّرْوِیْحَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ سَاءَ ظَنُّهُ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، هر کس ازدواج را به خاطر ترس از فقر ترک کند، نسبت به خدا سوءظن دارد

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ^۱.

زیرا خداوند عزیز و بزرگ فرموده است: اگر داماد و عروس فقیر باشند، خدا آن‌ها را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد

۱ وسائل الشیعة ج ۲۰ ص ۴۲

ازدواج موجب افزایش روزی

رسول گرامی اسلام برای جلب و افزایش روزی می فرماید:
 اتَّخِذُوا الْأَهْلَ تَشْكِيلَ خَانَوَادِهِ بَدَهَيْدٍ؛ فَإِنَّهُ أَرْزَقُ لَكُمْ^۱
 زیرا این کار رزق و روزی شما را افزون می کند.

و ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه این حدیث مرفوع را نقل کرده که:
 كُلَّمَا كَثُرَ الْعِيَالُ كَثُرَ الرِّزْقُ^۲
 هر چه نان خورها بیشتر شوند، رزق و روزی بیشتری می رسد.

ازدواج به موقع:

درجایی دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در اهمیت ازدواج به موقع دختران
 توصیه کرده و برای تبیین بیشتر این امر می فرماید:
 أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ جِبْرَائِيلَ أَتَانِي عَنِ اللَّطِيفِ الْخَبِيرِ أَي مَرْدَمِ،
 جبرئیل از جانب خدا به نزد من آمد

فَقَالَ إِنَّ الْأُبْكَارَ بِمَنْزِلَةِ الثَّمَرِ عَلَى الشَّجَرِ إِذَا أَدْرَكَ ثَمَارُهَا فَلَمْ تُجْتَنَ أَفْسَدَتْهُ
 الشَّمْسُ وَ نَثَرَتْهُ الرِّيحُ

و گفت: دوشیزگان مانند میوه های روی درخت اند. اگر وقتی می رسند، چیده
 نشوند، آفتاب آن ها را فاسد می کند و باد آن ها را پراکنده می سازد.

۱ وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۱۵

۲ ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ ق.
 ج ۱۸، ص: ۳۳۷.

وَكَذَلِكَ الْأَبْكَارُ إِذَا أَدْرَكْنَ مَا يُدْرِكُ النِّسَاءَ فَلَيْسَ لَهُنَّ دَوَاءٌ إِلَّا الْبُعُولَةُ وَإِلَّا لَمْ يُؤْمَنْ
عَلَيْهِنَّ الْفَسَادُ لِأَنَّهُنَّ بَشَرٌ^۱.

دختران نیز وقتی آنچه را زنان می فهمند، درک کنند، دوابی جز شوهر دادن ندارند
وگرنه از فساد در امان نیستند.

اولین ازدواج:

حضرت آدم و حواء

اولین ازدواج، بین پدربزرگ ما حضرت آدم (علیه اسلام) و مادربزرگ ما حواء
صورت گرفت.

امام صادق (علیه السلام) در روایتی جالب، نحوه‌ی خلقت این زن و شوهر و
ازدواجشان را بیان فرموده‌اند. این روایت را مرحوم شیخ صدوق در کتاب شریف من
لا یحضره الفقیه آورده است. ترجمه‌ی آزاد حدیث از این قرار است:

هنگامی که خدای متعال، آدم را از گل آفرید، به ملائکه دستور داد که بر مقام او
سجده کنند. پس از سجده‌ی ملائکه، خواب را بر او مسلط نمود و درحالی که آدم
در خواب بود، حوا را از همان گلی که آدم را از آن آفریده بود، آفرید، . . . حوا که
شروع به حرکت نمود، آدم از خواب پرید. به حوا دستور داده شد که از آدم دور شو.
هنگامی که نگاه آدم به حوا افتاد، دید مخلوقی زیبا از جنس خود اوست با این فرق
که مؤنث است. به او گفت: تو کیستی؟ حوا پاسخ داد: مخلوقی هستم که خدا خلقم
نموده است. آدم به خدا عرضه داشت: خدایا، این مخلوق زیبا کیست که نگاه به او
مرا آرام می‌کند و نسبت به او احساس انس دارم؟ خدای متعال فرمود: او بنده‌ی من
حوا است. آیا دوست داری همدم و هم‌صحبت و مطیع تو باشی؟ آدم عرض کرد: بله

۱ کافی ج ۵ ص ۳۲۷

و به این خاطر تازنده هستم، شکرگزار تو خواهم بود. پس خدا فرمود: باید او را از من خواستگاری کنی. آدم عرض کرد: خدایا او را از تو خواستگاری نمودم. در قبال ازدواج با او چه کاری باید انجام دهم؟ خداوند فرمود: رضایت من در این است که به او معارف دینم را به او بیاموزی. آدم قبول کرد و خدای متعال عقد ازدواج بین آن دو را خواند و به او فرمود: او را به نزد خود دعوت کن. آدم به حوا گفت: به نزدم بیا ولی حوا گفت: تو به نزدم بیا! خداوند فرمود:

ای آدم تو به نزد او برو. و به همین جهت سنت شده که مردان به خواستگاری زنان بروند.^۱

به برخی نکاتی که از این روایت برداشت می‌شود عبارت‌اند از:

۱. انسان به مونس و همدم نیاز دارد؛ به حدّی که گفته‌اند: واژه‌ی انسان برگرفته از اُنس است
۲. مرد بدون زن، احساس کمبود و تنهایی می‌کند و زن پاسخی است طبیعی به این احساس نیاز
۳. همسر ایدئال زنی است که مونس و مانوس با شوهر خود باشد و شوهر با نگاه به او احساس آرامش نماید
۴. محرم و نامحرم از روز اول بوده است و به همین جهت وقتی آدم از خواب بیدار شد، به حوا دستور داده شد که از او فاصله بگیرد
۵. اولین عاقد، خداوند متعال بوده است
۶. اولین مهریه، تعلیم معارف دینی توسط شوهر به زن بوده است.^۲

۱ من لا یحضره الفقیه، ج ۳؛ ص ۳۸۰.

۲ نکته: مطلب بالا با مطلبی که در برخی روایات آمده مبنی بر اینکه مهریه حضرت حوا ده بار صلوات بر محمد و آل محمد^۳ بوده است (بحار ج ۱۳ ص ۳۳) تعارضی ندارد. زیرا تمام معارف دین در صلوات جمع شده است. هم خالق که الله است هم هدف از خلقت که پیامبر و اهل بیت او هستند چنانکه در حدیث شریف کساء نیز به این نکته اشاره شده است؛ هم نبوت و خاتمیت و هم وصایت و امامت. شاید ده بار بودن هم به این چه بوده که هر باری متضمّن حقائقی است غیر از بار قبلی. والله العالم

۷. در اولین اختلاف بین زن و شوهر، خداوند طرف زن را گرفت و به آدم دستور داد تا در مقابل یکدندگیِ حوا، کوتاه بیاید!
۸. خداوند آن قدر برای عزت و وقار زن ارزش قائل است که به مرد می‌گوید به سراغ زن برو و او را خواستگاری کن و اختیارِ پاسخ مثبت یا منفی دادن را به زن داده است.
۹. البته در کنار مطلب فوق، زن را مطیع و تابع مرد قرار داده است. به همین جهت اگر زنی بخواهد برخلاف خلقت و طبیعت و فطرتش، مُطاع باشد، زندگیِ زناشویی دچار اختلال خواهد شد.
۱۰. مرد باید شکرگزار نعمت همسر باشد؛ همان‌گونه که حضرت آدم به خدا عرضه داشت: تا زنده هستم سپاسگزار این لطف و نعمتت خواهم بود.

بابرکت‌ترین ازدواج: حضرت علی و حضرت زهرا سلام‌الله علیهما

جا دارد در این قسمت درس، اشاره کوتاه به یکی از پربرکت‌ترین ازدواج‌های دو عالم داشته باشیم:

مبارک‌ترین ازدواج، ازدواج حضرت حیدر (علیه‌السلام) با بانوی کوثر (سلام‌الله علیها) است و مهریه‌ی این ازدواج هم یک زره بوده است!

مرحوم مجلسی در بحارالانوار، روایتی را نقل کرده که ترجمه‌ی آن از این قرار است:

... حضرت رسول (صلی‌الله علیه و آله) هنگامی که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به خواستگاری دخترشان آمدند، به او فرمودند: ای ابا احسن! آیا چیزی داری که با آن تو را به ازدواج دخترم درآورم؟ امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمودند: پدر و مادرم فدای شما باد! چیزی از امور زندگی من بر شما مخفی نیست؛ من چیزی جز شمشیر و زره و یک شتر آبکش ندارم. حضرت فرمود: ای علی! به شمشیرت که نیاز داری؛ زیرا تو مرد جنگ و جهادی و باید با شمشیرت دشمنان خدا را بکشی. با شترت هم باید برای نخلستانت آب بکشی و برای خانواده‌ات درآمد کسب کنی و بارت را در مسافرت‌ها بر

آن حمل نمایی. [ولی به زره چندان نیاز نداری! در میدان جنگ بیشتر مراقب خودت باش!] دخترم را در مقابل همین زره به ازدواج تو درآوردم.^۱

شاعر چه زیبا جریان ازدواج را به زبان شعر در آورده:

صحبت از مهریه چون آغاز شد	غنچه لب‌های پیغمبر باز شد
بهر مهریه چه داری بوالحسن؟	گفت پیغمبر که بر زهرای من
بر شما باشد عیان، احوال من	گفت: مولا، آگهی از حال من
در معاش زندگی یار من است	اُشتری دارم کمک‌کار من است
تا کنم بر دشمن دین عرصه تنگ	دیگری شمشیر دارم بهر جنگ
در مصاف فتنه‌ی اهریمنان	یک سپر دارم برای حفظ جان
ای به طوفان بلاها، نوح من	گفت پیغمبر: علی، ای روح من
هر کجا باشی، مُلازم باشدت	اُشتر و شمشیر لازم باشدت
ترس با مرد خطر بیگانه است	با تو اما آن سپر بیگانه است
یار در وقت خطر باشد تو را	بعد از این زهرا سپر باشد تو را
محفل جشن و عروسی شد به پا	شد سپر مهریه‌ی خیر النسا

حضرت سپس فرمودند:

ای ابا الحسن همین الآن برو و زره خود را بفروش و پولش را نزد من بیاور تا با آن، وسائل مورد نیاز تو و فاطمه را تدارک ببینم. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) زره را به چهارصد درهم [و طبق برخی نقل‌ها ۴۸۰ یا ۵۰۰ درهم] فروختند.

مهریه‌ی و جهیزیه‌ی حضرت زهرا سلام‌الله علیها

پیامبر اسلام (صلی‌الله علیه و آله) با این مبلغ، وسائل زیر را برای این زوج جوان

۱ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۳، ص: ۱۲۷

تهیه کردند:

پیراهنی به بهای هفت درهم. روبندی به‌عنوان چادر به ارزش چهار درهم. قطیفه‌ی سیاه خیبری. تخت‌خوابی بافته شده از برگ و لیف خرما. دو تشک که درون یکی از آن‌ها با پشم گوسفند و درون دیگری با لیف خرما پر شده بود. چهار بالش که درون آن‌ها از گیاه خوشبوی اذخر پر شده بود. پرده ای نازک از پشم. یک تخته حصیر هجری که گاهی این حصیر از علف بافته می شد. یک آسیاب دستی. یک تشت مسی. مشک‌ی از پوست. کاسه ای چوبین. مشک کهنه آب. یک آفتابه. دو کوزه سفالی. یک سفره چرمی. یک چادر بافت کوفه. یک مشک آب. مقداری عطر.

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز خانه‌ی خود را مهیا کردند. بدین ترتیب که کف خانه را با ریگ‌های نرم فرش نمودند و چوب درازی به دو طرف دیوار آویختند تا از آن به عنوان رخت آویز استفاده شود و داخل اتاق را نیز با پوست گوسفند فرش کردند و تنها یک بالش از لیف خرما در خانه قرار دادند.

این بود مهریه‌ی و جهیزیه‌ی بانویی که سیده‌ی نساء العالمین مادر یازده امام معصوم است.

پیامبر اسلام (صلی‌الله علیه و آله) نیز در روایتی معروف فرمودند:
أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي ... أَقْلَهُنَّ مَهْرًا وَبِهَتْرِينَ زَنَانِ امْتٍ مَنْ كَسَانِي هَسْتَنْدِ كِه مَهْرِيَه
شان کمتر باشد!^۱

نمونه‌ای از ازدواج ساده!

مرحوم ابن ابی‌جمهور در کتاب شریف عوالی اللئالی، روایتی جالب نقل فرموده که ترجمه‌ی آن را ذکر می‌کنیم:

۱ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَصْبَحُهُنَّ وَجْهًا وَأَقْلَهُنَّ مَهْرًا / کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامیة) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. ج ۵، ص ۳۲۴

سهل ساعدی می گوید: زنی نزد پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) آمد و عرض کرد: یا رسول الله من خودم را به شما بخشیدم. حضرت فرمود: مرا نیازی به زنان نیست. آن زن عرض کرد: پس مرا به ازدواج هر که می خواهید در بیاورید. مردی برخاست و عرض کرد: یا رسول الله، او را به ازدواج من در بیاورید. حضرت فرمودند: آیا از مال دنیا چیزی داری تا مهریه‌ی این زن قرار دهی؟ عرض کرد: به خدا قسم جز لباسی که بر تن دارم، چیزی ندارم! حضرت فرمود: این که نمی شود. اگر لباس را به عنوان مهریه بدهی، بدون لباس می مانی. آیا چیزی از قرآن بلدی؟ عرض کرد: آری، فلان سوره و فلان سوره را حفظ هستم. حضرت فرمود: این زن را به ازدواج تو در آوردم با این مهریه که: سوره‌هایی که یاد داری، به او بیاموزی.^۱

ملاک‌های یک همسر (زن) خوب

اگر بخواهیم یک ازدواج موفق، پربرکت و زندگی سرشار از آرامش در آینده داشته باشیم لازم است در انتخاب همسر آینده خود دقت کرده لذا وقتی به قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام مراجعه می‌کنیم صفات بهترین زنان را معرفی کرده و توجه به این صفات می‌تواند ما را در انتخاب همسر مطلوب یاری دهند که در این بخش به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱) صفات عقیدتی

متون دینی ما، اولین و مهم‌ترین ملاک در انتخاب همسر را دین‌داری معرفی کرده است. قرآن کریم در همین زمینه می‌فرماید:

۱ وَ رَوَى سَهْلُ السَّاعِدِيِّ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَحَبَتْهُ امْرَأَةٌ فَسَأَلَتْهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي قَدْ وَهَيْتُ نَفْسِي لَكَ فَقَالَ عَ لَا إِزْبَهُ لِي فِي النِّسَاءِ فَقَالَتْ رَوَّجْنِي بِمَنْ شِئْتَ مِنْ أَصْحَابِكَ فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ رَوَّجْنِيهَا فَقَالَ عَ هَلْ مَعَكَ شَيْءٌ تُضَدِّقُهَا فَقَالَ وَ اللَّهُ مَا مَعِيَ إِلَّا رِدَائِي هَذَا فَقَالَ عَ إِنْ أُعْطِينَهَا إِتْيَاهُ تَبَقَى وَ لَا رِدَاءَ لَكَ هَلْ مَعَكَ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ فَقَالَ نَعَمْ سُورَةُ كَذَا وَ كَذَا فَقَالَ عَ رَوَّجْنِيهَا عَلَيَّ مَا مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ / ابن أبي جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۵ ق. ج ۲؛ ص ۲۶۳

وَلَا تَتَّخِذُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمَنَ وَلَا أُمَّةً مُّؤْمِنَةً خَيْرٍ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَا أَعَجَبْتُمْكُمْ
وَلَا تَتَّخِذُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَا أَعْجَبَكُمْ أُولَٰئِكَ
يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَبَيِّنَ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ
يَتَذَكَّرُونَ^۱

با زنان مشرک تا زمانی که ایمان نیاورده‌اند ازدواج نکنید، اگرچه به خاطر مال یا جمال و مقام (موقعیت)، شمارا به شگفتی آورند و زنان خود را به ازدواج مردان مشرک و بت پرست تا ایمان نیاورده‌اند درنیاورید اگرچه (مال و زیبایی و موقعیت) آنان شمارا به شگفتی آورد (زیرا) آن‌ها شمارا به سوی آتش دعوت می‌کنند و خداوند شمارا دعوت به بهشت و آمرزش می‌نماید.

امام صادق (علیه السلام) نیز فرموده‌اند:

إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِجَمَالِهَا أَوْ مَالِهَا وَكُلَّ إِلَىٰ ذَٰلِكَ وَإِذَا تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ
الْجَمَالَ وَالْمَالَ^۲.

اگر مرد به خاطر جمال یا مال زنی با او ازدواج کند، به همان واگذار می‌شود اما اگر برای دین و ایمانش با او ازدواج کند، خدا به او مال و جمال نیز می‌دهد.

۲ صفات اخلاقی

دومین معیار و ملاک در انتخاب همسر اخلاق حسنه است و این مطلب را می‌توان از قرآن کریم و روایات معصومان (ع) به خوبی استفاده کرد. قرآن کریم می‌فرماید:

فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ^۳ ؛ با زنان پاک ازدواج کنید.

۱ بقره ۲۲۱

۲ کافی ج ۵ ص ۳۳۳

۳ النساء آیه ۳.

همچنین رسول خدا(ع) می‌فرماید:

إِذَا جَاءَكُمْ مِنْ تَرْضُونَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرُوجُهُ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فَسَادٌ كَبِيرٌ^۱؛ اگر کسی به عنوان خواستگاری به نزد شما آمد که خلق و دینش را می‌پسندید با او ازدواج کنید و اگر به این دستور عمل نکنید. فتنه و فساد بزرگی در زمین به وجود خواهد آمد.

و نیز در روایات دیگر می‌فرماید:

رُوجُهَا مِنْ رَجُلٍ تَقِيَّ فَإِنَّهُ إِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَإِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَظْلِمِهَا^۲؛

دخترت را به ازدواج انسان متقی و پرهیزکار درآور، زیرا اگر دخترت را دوست داشته باشد او را اکرام و احترام می‌کند و اگر نسبت به او بغض داشته باشد به او ظلم نمی‌کند.

و شخصی از امیر المومنین علی علیه‌السلام در مورد بهترین زنان سؤال می‌کنند و

حضرت پنج صفت برمی‌شمارند:

خَيْرُ نِسَائِكُمُ الْخَمْسُ قِيلَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَا الْخَمْسُ قَالَ الْهَيِّئَةُ اللَّيِّنَةُ الْمُؤَاتِيَةُ
الَّتِي إِذَا غَضِبَ رُوجُهَا لَمْ تَكْتَحِلْ بِغَمُضٍ حَتَّى يَرْضَى ... فَتِلْكَ عَامِلٌ مِنْ عَمَالِ اللَّهِ وَ
عَامِلِ اللَّهِ لَا يَخِيبُ^۳.

بهترین زنان، زنی است که پنج صفت داشته باشد: آسان‌گیر و نرم‌خو و مطیع شوهر باشد. وقتی شوهر بر او غضب می‌کند، نخواهد تا شوهر را از خودراضی کند ... چنین زنی کارگذار خداست و کارگذار خدا ناامید نمی‌شود.

۱ الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. ج ۵، ص ۳۴۷.

۲ طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق - قم، چاپ: چهارم، ۱۴۱۲ ق / ۱۳۷۰ ش. ص ۲۰۴.

۳ کافی، ج ۵ ص ۳۲۵

حسین بشار واسطی هم می گوید: به امام رضا(ع) نوشتم، یکی از خویشاوندان از دخترم خواستگاری کرده است اما بد اخلاق است امام(ع) فرمود:

فَقَالَ لَا تَزَوِّجُهُ إِنْ كَانَ سَيِّئَ الْخُلُقِ. اگر بداخلاق است دختر به او نده. ^۱

و در روایتی دیگر، ابراهیم کرخی نقل می کند به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: همسرم وفات کرده و با من تفاهم کامل داشت. قصد دارم ازدواج کنم. حضرت فرمود:

انْظُرْ أَيْنَ تَضَعُ نَفْسَكَ وَ مَنْ تُشْرِكُهُ فِي مَالِكَ وَ تَطْلَعُهُ عَلَى دِينِكَ وَ سِرِّكَ فَإِنْ كُنْتَ لَا بَدَّ فَاعِلًا فَبِكْرًا تُنْسَبُ إِلَى الْخَيْرِ وَ إِلَى حُسْنِ الْخُلُقِ ^۲

دقت کن که خودت را کجا قرار می دهی و چه کسی را شریک مالت می کنی و او را بر دین و اسرار خود آگاه می سازی. دوشیزه ای انتخاب کن که منسوب به خیر و خوش اخلاق باشد. ^۳

پیامبر گرامی اسلام در روایتی زیبا بالاترین منفعت مرد بعد از اسلام را همسر معرفی می کند که دارای چنین صفات و اخلاقی باشد که:

تَسْرُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا وَ تَطِيعُهُ إِذَا أَمَرَهَا وَ تَحْفَظُهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا فِي نَفْسِهَا وَ مَالِهَا. ^۴

وقتی به او نگاه کند، شاد گردد و مطیع امرش باشد و وقتی غایب می شود، دامن خود و اموال او را حفظ کند و در جایی دیگر جابر بن عبدالله از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) روایت می کند در وصف بهترین زنان فرمودند:

۱ الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۵۶۳.

۲ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِي قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ صَاحِبَتِي هَلَكَتْ وَ كَانَتْ لِي مُوَافِقَةً وَ قَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَتَزَوَّجَ فَقَالَ لِي / كَافِي ج ۵؛ ص ۳۲۳

۳ جامع أحاديث الشيعة (للبروجردی) - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۶ ش. ج ۲۵؛ ص ۱۳۰

۴ قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمٌ فَائِدَةً بَعْدَ الْإِسْلَامِ أَفْضَلَ مِنْ زَوْجَةٍ مُسْلِمَةٍ تَسْرُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا وَ تَطِيعُهُ إِذَا أَمَرَهَا وَ تَحْفَظُهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا فِي نَفْسِهَا وَ مَالِهَا. / وسائل الشيعة، ج ۲۰، ص: ۴۰

إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمْ ... الْمُتَبَرِّجَةُ مَعَ زَوْجِهَا الْحَصَانُ عَلَىٰ غَيْرِهِ الَّتِي تَسْمَعُ قَوْلَهُ
 برای همسرش آرایش کند و خود را از دیگران حفظ نماید. سخن همسرش را
 بشنود

وَ تَطِيعُ أَمْرَهُ وَإِذَا خَلَا بِهَا بِدَلَّتْ لَهُ مَا يُرِيدُ مِنْهَا.^۱
 و امر او را اطاعت کند و وقتی با او خلوت می‌کند، خواسته‌های او را برآورده نماید.
 زن و شوهر یک عمر در کنار هم‌اند و ارتباط کلامی و غیر کلامی فراوانی با هم
 دارند. بدین روی اخلاق حسنه و خوش رفتاری و نیک گفتاری در همه زندگی‌ها بسیار
 ضروری است و بدون آن زندگی بی‌روح و خسته‌کننده خواهد بود. زندگی با زن و
 مردی دارای کمالات و زیبایی، اما بداخلاق و بدرفتار و تندخو، رنج‌آور خواهد بود و
 انسان هرروز آرزوی مرگ می‌کند. زیرا دیدن حالات و رفتار و مشاهده گفتارهای تند
 و خشن او از تحمل هر انسان صبور و شکیبایی خارج است؛ از امام صادق نقل شده
 كَانَ مِنْ دُعَاءِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) أَعُوذُ بِكَ مِنْ امْرَأَةٍ تُشَيِّبُنِي قَبْلَ مَشِيئِي.^۲
 یکی از دعاهای رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) این بود: خدایا، پناه می‌برم به تو از
 زنی که مرا قبل از اینکه پیر شوم، پیر کند.
 بنابراین شرط اساس زندگی سالم، صمیمی، بانشاط و باصفا، داشتن همسری
 خوش‌اخلاق و عقیف و نیک‌گفتار است.

مرحوم شیخ صدوق نقل کرده که: مردی نزد رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) آمد
 و عرضه داشت: من همسری دارم که هرگاه وارد خانه می‌شوم، به استقبالم می‌آید و
 هرزمانی که از منزل خارج می‌گردم، مرا بدرقه می‌کند و هرگاه مرا غمگین و گرفته
 می‌بیند، می‌گوید: غم تو از چیست؟ اگر به خاطر آخرت نگرانی، خدا نگرانی و
 اندوهت را زیاد کند ولی اگر نگران دنیا و مادیات هستی، بدان که رزق و روزی ما را

۱ کافی، ج ۵ ص ۳۲۴

۲ وسائل الشیعه، ج ۲۰ ص ۳۴

خداوند به عهده گرفته است. حضرت فرمود:

إِنَّ لِلَّهِ عَمَلًا وَ هَذِهِ مِنْ عَمَالِهِ

خداوند کارگزاری [بر روی زمین] دارد و این زن یکی از آنهاست.

لَهَا نِصْفُ أَجْرِ الشَّهِيد^۱

برای او نصف پاداش یک شهید است

واقعاً همسر خوب، نعمتی است که باید با دعای رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً از خدا طلب نمود.

چقدر تفاوت است بین زنی که دائم از شوهرش، درخواست سرویس طلای فلان و فلان لباس را می‌کند و اگر شوهر بگوید: الآن در توانم نیست، می‌گوید: خب برو وام بگیر! و شوهر را به خاطر امور غیر ضروری به وام و ربا و قسط و بدبختی و غم و غصه و احياناً چک برگشتی و زندان می‌اندازد... و بین زنی که رازق بودن خدا را به شوهرش یادآوری می‌کند.

۳) عفت و پاکدامن

از جمله ملاک‌های بسیار مهم و ضروری در انتخاب همسر، عفت و پاکدامنی است. اگر به قرآن کریم و روایات معصومان مراجعه کنیم به‌خوبی می‌فهمیم که آنان به عفت و پاکدامنی تأکید فراوان می‌کردند. قرآن شریف در همین زمینه می‌فرماید:

الرَّائِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَ حَرَّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ^۲؛

۱ وَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَتْ تَلْقَيْتَنِي وَإِذَا خَرَجْتُ سَبَعْتَنِي وَإِذَا رَأَيْتَنِي مَهْمُومًا قَالَتْ مَا يَهْمُكَ إِنْ كُنْتَ تَهْتَمُّ لِرِزْقِكَ فَقَدْ تَكْفَلُ لَكَ بِهِ غَيْرُكَ وَإِنْ كُنْتَ تَهْتَمُّ بِأَمْرِ آخِرَتِكَ فَزَادَكَ اللَّهُ هَمًّا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ لِلَّهِ عَمَلًا وَ هَذِهِ مِنْ عَمَالِهِ لَهَا نِصْفُ أَجْرِ الشَّهِيدِ مِنْ لَيْسَ يَحْضُرُهُ الْفَقِيهَةُ. ج ۳ ص ۳۸۹.

۲ النور، آیه ۳.

مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی‌کند، و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک، به ازدواج خود در نمی‌آورد، و این کار بر مؤمنان حرام شده است.

بنا بر روایت خداوند متعال می‌فرماید:

إِذَا أَرَدْتُ أَنْ أَجْمَعَ لِلْمُسْلِمِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

وقتی اراده کنم که خیر دنیا و آخرت را برای یک مسلمان جمع کنم

جَعَلْتُ لَهُ قَلْبًا خَاشِعًا وَ لِسَانًا ذَاكِرًا وَ جَسَدًا عَلَى الْبَلَاءِ صَابِرًا

قلبی خاشع و زبانی ذاکر و تنی صابر بر بلا به او عطا می‌کند

وَ زَوْجَةً مُؤْمِنَةً تَسْرُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا

و همسری به او می‌دهم که از نگاه کردن به وی شادمان شود،

وَ تَحْفَظُهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا فِي نَفْسِهَا وَ مَالِهَا^۱

و آن زن در غیاب شوهر از نفس خودش و مال شوهرش نگهداری کند.

و امام صادق در مورد هم کف بودن می‌فرماید:

کفو بودن در این است که عقیف باشد و از امکانات اقتصادی نیز برخوردار باشد و درباره پاک‌ی درونی و منش زنان در سرنوشت و تربیت بهتر و برتر کودکان فرموده است:

طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ أُمُّهُ عَفِيفَةً^۲؛ خوشا به حال کسی که مادرش پاکدامن باشد.

۱ جامع‌أحادیث‌الشیعة (للبروجردی) - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۶ ش. ج ۲۵؛ ص ۱۶۲.

۲ ابن‌بابویه، محمد بن علی، علل‌الشرائع - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۵ ش / ۱۹۶۶ م. ج ۲؛ ص ۵۶۴

و آقا رسول الله صلى الله عليه و آله در مورد بهترین زنان می فرمایند:
الْعَفِيفَةُ الْعَلِمَةُ^۱

زنی است با دیگران عقیف و خود نگهدار و با شوهرش پر شهوت باشد و وقتی از مولی الموحدین علی علیه السلام در مورد بهترین زنان سؤال می کنند حضرت در جواب فرمودند:

إِذَا غَابَ عَنْهَا زَوْجُهَا حَفِظَتْهُ فِي غَيْبَتِهِ
 چنین زنی کارگذار خداست و کارگذار خدا ناامید نمی شود.

فَتِلْكَ عَامِلٌ مِنْ عَمَلِ اللَّهِ وَ عَامِلٌ اللَّهُ لَا يَخِيبُ^۲.
 وقتی شوهر غایب می شود، عفت خود را حفظ نماید.

بنابراین پیامبر اعظم اسلام فرمودند مرد مسلمان بعد از اسلام، منفعتی بالاتر نبرده است از همسر مسلمانی که... مطیع امرش باشد و وقتی غایب می شود، دامن خود و اموال او را حفظ کند.^۳

۴) عقل و هوش

عقل و زیرکی از مهم ترین معیار و ملاک یک همسر خوب محسوب می شود، اداره

۱ کافی، ج ۵ ص ۳۲۴ و قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ): إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الْوَلُودُ الْوُدُودُ الْعَفِيفَةُ (وسائل الشيعه ج ۲۰ ص ۲۹)

۲ قِيلَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَا الْخُمْسُ قَالَ الْهَيْئَةُ اللَّيْنَةُ الْمُؤَانِيَةُ الَّتِي إِذَا غَضِبَ زَوْجُهَا لَمْ تَكْتَجِرْ بِغَمَضِ حَتَّى يَرْضَى وَ إِذَا غَابَ عَنْهَا زَوْجُهَا حَفِظَتْهُ فِي غَيْبَتِهِ فِتْلِكَ عَامِلٌ مِنْ عَمَلِ اللَّهِ وَ عَامِلٌ اللَّهُ لَا يَخِيبُ / كافي، ج ۵ ص ۳۲۵
 عَنْ

۳ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آيَاتِهِ ع قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ص مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمٌ فَايْدَهُ بَعْدَ الْإِسْلَامِ أَفْضَلَ مِنْ زَوْجَةٍ مُسْلِمَةٍ تَسْرَهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا وَ طَبِعَهُ إِذَا أَمَرَهَا وَ تَحَفَظَهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا فِي نَفْسِهَا وَ مَالِهِ. / وسائل الشيعه، ج ۲۰، ص: ۴۰

۴ با اندکی تصرف

و تداوم و پیمودن راه راست و حل مشکلات زندگی کار آسانی نیست اگر دو همسر باهم تفاهم داشته باشند و موقعیت یکدیگر و شرایط و امکانات زندگی را خوب درک کنند، می‌توانند زندگی را بر پایه صحیحی استوار سازند و به انجام وظیفه مشغول باشند و به کانون خانواده صفا و محبت و گرمی دهند و با عقل و درایت مشکلات را حل و فصل کنند. همسر عاقل امکانات خانواده و شرایط و اوضاع زندگی را خوب درک می‌کند، توقعات بیجا و بلندپروازی ندارد تا همسرش را در فشار قرار دهد. اکثراً اختلافات خانوادگی و کشمکش‌های زندگی معلول جهالت و نادانی زن و شوهر، یا یکی از آن‌ها می‌باشد؛ زوجین هر چه عاقل‌تر باشند بهتر می‌توانند همسررداری کنند و وسیله آسایش و خوشی همدیگر را فراهم سازند و از اختلافات و مشکلات بکاهند. همسر عاقل، گذشت و بردباری دارد و با بهانه‌های کوچک و جزئی زندگی را متلاشی نمی‌سازد.

به‌علاوه، عقل و هوش زن و شوهر در فرزندان نیز تأثیر دارد، فرزندان خانواده خوش فهم و باهوش، غالباً زیرک می‌شوند، و برعکس حماقت و نادانی پدر و مادر نیز در فرزند تأثیر دارد، همسر باهوش و عاقل بهتر می‌تواند نسبت به تعلیم و تربیت فرزندان انجام وظیفه نماید. باری عقل و درایت یکی از معیارها و ملاک‌های مهم و بسیار با ارزش محسوب می‌شود که به هنگام گزینش همسر باید کاملاً مورد توجه قرار بگیرد.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

إِيَّاكُمْ وَ تَرْوِيحَ الْحَمَقَاءِ فَإِنَّ صَحْبَتَهَا بَلَاءٌ وَ وُلْدَهَا ضِيَاعٌ^۱.

با انسان احمق و ناپه‌فهم ازدواج نکنید زیرا معاشرت با او بلایی است عظیم و فرزندانش نیز ضایع خواهند شد.

۱ مستدرک الوسائل ج ۱۴ ؛ ص ۱۷۵

همچنین رسول خدا(ص) به حضرت علی(ع) فرمودند:

يَا عَلِيُّ لَا فَقْرَ أَشَدَّ مِنَ الْجَهْلِ

یا علی! هیچ فقری بدتر از نادانی و جهالت نیست

و لَا مَالَ أَعْوَدُ مِنَ الْعَقْلِ^۱؛ و هیچ مالی سودمندتر از عقل نیست.

و امام کاظم علیه‌السلام در وصف بهترین زنان می‌فرماید:

خَيْرَ الْجَوَارِي مَا كَانَ لَكَ فِيهَا هَوًى

بهترین زنان آنهایی هستند که تو به آن‌ها علاقمندی

وَ كَانَ لَهَا عَقْلٌ وَ أَدَبٌ^۲

و آن‌ها دارای عقل و ادب هستند.

و نیز امام صادق(ع) می‌فرماید:

الْعَقْلُ دَلِيلُ الْمُؤْمِنِ؛ عقل دلیل و راهنمای مؤمن است.^۳

از این روایات به‌خوبی استفاده می‌شود که عقل و هوش از بزرگترین معیارها و ملاک‌هایی است که در انتخاب همسر باید توجه دختر و پسر باشد.

۵) اصالت خانوادگی

پنجمین ملاک در انتخاب همسر اصالت و شرافت خانوادگی است که باید مورد توجه قرار بگیرد در همین زمینه قرآن کریم می‌فرماید:

۱ ابن بابویه، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۳ ق. ج ۴، ص: ۳۷۲

۲ وسائل الشیعه، ج ۲۰ ص ۲۷

۳ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی (ط - دار الحدیث) - قم، چاپ: اول، ق ۱۴۲۹. ج ۱؛ ص ۵۸.

وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي حَبَّتْ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا ١؛

سرزمین پاکیزه (و شیرین) گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید، اما سرزمین‌های بدطینت (و شوره زار) جز گیاه ناچیز و بی ارزش از آن نمی‌روید.

امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ أُمُّهُ عَفِيفَةً^٢.
خوشا به حال کسی که مادرش پاکدامن باشد.

و حضرت رسول صلی‌الله علیه و آله در موعظه‌ای فرمودند:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي كُفُّمُ وَ خَضْرَاءَ الدَّمَنِ

ای مردم از گیاهان سبزی که بر زباله دانها می‌روید، بپرهیزید.

پرسیدند: یا رسول‌الله، و مَا خَضْرَاءُ الدَّمَنِ منظورتان از گیاه سبزی که بر مزبله می‌روید چیست؟

فرمودند:

الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنْبِتِ السَّوِّ

زن زیبایی که در خانواده‌ی بد پرورش می‌یابد.^٣

همانا زن مانند گردنبند است. پس دقت کن چه گردنبندی را به گردن می‌اندازی. زن قیمت ندارد. نه زن صالح و نه زن ناصالح. زن صالح قیمت ندارد؛ چون از طلا بالاتر است و زن ناصالح قیمت ندارد؛ چون از خاک پست‌تر است.^٤

١ الاعراف آیه ٥٨.

٢ بحارج ٥ ص ٢٨٥

٣ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) خَطِيبًا فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي كُفُّمُ وَ خَضْرَاءُ الدَّمَنِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا خَضْرَاءُ الدَّمَنِ قَالَ الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنْبِتِ السَّوِّ / كافي ج ٥ ص ٣٣٢

٤ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): إِنَّمَا الْمَرْأَةُ قِلَادَةٌ فَانظُرْ مَا تَتَّقَلَدُ وَ لَيْسَ لِلْمَرْأَةِ خَطَرٌ لَّا لِصَالِحِيهِنَّ وَ لَّا

بنابراین باید در انتخاب همسر بسیار دقت کرد و از خانواده دارای کرامت و شرافت و اصالت همسر را برگزید. در غیر این صورت آثار منفی رشد و تربیت خانوادگی در آینده زندگی مشترک و نسل آینده تأثیر زیادی بر جای خواهد گذاشت.

پیامبر اسلام فرمودند:

انظُرْ فِي أَى نِصَابٍ تَضَعُ وَلَدَكَ، بِنِگَرِ كِه فِرْزَنْدِ خُودِ رَا دَر چِه مَكَانِی قَرَار مِی دِهی،
فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ؛ زیرا رگ و ریشه در فرزند اثر می گذارد.

و نیز فرمودند: تَرَوُّجُوا فِي الْحُجْرِ الصَّالِحِ
با خانواده‌ای خوب و شایسته وصلت کنید
فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ؛ زیرا خون اثر دارد.

۶ صفات ظاهری

دین اسلام علاوه بر ایمان و اخلاق، به ظاهر نیز اهمیت داده است که چند نمونه ذکر می کنیم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: هر گاه می خواهید با زنی ازدواج کنید،
فَلْيَسْأَلْ عَنْ شَعْرِهَا كَمَا يَسْأَلُ عَنْ وَجْهِهَا همانگونه که از زیبایی چهره اش می پرسید،
از زیبایی موی او نیز سؤال کنید.^۱

لَطَالِحَتِهَا فَأَمَّا صَالِحَتُهَا فَلَيْسَ خَطَرُهَا الذَّهَبُ وَالْفِضَّةُ هِيَ خَيْرٌ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَأَمَّا طَالِحَتُهَا فَلَيْسَ
خَطَرُهَا التَّرَابُ التَّرَابُ خَيْرٌ مِنْهَا / وسائل الشیعه، ج ۲۰ ص ۳۳.

۱ پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله) - تهران، چاپ:
چهارم، ۱۳۸۲ ش. ص ۲۶۶.

۲ بحار ج ۱۰۰ ص ۲۳۷

و درجایی دیگر فرمودند: تَزَوَّجُوا الزَّرْقَ فَإِنَّ فِيهِنَّ الْيُمْنَ وَ الْبَرَكَهٗ ۱.
با چشم آبی‌ها ازدواج کنید؛ زیرا در آن‌ها برکت است

و نقل شده است که امام صادق در وصف بهترین زنان فرموده‌اند: خَيْرُ نِسَائِكُمْ
الطَّيِّبَةُ الرَّيْحِ الطَّيِّبَةُ الطَّيِّبِ ۲
بهترین زنان، زنی است که خوشبو و ماهر در آشپزی باشد

ملاک‌های خواستگار خوب:

از دیدگاه اسلام^۳، زن نیز به‌مانند مرد حق دارد که خصوصیات روحی و اخلاقی
مرد را قبل از ازدواج مورد بررسی و تحقیق و تفحص قرار دهد. بدیهی است، همان‌طور
که در روایات اسلامی برای زنان شایسته ویژگی‌هایی بیان شده که هر زنی باید دارای
آن صفات باشد، برای مردان نیز باید اوصافی وجود داشته باشد تا شایستگی ازدواج
با زنان متدین را داشته باشند. به‌طور یقین مرد شایسته، از نظر مکارم اخلاقی باید در
سطحی بالاتر از زن قرار داشته و از نظر تقوا در درجه بسیار ممتازی واقع شده باشد.

برخی از روایات، چهره اخلاقی و روحی مورد شایسته را ترسیم نموده و ویژگی‌های
آن را توصیف و تبیین کرده‌اند. یعنی همان شرایط کلی که درباره انتخاب همسر
(چه مرد و چه زن) لازم است مراعات گردد، در مورد مردان باید با دقت بیشتری
مورد توجه قرار بگیرد، از قبیل دین‌داری، عفت، اصالت خانوادگی، شرافت و ...

۱ کافی ج ۵ ص ۳۳۵ .

۲ کافی ج ۵ ص ۳۲۵

۳ سایت مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات ، حوزه علمیه قم (با تصرف)
[http://www.andisheqom.com/public/application/index/
printData?c=618&t=q](http://www.andisheqom.com/public/application/index/printData?c=618&t=q)

اکنون آنچه بیشتر مورد توجه احادیث اسلامی است را به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱- فردی با تقوا باشد

از مهم‌ترین و ضروری‌ترین اموری که باید در انتخاب همسر مورد توجه باشد، تقوای مرد است چون همسر با تقوا زن و فرزندانش را به دینداری و تقوا و اخلاق نیک و عمل صالح و ترک گناه تشویق و ترغیب می‌کند در پیمودن صراط مستقیم، دیانت بهترین یار و مددکار خواهد بود.

از رسول خدا (ص) نقل شده که آن حضرت فرمودند: می‌خواهید شما را به بهترین مردها آگاه سازم؟ گفتند آری یا رسول‌الله! پیامبر (ص) فرمودند: همانا بهترین مردان شما مردی است که با تقوا، پاکیزه، مهذب و... بوده و هرگز عملی انجام ندهد که باعث شود همسرش به دیگری پناه آورد!

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) فرمود: شَارِبُ الْخَمْرِ لَا يُزَوِّجُ إِذَا خَطَبَ^۱.
شرابخوار اگر خواستگاری کرد به او دختر ندهید.

۲- اخلاق نیکو

اخلاق نیک، نه تنها از بهترین مزایای یک همسر شایسته است بلکه از مزایای واقعی هر انسانی به شمار می‌آید و باید در موقع انتخاب همسر به‌طور کامل مورد توجه قرار گیرد؛

حسین بشار واسطی می‌گوید: به امام رضا (علیه‌السلام) نوشتم: یکی از خویشاوندان از دخترم خواستگاری کرده است اما بداخلاق است. امام (علیه‌السلام) فرمود:

۱ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، مکتبه‌الصدق، ج ۲، ص ۵۷.

۲ کافی ج ۵ ص ۳۴۸.

لَا تَزُوجُهُ إِنْ كَانَ سَيِّئَ الْخُلُقِ! . اگر بد اخلاق است دختر به او نده.

علتش هم روشن است که اولاً یک عمر با انسان بد اخلاق معاشر بودن، همانند زندگی در زندان با اعمال شاقه است. و ثانیاً سوء خلق یکی از دو همسر بر دیگری و تربیت فرزندان کاملاً مؤثر است.

رسول خدا(ص) فرمودند: آیا دوست دارید شما را به شرورترین مردان راهنمایی کنم؟ همه گفتند: آری یا رسول الله! پیامبر فرمودند: شرورترین مردان کسی است که به همسرش تهمت بزند و دائماً به او بدگمان باشد، بخیل باشد و به دشنام دادن عادت کرده و در تنهایی غذا بخورد، همسرش را از اعمال جنسی محروم کند، زن و فرزند خود را تنبیه کند و آنان را بزند، رفتارش طوری باشد که همسرش به دیگران پناه ببرد و پدر و مادرش از او ناراضی باشند.^۲

هم چنین رسول خدا(ص) در حدیثی فرمودند:

خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي

بهترین شما کسی است که برای اهلسش بهترین باشد و من برای اهلم بهتر از همه شما هستم.^۳

۳- عقیف و دارای تمکن مالی باشد

از نظر اسلام همان طور که زن باید پاکدامن و عقیفه باشد، مرد هم باید دارای عفت و پاکدامنی باشد. این پاکدامنی اگرچه از یک سو وظیفه دینی و اسلامی هر فرد مسلمان است، اما از سوی دیگر، چون بخشی از آثار و منافعش مربوط به همسر است،

۱ کافی ج ۵ ص ۵۶۳

۲ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۳.

۳ ، من لا یحضره الفقیه - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۳ ق. ج ۳؛ ص ۵۵۵.

مرد باید آن را کاملاً مراعات کند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: شرط هم‌کفو بودن (همسر) این است که عقیف باشد و بتواند مخارج اهلش را بپردازد.^۱

۴ - امانتدار باشد

مرد باید امانتدار باشد چون فرد امانتدار همیشه از زن و فرزندان خود به خوبی مراقبت می‌کند و می‌کوشد که در پاسداری از این امانت‌های الهی کوتاهی نکند. علاوه بر این، یک انسان امانتدار در جامعه از خوش‌نامی و شهرت مطلوبی برخوردار می‌شود و همین یک افتخار برای خانواده او است.

امام باقر علیه‌السلام از رسول خدا(ص) چنین روایت می‌کند: اگر فردی به خواستگاری دختر شما آمد که از دین‌داری و امانتداری او رضایت دارید، دخترتان را به عقد او در آورید که اگر چنین نکنید فساد بزرگی در جامعه پدید خواهد آمد.^۲ خلاصه، شوهر خوب و ایده‌آل مردی است که خوش‌اخلاق، خوش‌زبان، مؤدب، مهربان، عاقل، باتدبیر، دین‌دار، زرتنگ، فعال، شریف، مهمان‌نواز و سازگار باشد برای تأمین رفاه و آسایش خانواده‌اش تلاش و کوشش کند در زندگی میانه‌رو باشد و اسراف نکند، به همسرش احترام بگذارد، لغزش‌های همسرش را مورد عفو قرار دهد، در کارهای منزل به همسرش کمک نماید به وظایف دینی خود عمل کند و زن و فرزندان را نیز به طریق دینداری ارشاد نماید.^۳

۱ حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، المکتبه الاسلامیه، ج ۷، ص ۵۱.

۲ کَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَ أَسْأَلُهُ عَنِ النِّكَاحِ فَكَتَبَ إِلَيَّ مِنْ خَطْبٍ إِلَيْكُمْ فَرَضِيْتُمْ دِيْنَهُ وَ أَمَانَتَهُ فَرَوْجُوهُ - إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَ فِسَادٌ كَبِيرٌ / کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامیة) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. ج ۵؛ ص ۳۴۷

۳ امینی، ابراهیم، انتخاب همسر، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۱۴۱.

نقش استخاره در امر ازدواج

استخاره همیشه، مخالفان و موافقانی داشته و هر کدام برای خود استدلالاتی دارند. مخالفان می‌گویند: در کار خیر، حاجت به استخاره نیست. یا: نباید استخاره جانشین فکر و مشورت و تحقیق گردد.

به نظر می‌رسد هر دو دلیل در جای خود صحیح است ولی منافاتی با استخاره ندارد. زیرا درست است که اصل ازدواج، کاری خیر و بلکه لازم است اما هیچ‌کس برای اصل ازدواج استخاره نمی‌گیرد. استخاره برای موارد ازدواج است و ما از کجا می‌توانیم ادعا کنیم این مورد برای ازدواج خیر است؟! چه بسا شرتر از آن نباشد!

درباره دلیل دوم هم می‌توان گفت: فکر و مشورت و تحقیق، ممکن است ابهامات زیادی را برطرف نماید. اما دل را آرام و خاطر را جمع نمی‌کند. زیرا ما از باطن و آینده‌ی اشخاص بی‌خبریم. باطنی که حتی بر دوستان نزدیک نیز مخفی مانده است. گاهی می‌شود که حتی خود شخص هم نمی‌داند در آینده با همسرش چگونه رفتار خواهد نمود! کم نیستند افرادی که با دوستان خود، خوش اخلاق و با محبت هستند ولی وقتی ازدواج می‌کنند، نمی‌توانند با همسرشان رابطه‌ی مناسبی با او برقرار کنند. گذشته از اینکه دوستان و آشنایان شخص مورد تحقیق، غالباً نمی‌خواهند عیوب او را افشا کنند و شاید هم با خود بگویند: حالا با ما اینجوریه، ازدواج کنه خوب می‌شه. خوب نیست خرابش کنیم! باینکه یکی از استثنائات غیبت، مقام تحقیق و مشورت است.

به هر حال، تمام این بحث‌ها وقتی است که استخاره‌ی رایج برای ازدواج گرفته شود که پاسخش منفی یا مثبت است. اما نوع دیگری از استخاره در روایات آمده که به معنای طلب خیر از خدا می‌باشد و فکر نکنم احدی با آن مخالف باشد. به روایت زیر دقت کنید:

امام باقر (علیه السلام) می فرماید:

پدرم امام سجاد (علیه السلام) هرگاه قصد می کرد به حج یا عمره برود یا خرید و فروشی را انجام دهد، وضو می گرفت و دو رکعت نماز استخاره می خواند که در آن بعد از حمد، سوره الرحمن و حشر را تلاوت می نمود. وقتی از نماز فارغ می شد، صدبار می گفت: اَسْتَخِيرُ اللَّهَ (از خدا طلب خیر می کنم) و سپس قل هو الله و احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را تلاوت می کرد و سپس عرضه می داشت: خدایا، من قصد کاری را دارم که تو نسبت به آن آگاهی. پس اگر می دانی که انجام آن به خیر دین و دنیا و آخرت من است، پس انجام شدن آن را مقدر فرما و اگر می دانی که انجام آن، به ضرر دین و دنیا و آخرت من است، مرا از آن منصرف فرما. خدایا، صلاح مرا به من الهام کن؛ چه از آن ناراضی باشم یا مورد پسندم باشد؛ به حق بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ. پس گفتن این اذکار، به دنبال انجام کار مورد نظر می رفت.^۱

با توجه به این روایت، وقتی انسان می خواهد به خواستگاری دختری برود، این دو رکعت نماز و دعای بعدازآن را می خواند و به خدا عرضه می دارد: خدایا، اگر ازدواج با این دختر به صلاح و خیر دین و دنیا و آخرتم است، پاسخ مثبت بدهند و گرنه او را برایم مقدر مفرما.

در این صورت، چه پاسخ خانواده‌ی دختر مثبت باشد و چه منفی، مایه‌ی خوشحالی است. زیرا اگر پاسخشان منفی هم باشد، می فهمد که خیر او در خیر گفتن آن‌ها بوده

۱ كَانِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع إِذَا هَمَّ بِحَجٍّ أَوْ عَمْرَةٍ أَوْ عَتَقَ أَوْ شَرَاءَ أَوْ بَيْعَ تَطَهَّرَ وَ صَلَّى رُكْعَتَيِ الْإِسْتِخَارَةِ وَ قَرَأَ فِيهِمَا سُورَةَ الرَّحْمَنِ وَ سُورَةَ الْحَشْرِ فَإِذَا فَرَغَ مِنَ الرُّكْعَتَيْنِ اسْتَخَارَ اللَّهَ مَرَّةً ثُمَّ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي هَمَمْتُ بِأَمْرٍ قَدْ عَلِمْتَهُ فَإِن كُنْتُ تَعْلَمُ أَنَّهُ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي فَاقْدِرْهُ لِي وَ إِن كُنْتُ تَعْلَمُ أَنَّهُ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي فَاصْرِفْهُ عَنِّي رَبِّ هَبْ لِي رُشْدِي وَ إِن كَرِهْتَ ذَلِكَ أَوْ أَحَبَبْتَ نَفْسِي بِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ ثُمَّ يَمْضِي وَ يَغْرَمُ.

است! و خدا را شکر می‌کند.

دختر هم می‌تواند به خدا بگوید: خدایا، اگر این پسر به درد من نمی‌خورد، کاری کن که مرا نپسندند.

عجیب است! عمل به تعالیم دین باعث می‌شود که انسان همواره راضی باشد. آیا برایتان عجیب نیست که ببینید شخصی از خواستگاری برگشته و خوشحال و راضی به نظر می‌رسد و وقتی از او می‌پرسند: بله را گفتند؟ می‌گوید: نه، پاسخشان منفی بود!

معمولاً جوان‌ها وقتی با یکی دو مورد جواب منفی مواجه می‌شوند، ناامید و مأیوس و افسرده می‌گردند و حتی ممکن است دست به خودکشی بزنند ولی این واژه‌ها هیچ راهی در قاموس یک انسان مؤمن و عامل به دستورات دینی ندارد.

ضمانت الهی در رزق و روزی پس ازدواج

معمولاً اگر جوان‌ها سؤال بشود چرا ازدواج نمی‌کنید؟ اولین جوابی که می‌شنوید، به دست‌خالی که نمی‌شود ازدواج کرد و از پدر و مادرهایی که پسر و دخترشان به سن ازدواج رسیده‌اند بپرسید چرا هیچ اقدامی نمی‌کنید؟! عموماً مشکلات مالی را بهانه می‌کنند.

در جواب باید گفت: چه ضمانتی بالاتر و اطمینان‌آورتر از ضمانت خود خداوند متعال؟ اگر فردی ثروتمند و باوفا و دارای اعتبار بالا، به ما بگوید: تو ازدواج کن و من به تاریخ عقدت، یک چک صد میلیونی می‌کشم و در اختیارت قرار می‌دهم، آیا ما دیگر برای ازدواج دغدغه‌ای داریم؟ هرگز. بلکه فوراً به فراهم کردن مقدمات ازدواج می‌پردازیم و به مادر می‌گوییم: همین امروز بروید برایم به خواستگاری فلانی و اگر کسی به ما بگوید: تو که یک ریال پول نداری، چطور جرأت می‌کنی حرف از ازدواج بزنی؟ در جوابش خواهیم گفت: گرچه پول ندارم، ولی فردی معتبر و ثروتمند و باوفا،

چکی به تاریخ عقد برایم کشیده و من با تکیه بر وعده‌ی او، خیالم از بابت مخارج عقد و مراسم عروسی و اسباب زندگی و خانه و حتی مخارج زایشگاه! راحت است. چون می‌دانم فردی ضمانتِ همه‌ی این‌ها را کرده که هم توانایی دارد و هم تعهد، و امکان ندارد خُلفِ وعده نماید.

مگر خدا چنین ضمانتی نداده است؟ و اگر داده، چرا ما به اندازه‌ی آن فرد ثروتمند، به او اطمینان نداریم؟!

مگر خدا غنی مطلق نیست و مگر نفرموده:

لِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ^۱

و مگر بارها نفرموده:

إِنَّ اللَّهَ لَا يُخَلِّفُ الْمِيعَادَ^۲

چک را هم در آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی مبارکه‌ی نور، به این صورت کشیده است:

وَأَنْتُمْ حَوَالَىٰ آيَاتِنَا مِنَ الْمَالِ وَالْبَنَاتِ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.

یعنی: ای پدر و مادر برای ازدواج جوانان مجرد اقدام کنید و داماد و عروس هم نگران نباشند. زیرا اگر فقیر باشند، خدا آن‌ها را از فضل خود، بی‌نیاز خواهد فرمود؛ چراکه او وسعت دهنده‌ی دانا است.

ای کاش ضمانت‌های قرآن به اندازه‌ی ضمانتِ یک کارمند معتبر یا یک کاسبِ دارای پروانه‌ی کسب، برایمان اعتبار داشت و مایه‌ی دلگرمی و قوتِ قلبمان بود!

با یکی از جوانان دانشجو در محضر یکی از علما بودیم. آن جوان صحبتِ سختی زندگی و ترس از ازدواج به خاطر نگرانی از هزینه‌های بعد از آن را پیش کشید. آن

۱ منافقون، ۷.

عالم با لحنی جدی فرمود: خدای ما هنوز زنده است! البته من ندیدمش ولی اعلامیه‌ی فوتش را هنوز روی دیوارها نجسباندند!

به راستی چرا از خدا غافلیم و خیال می‌کنیم همه‌چیز دست ماست؟ کاش به اندازه‌ای که بچه‌های کوچک به پدر و مادرشان امید و اعتماد دارند، بر خالق خود توکل داشتیم و پشتمان به او گرم بود و باور می‌کردیم که او حَیّ است و حیات ما بندِ به اوست. همان که رحیم است و بنده دوست.

روایت خیلی زیبا از آقا رسول الله صلی الله علیه و آله که فرمودند:
 مَنْ تَرَكَ التَّزْوِیجَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ سَاءَ ظَنُّهُ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
 هر کس ازدواج را به خاطر ترس از فقر ترک کند، نسبت به خدا سوءظن دارد؛
 إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ^۱
 زیرا خداوند عزیز و بزرگ می‌فرماید: اگر داماد و عروس فقیر باشند، خدا آن‌ها را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد.

ما مسلمان هستیم باید به قرآن این کلام الهی باور و ایمان داشته باشیم، یقین کنیم که إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ^۲ اوست که روزی دهنده است.

سنّ ازدواج

اگه بچه ای به مادرش بگوید: مامان، من گشمنه و مادر در جوابش بگوید: خجالت نمیکشی به من می-گی: گشمنه؟!؟ هنوز زوده غذا بخوری! هنوز بچه ای و عقلت کامل نشده! اول روی غذا خوردن شناخت کافی پیدا کن، بعدش بگو گشمنه!
 شما از برخورد این مادر تعجب نمی‌کنید و نمی‌گویید:

۱ وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۴۲

۲ الذاریات (۵۱): ۵۸

مادر عزیز، این چه حرفی است که می‌زنی؟ نیاز به غذا یک نیاز طبیعی است، (زوده) یعنی چی؟ هر وقت بدن احساس نیاز به غذا پیدا کرد، وقت غذا خوردن است. اگر تو این نیاز طبیعی که ابرازش هم خجالت ندارد، با غذای سالم خانه تأمین نکنی، او که بر گرسنگی صبر نمی‌کند بلکه از خانه می‌زند بیرون و می‌رود ساندویچی سر کوچه و دو تا ساندویچ سوسیس کالباس می‌خرد و می‌خورد! پول هم نداشته باشد، نسیه می‌خرد. نسیه هم به او ندهند، دزدی می‌کند. شکم که (صبر کن، هنوز زوده) سرش نمی‌شود و تو ای مادر در گناه غذای غیربهداشتی و پُر ضرر خوردن کودک و در جرم سرقتش، شریک هستی و اصلاً گناه اصلی بر دوش توست. چون تو باعث شدی، تو راه سالم و حلال را به رویش بستی و مجبورش کردی به مُضَرّ خوری و دزدی دست بزند.

از دواج هم همینطور است.

ای پدر مادرهای عزیز، نوجوان که به سنّ بلوغ رسید، دست خودش که نیست، هورمون‌های جنسی او ترشح می‌کند و دستگاه‌های جنسی او فعال می‌شوند و بدنش نیاز به ارضاء این غریزه دارد. غریزه ای که بین انسان و حیوان مشترک است.

آیا می‌توان به این نوجوان تازه‌بالغ گفت:

خجالت نمی‌کشی می‌گی زن می‌خوام؟! هنوز دهنتم بوی شیر می‌ده! هنوز این حرف‌ها واست زوده! تو اصلاً روی ازدواج شناخت داری؟ می‌دونی ازدواج یعنی چه؟ صبر کن درست تموم شه، سربازی بری، شغلی پیدا کنی، بعداً بگو زن می‌خوام.

آیا این حرف‌ها را غریزه‌ی جنسی او هم می‌فهمد؟!؟

آیا احساس نیاز نوجوان شما به ازدواج، با این حرف‌ها، برطرف می‌شود؟ هرگز.

او وقتی به نیازش از طریق حلال و شرعی پاسخ داده نشود، به دوست دختر یابی و روابط نامشروع و سایت‌ها و فیلم‌های مستهجن و خودارضایی و احياناً همجنس بازی روی می‌آورد و شما، آری شما در گناهان او شریک هستید. بلکه مُجرم اصلی

شما هستید و او روز قیامت نزد خدا از شما شکایت خواهد کرد و خواهد گفت: خدایا، پیامبرت فرمود: یکی از حقوق فرزند بر پدر این است که: **يُزَوِّجَهُ** اِذَا بَلَغَ^۱ یعنی وقتی بالغ شد، برایش زن بگیرد. خدایا، پدر من نه تنها این حق مرا رعایت نکرد بلکه وقتی **حَقِّم** را از او مطالبه کردم، مرا به پررویی و بی حیایی **مُتَّهَم** نمود.

اجازه بدهید یک خاطره از جوانیم نقل کنم:

خود بنده^۲ در چهارده سالگی به پدرم گفتم که بالغ شده ام و پدرم گفت: فرزندم یکسال صبر کن تا برایت زن بگیرم و من قبل از ۱۶ سالگی صاحب همسر بودم بدون این که حقوق یا حتی خانه‌ای داشته باشم. ابتدا در یکی از اتاق‌های خانه‌ی پدرم زندگی می‌کردیم و بعد از مدتی یک اتاق ۲۴ متری اجاره کردیم و کم کم که بچه‌دار شدیم، زندگی‌مان برکت پیدا کرد و خانه‌ی وسیعتری اجاره کردیم تا کم کم زمینی خریدیم و تدریجاً خانه‌ای ساختیم و الآن با پنج فرزند مشغول زندگی هستیم و ذره‌ای از این-که زود ازدواج کردم، پشیمان نیستم بلکه اگر به قیل برگردم دوست دارم در همان چهارده سالگی ازدواج کنم!

حتماً بهانه‌ی پدر مادرها این است که: بچمون شغل نداره، خونه نداره و ... البته خیلی تقصیرها هم به دوش دولتمردان است. خدا رحمت کنه شهید رجایی را که طرحی داده بود مبنی بر این که: دولت به هر کس ازدواج کند، یک واحد چهل متری بدهد تا پنج سال به طور رایگان در آن زندگی کنند و در این پنج سال تدریجاً و با کمک پدر و اقوام زمین و خانه‌ای تهیه کنند و خانه را بعد از پنج سال بسپارند به زوج جدید.

۱ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ حَقَّ الْوَالِدُ عَلَى الْوَالِدِ ثَلَاثَةَ يَحْسَنُ اسْمَهُ وَ يُعَلِّمُهُ الْكِتَابَةَ وَ يُزَوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ / فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین (ط - القديمة) - ایران ؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۷۵ ش. ج ۲ ؛ ص ۳۶۹.

۲ مؤلف کتاب: حجت السلام محمد مسلم وافی

ولی مُهلثش ندادند تا این طرح را اجرا کند (چرا که او فقط ۲۸ روز رییس جمهور بود!)

الآن هم دولت می تواند خانه های سازمانی نقلی بسازد و به طور رایگان در اختیار تازه ازدواج کرده ها بگذارد تا دیگر هر کس خواستگاری می رود، از او نپرسند: خانه داری؟

آری، همه ی این کارها ممکن است به شرطی که عزم ملی باشد، از دولت گرفته تا پدر و مادر و حتی خود دختر و پسر که توقعاتشان را کم کنند.

با یک تلویزیون ۱۰۰ هزار تومانی و بدون مبل هم می شود زندگی کرد. لازم نیست تلویزیون سینمایی و سرویس مبل چندمیلیونی خرید. عروسی را در خانه هم می شود برگزار کرد بدون ارکست موسیقی و هفت جور غذای رنگارنگ تالارها.

همه ی این ها شدنی است ولی وقتی ازدواج، گران و پرهزینه و گناه، ارزان و رایگان شد، معلوم است که سن ازدواج و آمار روابط نامشروع بالا می رود و این جوانان عریان نسبت به ازدواج بی انگیزه می شوند!

مهریه ، خرید عروسی و جهیزیه ازدواج:

از موانع ازدواج آسان را شاید بتوان سخت گیری دانست. معمولاً سخت گیری ها بیشتر در موارد مهریه، مسکن، شغل و مدرک صورت می گیرد.
رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره کمی مهریه می فرماید:

۱ (مؤلف کتاب: حجت السلام محمد مسلم وافی) یکبار فکر می کردم که چرا در دعای معروف «اللَّهُمَّ ادْخُلْ عَلَيَّ أَهْلَ الْقَبْرِ السُّرُورَ . . .» از همه ی مشکلات و گرفتاری ها نام برده شده جز ازدواج مجردان؟ از سیر شدن همه ی گرسنگان و بی نیاز شدن همه ی فقیران و شفای همه ی مریضان و آزادی تمام اسیران و حتی پوشیده شدن همه ی برهنگان سخن به میان آمده ولی از ازدواج بی همسران در آن خبری نیست. چرا در این دعای جامع از خدا نمی خواهیم که: «اللَّهُمَّ زَوِّجْ كُلَّ مُجْرَدٍ»؟! به نظر آمد که همان جمله ی «اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ عَرِيَانٍ» را می توانیم به معنای ازدواج همه ی مجردان هم بگیریم. چون در قرآن می فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» یعنی زن و شوهر به منزله ی لباس برای همدیگر هستند. با این حساب شاید بتوان گفت: انسان مجرّد و بی همسر، برهنه و عریان است و در معرض خطر گرما و سرمای گناه و معصیت، پس می توانیم هنگام خواندن این قسمت از دعا، هم برهنگان ظاهری را قصد کنیم هم برهنگان معنوی را مخصوصاً اگر استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد را ممکن بدانیم!

خیرهتَ اَیْسِرَهتَ صداقاً^۱. بهترین زنان آن است که مهرش آسان تر باشد. ؛ بهترین زنان، آنهاییند که مهریه شان کم باشد. و می فرماید:
 أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَصْبَحُنَّ وَجْهًا وَأَقْلُنَّ مَهْرًا؛
 بهترین زنان امت من، زیباروترین و کم مهرترین آن هاست. نکته جالب این حدیث، در کنار هم بیان کردن این دو صفت است:

گفت پیغمبر از سعادت زن ها
 روی زیبا و مهر کم باشد
 از میان زنان امت من
 او سزاوار بر حرم باشد

و باز روایت شده است:
 أَنَّ مِنْ بَرَكَاتِ الْمَرْأَةِ قِلَّةُ مَهْرِهَا وَ مِنْ سُؤْمِهَا كَثْرَةُ مَهْرِهَا؛ از برکت زن، کمی مهر اوست و از شومی و بد شگونی او، زیادی مهریه اوست^۲.
 میزان مهریه در اسلام پانصد درهم تعیین شده است که در حال حاضر حدود شش صد هزار تومان است. امام جواد علیه السلام دختر خلیفه غاصب وقت (مأمون) را با همین مهریه عقد کرد.

هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود:
 إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِمَالِهَا أَوْ جَمَالِهَا لَمْ يُرْزَقْ ذَلِكَ فَإِنَّ تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ جَمَالَهَا.^۴

۱ نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص: ۴۷۴

۲ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص / كَلْبِي، مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، الْكَافِي (ط - الْإِسْلَامِيَّة) - تَهْرَان، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. ج ۵؛ ص ۳۲۴

۳ من لا يحضره الفقيه - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۳ ق. ج ۳؛ ص ۳۸۷

۴ من لا يحضره الفقيه - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۳ ق. ج ۳؛ ص ۳۹۲

اگر مرد زن را برای زیبایی و یا ثروتش بگیرد، از این هر دو محروم ماند و اگر برای دین و تقوایش بگیرد، خداوند مال و جمال نیز نصیبش گرداند.

در این کلام از سنت همیشه جاری الهی پرده برداشته شده است. اساساً فردی که دارای صفات فاخر اخلاقی، مثل زهد و قناعت و دنیا‌گریزی پسندیده است، هرگز در امر ازدواج سخت نمی‌گیرد و برای او زیادی مهریه یا مال یا جهیزیه یا برخورداری از ثروت زیاد، محور سنجش و ملاک تشخیص نیست؛ بلکه اخلاق اسلامی ملاک‌های دیگری معرفی کرده است که سعادت را نیز در سایه آن ملاک تضمین کرده. اگر اخلاق اسلامی بر رفتار جامعه ما سایه افکند، این سدّ سخت‌گیری نیز خواهد شکست و ازدواج آسان، صورت خواهد گرفت.^۵

مقام معظم رهبری در بیانی اشاره به اشتباه برخی از پدر و مادر در امر برگزاری مراسم ازدواج فرمودند:

بدانید! ساده برگزار کردن ازدواج، چه در مهریه، چه در جهیزیه و چه در مجلس عروسی، ننگ نیست که بعضی خیال می‌کنند اگر ما عروسی را برای دخترمان ساده برگزار کنیم دختر ما سرشکسته خواهد شد. نه! سرشکسته نخواهد شد. این اشتباه شماست.^۶

بپذیریم که می‌شود در همین زمان هم ازدواج آسان داشته باشیم برای نمونه به چند خاطره بسنده می‌کنیم:

پنج سکه!

چندی قبل، به مجلس عقد برادرزاده‌ام دعوت بودیم. هنگامی که عاقد می‌خواست

۵ پایگاه اطلاع رسانی حوزه به نقل از گنجینه - مرداد ۱۳۸۴، شماره ۵۳ - ازدواج آسان در پرتو اخلاق اسلامی (باتصرف و تلخیص)

۶ بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۸/۹/۱۳۷۵

خطبه‌ی عقد را بخواند، گفت: مهریه ۵ سکه است. من پرسیدم: آیا خود دختر هم به این ۵ سکه راضی است؟ گفتند: دختر که اصرار داشته یک سکه باشد ولی به هر زحمتی بود به ۵ سکه راضی کردیم! قابل توجه کسانی که چند هزار سکه مهریه قرار می‌دهند!

چرا وقتی پیامبر ما فرموده‌اند:

أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَصْبَحُنَّ وَجْهًا وَأَقْلَهُنَّ مَهْرًا^۱

بهترین زنان امت من زنانی هستند که در عین زیبایی، کم مهریه ترین باشند ما بر سر مهریه بیشتر مسابقه گذاشته‌ایم؟ سری به دادگاه‌های خانواده بنزید تا ببینید مهریه‌های چند هزار سکه‌ای کسی را خوشبخت نمی‌کند.

داماد ۱۸ ساله بود و عروس کلاس اول دبیرستان.

قابل توجه دخترانی که بالای ۲۵ سال دارند و می‌گویند: هنوز آمادگی ازدواج نداریم!

وقتی داشتند وسائل سفره‌ی عقد را از ماشین به خانه می‌بردند، رفتم کمک کنم. آینه‌شمعدان‌ها را که به دست گرفتم، احساس کردم نو نیستند. از داماد پرسیدم: از کجا خریدید؟ گفت: نخریدیم، مال عروسی خواهرم بوده که ازش امانت گرفتیم.

راستی آیا اگر آینه شمعدان امانی سر سفره‌ی عقد باشد، آن زندگی شگون ندارد؟! آیا حتماً باید چند صد هزار تومن خرج خرید آینه شمعدان نمود تا زندگی شگون پیدا کند؟!

چرا این قدر تشکیل زندگی را سخت گرفته‌ایم؟ چرا این همه غل و زنجیر به پای خود بسته‌ایم که توانایی حرکت از ما سلب شده است؟ کاش صدا و سیما از این دست نمونه‌ها، مستند می‌ساخت و آن را پخش می‌کرد تا شاید عده‌ای به خود آیند. . . شاید!

۱ الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۵؛ ص ۳۲۴

خرید ۲۲ هزار تومانی!

چندی قبل در جلسه‌ای که تعدادی از طلبه‌ها حضور داشتند، صحبت از بالا رفتن قیمت طلا به میان آمد. یکی از طلبه‌ها که تازه ازدواج کرده بود، گفت: خرید طلای ما که ۲۲ تومن شد! پرسیدم: ۲۲ میلیون؟ گفت: نه بابا، ۲۲ هزار تومان! تعجب کردم، خیال کردم شوخی می‌کند. از او توضیح خواستیم. گفت: با خانمم رفتیم طلا بخریم، دیدیم خیلی گران است. خانمم گفت: خب، یک حلقه ازدواج بخریم کافیه. وقتی قیمت حلقه را پرسیدیم، دیدیم آن هم گران است. خانمم گفت: به جای حلقه، یک انگشتر عقیق زنانه بخریم. شد ۲۲ هزار تومن!

می‌دانستم که خانم قانعی دارد. مهریه‌اش هم یک سکه بهار آزادی بود. ولی فکر نمی‌کردم تا این اندازه ساده‌زیست باشه که از خرید سرویس طلا به یک انگشتر عقیق اکتفا کند.

جهیزیه در حد نیاز

یکی از مشکلات جامعه‌ی ما مسأله‌ی چشم و هم‌چشمی است. خرید جهیزیه هم از این آفت در امان نمانده است.

پیشنهاد این است که برای زوج جوان وسائلی خریده شود که برای شروع یک زندگی به آن نیاز دارند و خریدن وسائلی تجملی یا تشریفاتی یا غیرضروری به خودشان واگذار گردد. چند سالی که ازدواجشان گذشت و پول و رزقی رسید، به خرید آنچه آرزویشان بوده اقدام کنند!

مثلاً یک زوج جوانی که می‌توانند نیاز خود به عالم ارتباطات را با خرید یک تلویزیون کوچک در حد ۲۰۰ هزار تومان برطرف کنند. چه نیازی است که به قرض بیفتند و یک تلویزیون سینمایی چندمیلیونی بخرند؟

شخصی را می‌شناسم که وقتی برای خرید جهیزه برای دخترش به فروشگاه رفت، وقتی با درخواست خرید آب‌میوه‌گیری از طرف خانواده مواجه شد، گفت: مگر عروس داماد دندان ندارند؟ میوه که خاصیتش از آب‌میوه به مراتب بیشتر است. هر وقت پیر شدند و دندان‌هایشان ریخت، برای خودشان آب میوه‌گیری بخرند!

من قصد برشمردن تک‌تک اسباب‌خانه و قضاوت بر سر این‌که کدام ضروری است و کدام غیرضروری، را ندارم. خودتان می‌توانید وسائلی که هم اکنون در خانه دارید، لیست کنید و ببینید با چند درصد آن‌ها می‌توان یک زندگی ساده‌ی مشترک را آغاز نمود.

آیا نسل امروزی نمی‌تواند مانند اجدادش در رختخواب و روی زمین بخوابد و حتماً به تخت خواب نیاز دارد؟

آیا سرویس مبلمان جزء ضروریات یک زندگی است؟ عوض کردن آن هنگام تغییر مدل، چطور؟!

آیا زندگی ما جایی برای صرفه‌جویی ندارد؟ قبض تلفن همراهمان ماهی چند می‌شود؟ آیا همه‌ی صحبت‌ها و پیامک‌های ما ضروری است؟ هزینه‌ی ماهانه‌ی استفاده‌ی از گوشی همراه بعضی، از اجاره‌ای که اجاره‌نشینان باید ماهانه پرداخت کنند، بیشتر است!

آیا به همه‌ی ظروفی که در منزل داریم، نیازمندیم یا خیلی از آن‌ها فقط جنبه دکور دارند؟!

بقیه‌ی موارد را به عهده‌ی خودتان می‌گذارم.

خلاصه باید گفت: خیلی ساده‌تر از این حرف‌ها هم می‌توان زندگی کرد و خوشبخت هم بود.

در اتوبوس شرکت واحد کنار پیرمردی نشستم. سر صحبت باز شد. پیرمرد پخته و باتجربه‌ای به نظر می‌رسید.

در ضمن صحبت‌هایش گفت: اگر می‌خواهی در زندگی راحت باشی، در برخورد با امور دنیایی، همیشه این جمله را بگو: شد، شد، نشد، نشد، نشد! البته معلوم است که منظورش فقط گفتن با زبان نبود. منظورش این بود که امور دنیایی برات مهم نباشد و نگو! و بالله باید بشه. شد شد نشد نشد. چه جمله‌ی پر معنایی!

گویا خلاصه‌ی یک عمر تجربه‌اش در برخورد با دنیای مکار بی‌وفا بود یاد سخن یکی از دوستان افتادم که می‌گفت: من برای ازدواج نگرانی ندارم. چون دختری که قسمت می‌شه، یا خوب و قانع و سازگار روزیم می‌شه یا بد و لجباز و پرتوقع.

در صورت اول خدا را شکر می‌کنم و پیغمبر خدا هم فرموده:
 فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الشَّاكِرِينَ مِنْ عِبَادِهِ^۱
 و در صورت دوم هم صبر و تحمل می‌کنم و خدا هم فرموده: وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ^۲
 در هر دو صورت محبوب خدا هستم و مگر جز این آرزویی دارم!؟

و حرف آخر:

پدرم^۳ که خدا سایه‌اش را از سر ۲۰ فرزندش کم نکند، من و چهار برادرم را در ۱۶ سالگی داماد نمود و هر کجا به خواستگاری می‌رود، شرط می‌کند که مهریه نباید بیشتر از ۱۴ سکه باشد و البته همه-اش را در همان روز عقد، نقداً به عروس خانم می‌پردازد؛ چون معتقد است مهریه یک بدهی شرعی است و مرد نباید تا آخر عمر،

۱ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ عَتَرَفُوا بِنِعْمِ اللَّهِ رَبُّكُمْ وَ تَوَبُّوا إِلَى اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ ذُنُوبِكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الشَّاكِرِينَ مِنْ عِبَادِهِ / شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.؛ ج ۱۶؛ ص ۷۶
 آل عمران ۱۴۶

۳ سخن مؤلف کتاب: حجت السلام محمد مسلم وافی

مدیونِ همسرش باقی بماند. مراسم عقد و عروسی را هم در خانه‌ی خودش برگزار می‌کند نه تالار و رستوران. مهریه‌ی دخترانش هم ۵ سکه است، نه به تعداد رقم سال تولدِ آن‌ها!

شاعر چه اشعار زیبایی در مورد ازدواج سروده است:

خدا را شکر می‌کند از تهِ دل / که نصفِ دینِ تو گردیده کامل
 بخوان درس و بترس از حَتّی یکتا / مترس از حرف‌های مُفت و بیجا
 یکی گوید: دهانت می‌ده بو شیر / یکی گوید: شوی از زندگی از سیر
 یکی گوید: پسر، کوِ مِلک و باغت؟! / به خود رحمی بکن، کو نانِ داغت؟!
 یکی گوید: در این دورانِ سختی / نبینی روی و بوی نیک‌بختی
 یکی گوید: زن و بچه قراره / دمار از روزگارت در بیاره
 برادر جان، بگو با یار و دشمن: تو کُل بر خدایم می‌کنم من
 به سوی درگه او رو نمایم / رساند روزی خود را برایم
 تو ای بیهوده‌گو، ایمان بیاور / خدا هم می‌شود بهر تو یاور
 خدایا، دین ما را حفظ فرما / ز بیخ و ریشه برکن نسلِ اعدا
 مسلمانانِ مؤمن را فزون کن / منافق‌ها همه خوار و زبون کن^۱

اشتغال یا استخدام؟!

تا صحبت از ازدواج بیشتر می‌شود، می‌شنوی که: کو شغل؟ ولی تا به حال فکر کرده‌اید که چرا شاغل بودن در کشور ما مساوی شده با استخدام در یک اداره‌ی دولتی؟! مگر شغل آزاد، شغل نیست؟

یادم است یک‌بار با یکی از دانشجویان رفتیم، رفتیم خدمتِ حاجاقای ده‌سرخ‌ی که مرحوم شده‌اند و از علمای قم بودند. آن دانشجو، نگرانیِ خودش را از آینده‌ی شغلیش، بیان کرد و آن مرحوم به او فرمود: فکر گرفتن مدرک و اشتغال به کار

۱ احمدیاسر وافی.

دولتی را از سرت بیرون کن و به فکر یک شغل آزادباش که با توکل بر خدا، درآمدی حلال به کف آری و به غفلت نخوری. آن دانشجو گفت: آخه شغل آزاد، نیاز به سرمایه دارد. فرمود: پله پله. ۵۰ هزار تومان که داری؟ برو با آن یک گاری دستی بخر. از آن گاری‌هایی که میوه‌فروش‌ها دارند. فوقش صد هزار تومانی است. از هزینه‌ی یک ماه دانشگاه که کمتر است! صبح زود که نماز خواندی و صبحانه خوردی، با توکل بر خدا از خانه بیا بیرون و با گاری برو جایی که میوه‌ی کلی می‌فروشند؛ مثلاً میدان تره بار شهرتان و صد تا هندوانه بخر و بگذار توی گاری و برو در محله‌هایی که از میدان و بازار دورند و با درصدی سودِ منصفانه، هندوانه‌ها را به خلق‌الله بفروش.

این -جوری، هم خدمتی به چار تا پیرزن و خانم خانه‌دار کرده‌ای که مجبور نباشند توی این شلوغی، به بازار یا میدان میوه بروند و هم یک سودِ حلالی به دست آورده‌ای. خدا هم به کسبت برکت می‌دهد. پیامبرش هم فرموده: **الکاسبُ حبیبُ الله**^۱ و نفرموده: **الکارمندُ حبیبُ الله**! چون کارمند توکلی به خدا ندارد بلکه چشمش به آخر بُرج است و می‌داند آخرِ برج، حقوقش به حسابش واریز می‌شود ولی کاسب دست‌فروش و دوره‌گرد، صبح که از خانه‌اش بیرون می‌آید، می‌گوید: خدایا، امروز مشتری‌های خوبی برایم برسان و به کسبم برکت بده. خلاصه بعد از مدتی، از سود میوه‌فروشی، یک گاری دیگر می‌خری و کم‌کم وضعیت بهتر می‌شود و شاید بتوانی مغازه‌ای اجاره کنی و چند تا شاگرد هم بگیری تا کمک دستت باشند و به‌مرور تبدیل بشوی به یک عمده‌فروش موفق و شاید هم یک روزی به بزرگ‌ترین صادرکننده‌ی میوه در کشور تبدیل بشوی! و هزاران کارگر، زیردستت نان بخورند؛ البته به شرطی که روزهای اولِ خودت یادت نرود و با کارگرهایت مثل یک پدر مهربان و دلسوز، رفتار کنی. مگر بازرگانان مهم، از اول، تاجر بوده‌اند؟ خیلی از آن‌ها از دست‌فروشی شروع کرده‌اند.

۱ مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، سید عبد الاعلی سبزواری، موسسه اهل بیت (ع) چاپ: بیروت، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۱۷۰.

حاجاقا راست می‌گفت. یکی از فامیل‌های ما که نمایندگی ابزار بوش در ایران را داشت و شش ماه در سال را در آلمان به سر می‌برد، از کارگری معدن شروع کرده بود. مثل این فوتبالیست‌های معروف که اگر از شان بپرسی که از کجا شروع کردی؟ می‌گویند: از زمینِ خاکیِ توی محلمون! اگر هم از شغلِ آزاد داشتن، خجالت می‌کشید، باید بدانید تقریباً همه‌ی پیامبران ما، چوپانی می‌کردند خیلی از بزرگان دینی ما هم شغلِ آزاد داشته‌اند: از میثم تمارِ خرما فروش گرفته تا رجبعلی خیاط.

خطاب به زوج‌های جوان

زن گل و ریحان بُود نه قهرمان
حُبِّ همسر آیه‌ی ایمان بُود
زیورآلات و مُد و کفش و لباس
پس بیا و فکر کن در حال خود
بر گرفتاری و مشکل خنده کن
رو به سوی خالق یکتا نما
بر تمام کارها باشد قدیر
گر ز او خواهیم، یار ما شود
شیعیان را کن فزون اندر زمین
از خدا خواهیم که ایمان هم دهد
پشت مشکل‌های خود را خم کند^۱

ای عزیزم، قدر همسر را بدان
سختگیری کار نامردان بُود
خانه و ماشین و پول و اسکناس
باعث خوشبختیِ انسان نشد
زندگی را با محبت زنده کن
گر که خواهی نیک‌بختی و صفا
او علیم است و سميع است و بصیر
رازق است و روزی ما را دهد
باش اینک عیدِ ربِّ العالمین
هر کسی دندان دهد، نان هم دهد
هر که ایمان و عمل باهم کند

۱ محمد مسلم وافی

خلاصه درس:

ازدواج از منظر روایات

قال رسول الله صلى الله عليه و آله:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ جِبْرِيْلَ أَتَانِي عَنِ اللَّطِيفِ الْخَبِيرِ فَقَالَ إِنَّ الْأُبْكَارَ بِمَنْزِلَةِ الثَّمَرِ عَلَى الشَّجَرِ إِذَا أَدْرَكَ ثِمَارُهَا فَلَمْ تُجْتَنَّ أَفْسَدَتْهُ الشَّمْسُ وَ نَثَرَتْهُ الرِّيَّاحُ وَ كَذَلِكَ الْأُبْكَارُ إِذَا أَدْرَكْنَ مَا يُدْرِكُ النِّسَاءَ فَلَيْسَ لَهُنَّ دَوَاءٌ إِلَّا الْبُعُولَةُ وَ إِلَّا لَمْ يُؤْمَنْ عَلَيْهِنَّ الْفُسَادُ لِأَنَّهِنَّ بَشَرٌ.

ای مردم، جبرئیل از جانب خدا به نزد من آمد و گفت: دوشیزگان مانند میوه‌های روی درخت‌اند. اگر وقتی می‌رسند، چیده نشوند، آفتاب آن‌ها را فاسد می‌کند و باد آن‌ها را پراکنده می‌سازد.

* اولین ازدواج، بین پدربزرگ ما حضرت آدم (علیه اسلام) و مادربزرگ ما حواء صورت گرفت.

* مبارک‌ترین ازدواج، ازدواج حضرت حیدر (علیه‌السلام) با بانوی کوثر (سلام‌الله علیها) است و مهریه‌ی این ازدواج هم یک زره بوده است!

مهریه‌ی و جهیزیه‌ی حضرت زهرا سلام‌الله علیها

پیراهنی به بهای هفت درهم. روبندی به‌عنوان چادر به ارزش چهار درهم. قطیفه‌ی سیاه خیبری. تخت‌خوابی بافته‌شده از برگ و لیف خرما. دو تشک که درون یکی از آن‌ها با پشم گوسفند و درون دیگری با لیف خرما پرشده بود. چهار بالش که درون آن‌ها از گیاه خوشبوی اذخر پرشده بود. پرده‌ای نازک از پشم. یک تخته حصیر هجری که گاهی این حصیر از علف بافته می‌شد. یک آسیاب دستی. یک تشت مسی. مشک‌ی از پوست. کاسه‌ای چوبین. مشک کهنه آب. یک آفتابه. دو کوزه سفالی. یک سفره چرمی. یک چادر بافت کوفه. یک مشک آب. مقداری عطر.

ملاک‌های یک همسر(زن) خوب

۱. صفات عقیدتی

وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَ لَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَ لَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَ لَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى التَّارِ وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَ الْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَ يُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

۲. صفات اخلاقی

خَيْرٌ نِّسَائِكُمُ الْخَمْسُ قِيلَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَا الْخَمْسُ قَالَ الْهَيِّنَةُ اللَّيِّنَةُ الْمُؤَاتِيَةُ الَّتِي إِذَا غَضِبَ زَوْجُهَا لَمْ تَكْتَحِلْ بِغَمْضٍ حَتَّىٰ يَرْضَى ... فِتْلِكَ عَامِلٌ مِّنْ عَمَالِ اللَّهِ وَ عَامِلِ اللَّهِ لَا يَخِيبُ.

۳. عفت و پاکدامن

قرآن شریف در همین زمینه می‌فرماید:

الرَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَ الرَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَ حَرَّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

۴. عقل و هوش

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ أُمُّهُ عَفِيفَةً.

خوشا به حال کسی که مادرش پاکدامن باشد.

۵. اصالت خانوادگی

وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي حَبَّتْ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكْدًا ؛

۶. صفات ظاهری

امام صادق در وصف بهترین زنان فرموده‌اند: خَيْرُ نِسَائِكُمُ الطَّيِّبَةُ الرِّيحُ الطَّيِّبَةُ الطَّيِّبِخُ

ملاک خواستگار خوب :

۱- فردی باتقوا باشد

از رسول خدا(ص) نقل شده که آن حضرت فرمودند: می‌خواهید شما را به بهترین مردها آگاه سازم؟ گفتند آری یا رسول‌الله! پیامبر(ص) فرمودند: همانا بهترین مردان شما مردی است که باتقوا، پاکیزه، مهذب و... بوده و هرگز عملی انجام ندهد که باعث شود همسرش به دیگری پناه آورد.

۲- اخلاق نیکو

امام (علیه‌السلام) فرمود:

لَا تُزَوِّجُهُ إِنْ كَانَ سَيِّئَ الْخُلُقِ. اگر بداخلاق است دختر به او نده.

۳- عقیف و دارای تمکن مالی باشد

امام صادق(ع) می‌فرماید: شرط هم‌کفو بودن (همسر) این است که عقیف باشد و بتواند مخارج اهلش را بپردازد.

۴- امانتدار باشد

امام باقر علیه‌السلام از رسول خدا(ص) چنین روایت می‌کند: اگر فردی به خواستگاری دختر شما آمد که از دینداری و امانتداری او رضایت دارید، دخترتان را به عقد او درآورید که اگر چنین نکنید فساد بزرگی در جامعه پدید خواهد آمد.

ضمانت الهی در رزق و روزی پس ازدواج

در آیهی ۳۲ سورهی مبارکهی نور، به این صورت کشیده است:

وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِيمَانِكُمْ إِن يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ
مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.

یعنی: ای پدر و مادر برای ازدواج جوانان مجرد اقدام کنید و داماد و عروس هم نگران نباشند. زیرا اگر فقیر باشند، خدا آن‌ها را از فضل خود، بی‌نیاز خواهد فرمود؛ چراکه او وسعت دهنده‌ی دانا است.

سن ازدواج

یکی از حقوق فرزند بر پدر این است که:

يُزَوِّجَهُ إِذَا بَلَغَ يَعْنِي وَاقْتَىٰ بَالِغٌ شَدَّ، برایش زن بگیرد.

مهریه، خرید عروسی و جهیزیه ازدواج:

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌درباره کمی مهریه می‌فرماید: خَيْرَهُنَّ أَيْسَرَهُنَّ
صَدَاقًا. بهترین زنان آنست که مهرش آسانتر باشد. ؛ بهترین زنان، آن‌هايند که
مهریه‌شان کم باشد. و می‌فرماید: أَفْضَلُ نِسَاءٍ أُمَّتِي أَصْبَحُهُنَّ وَجِهًا وَأَقْلَهُنَّ مَهْرًا؛

سوالات و پرسش‌های درس:

- ۱) سه روایت در اهمیت و لزوم امر ازدواج ذکر کنید.
- ۲) طبق آیات و روایات ملاک‌های یک همسر(زن) خوب را نام‌برده و مختصر توضیح دهید
- ۳) طبق روایات ملاک‌های خواستگار خوب را بیان کرده و مختصر توضیح دهید
- ۴) آیه‌ای که اشاره به ضمانت الهی در رزق و روزی پس ازدواج دارد، بیان کرده و مختصر در مورد آن توضیح دهید

معرفی منابع بیشتر:

* کتاب انتخاب همسر پدیدآورنده: ابراهیم امینی ، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.

* کتاب رهنمودهایی برای ازدواج جوانان پدیدآورنده: معاونت تربیتی و فرهنگی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)



درس سوم

فرزند آوری (کثرت نسل)

فرزند آوری (کثرت نسل) در منظر قرآن و روایات

نکته مشترک در آموزش‌های کلیه ادیان سفارش به ازدیاد پیروان و آوردن اولاد است. البته در دوران نزول ادیان با عنایت به تأثیر نیروی انسانی در درآمدزایی و دفاع از حریم خاندان و سرزمین، این سفارش کاملاً منطقی و معقول است. بی تردید، آئین اسلام بلکه تمامی ادیان آسمانی، پیروان خود را به افزایش جمعیت بالیمان و شایسته، به اندازه‌ای که در توان آنان باشد، فرامی‌خواند. در قرآن آیات متعددی در مورد فرزند وجود دارد که از مجموع آن‌ها چنین برداشت می‌شود که فرزندان، نعمت‌های الهی نزد والدین هستند و چون سایر نعمت‌های الهی، هم می‌توان با استفاده صحیح از آن‌ها در مسیر تکامل و هدایت خود و آن‌ها از ایشان بهره جست و هم می‌توان با عدم استفاده صحیح از آن‌ها خود و آن‌ها را به خاک مذلت نشانند.

در قرآن کریم اصل وجود فرزند به‌عنوان نعمت الهی یاد شده چنان‌که در آیه ۷۲ سوره نحل در این رابطه فرموده است:

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ؛ خدا برای شما از خودتان همسرانی قرارداد و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی نهاد و از چیزهای پاکیزه به شما روزی بخشید آیا [بازهم] به باطل ایمان می‌آورند و به نعمت خدا کفر می‌ورزند.

در آیه ۱۴ سوره آل عمران از فرزندان به‌عنوان متاع یاد شده و آمده است:

زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ؛ دوستی خواستنی‌های گوناگون [از زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب‌های نشان‌دار و دام‌ها و کشتزارها] برای مردم آراسته شده [لیکن] این جمله مایه تمتع زندگی دنیاست و [حال آن‌که] فرجام نیکو نزد خداست.

در آیه ۴۶ سوره کهف از فرزندان به‌عنوان زینت زندگی یاد شده و آمده است:

الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا؛ مال و پسران زیور زندگی دنیابند و نیکی‌های ماندگار از نظر پاداش نزد پروردگارت بهتر و از نظر امید [نیز] بهتر است.

و در آیه ۲۸ سوره انفال از فرزند به‌عنوان امتحان و آزمایش یاد شده: وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا آمَوَالِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ فَتَنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ؛ و بدانید که اموال و فرزندان شما [وسیله] آزمایش [شما] هستند و خداست که نزد او پاداشی بزرگ است.

در آیه ۷۱ سوره هود نیز از فرزند به‌عنوان بشارتی برای پدر و مادر این چنین ذکر می‌کند:

وَأَمْرَأْتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكْتُ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ؛

و زن او ایستاده بود خندید پس وی را به اسحاق و از پی اسحاق به یعقوب مژده دادیم

و نیز در آیات ۵۱ تا ۵۳ سوره حجر در این رابطه آمده است:

وَبَشَّرْنَاهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ (۵۱) إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ (۵۲) قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ؛

و از مهمانان ابراهیم به آنان خبرده، هنگامی که بر او وارد شدند و سلام گفتند [ابراهیم] گفت ما از شما بیمناکیم، گفتند مترس که ما تو را به پسر دانا مژده می‌دهیم .

خداوند متعال در آیه ۷۴ سوره فرقان نیز فرموده است:

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا؛ و کسانی‌اند که می‌گویند پروردگارا به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان [ما] باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان .

نکته مهم و اساسی که در قرآن کریم وجود دارد، توجه به زاد و ولد انسان‌های شایسته و مؤمن است؛ به‌عبارت‌دیگر آنچه اهمیت دارد، افزایش تعداد جمعیت نیکوکاران و صالحان است.

در سوره اعراف، به خلقت اولین انسان و اولین بارداری اشاره‌شده است. بر اساس آیات ۱۵ این سوره، حضرت آدم و حوا(ع) از خداوند متعال خواهان فرزند صالح و نیکوکار هستند؛

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنُكَونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ (او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرارداد، تا در کنار او بیاساید. سپس، هنگامی که با او آمیزش کرد، حملی سبک برداشت، که باوجود آن، به کارهای خود ادامه می‌داد و چون سنگین شد، هر دو از خداوند و پروردگار خود خواستند، اگر فرزند صالحی به ما دهی، از شاکران خواهیم بود.^۱

و در روایات معصومین علیهم السلام نیز فروان به این امر مهم اشاره شده که در این قسمت به چند روایت اشاره می‌کنیم:

محبوب تر از منظومه شمسی

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): وَ لَمَوْلُودٌ فِي أُمَّتِي أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ^۲

همانا یک نوزاد متولد شده در امتم از آنچه خورشید بر آن می‌تابد، نزد من محبوب‌تر است.

مایه افتخار پیامبر

امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

أَكْثَرُ وَالْوَلَدُ أَكْثَرُ بِكُمْ الْأُمَّمَ غَدًا.^۳

تکثیر نسل کنید من فردا (ی قیامت) با کثرت شما به امت‌ها افتخار می‌کنم.

۱ سایت خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)

۲ مستدرک ج ۱۴، ص ۱۵۳.

۳ الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. ج ۶؛ ص ۲

برکت زندگی

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله):

بيت لا صبيان فيه لا بركة فيه.

خانه که بچه در آن نیست برکت در آن نیست^۱.

روشنی چشم و ریحانه قلب

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: اطلبوا الولد و التمسوه فإنه قرّة العين و ریحانه القلب و إياكم و العجز و العقر^۲.

رسول گرامی اسلام صلى الله عليه وآله فرمود: در طلب فرزند باشید و آن را از خدا بخواید که فرزند، روشنی چشم است و ریحانه قلب؛ و بترسید از ناتوانی و نازایی.

گوینده‌ی لایله إلا الله

رسول گرامی اسلام (صلى الله عليه و آله) می‌فرماید:

مَا يَمْنَعُ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ نَسَمَةً تَنْثُلُ الْأَرْضَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ^۳

چه چیزی مانع همسر اختیار کردن انسان مؤمن است؟! شاید خداوند به او فرزندی عطا کند که گوینده‌ی لایله إلا الله بر روی زمین باشد.

مایه‌ی افتخار

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) : تَنَاجَحُوا تَكْتُمُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ حَتَّى بِالسَّقَطِ^۴

۱ نهج الفصاحة ص ۳۷۴

۲ مکارم الأخلاق - قم، چاپ: چهارم، ۱۴۱۲ ق / ۱۳۷۰ ش. ص ۲۲۴

۳ وسائل الشيعة ج ۲۰ ص ۱۴.

۴ بحار ج ۱۰۰ ص ۲۲۰

رسول خدا فرمود: ازدواج کنید تا زیاد شوید؛ زیرا من در روز قیامت به واسطه‌ی شما بر سایر امت‌ها مباحثات می‌کنم حتی بچه‌های سقط شده نیز باعث افتخار من هستند

اجر مادران

رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) می‌فرمایند:

هنگامی زنی باردار می‌شود، به منزله‌ی روزه دارِ شب‌زنده‌دار و مجاهد در راه خدا باجان و مال است و وقتی وضع حمل نمود، آن قدر اجر دارد که قابل توصیف نیست! و اگر در این مدت از دنیا برود، به منزله‌ی شهید است! و زمانی که به نوزادش شیر می‌دهد، با هر مکیدنی، به او اجر آزاد کردن یک اسیر از نسل حضرت اسماعیل را می‌دهند و تمام گناهانش آمرزیده می‌گردد.^۱

علل عدم تمایل به فرزند آوری و مشکلات سر راه خانواده‌ها

الف) ترس از فقر و مشکلات مالی

یکی از عوامل مهم عدم تمایل به فرزند آوری در خانواده‌های امروز مشکلات مالی می‌باشد و این هم ناشی از ضعف ایمان پدر و مادرهاست حال آنکه خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشِيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا^۲

فرزندان خود را از ترس فقر، نابود نکنید. این ما هستیم که به آنها و شما روزی می‌دهیم.

۱ إِذَا حَمَلَتِ الْمَرْأَةُ كَانَتْ بِمَنْزِلَةِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْمُجَاهِدِ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا وَضَعَتْ كَانَ لَهَا مِنَ الْأَجْرِ مَا لَا تَدْرِي مَا هُوَ لِعَظْمِهِ إِنْ مَاتَتْ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ كَانَ لَهَا مِثْلُ مَنْزِلَةِ الشَّهِيدِ إِذَا أَرْضَعَتْ كَانَ لَهَا بِكُلِّ مِصَّةٍ كَعْدَلِ عُنُقِ مَحْرَزٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ إِذَا فَرَعَتْ مِنْ رِضَاعِهِ ضَرْبُ مَلَكٍ عَلَى جَنْبِهَا وَقَالَ اسْتَأْنَفِي الْعَمَلُ فَقَدْ غُفِرَ لَكَ / ابن بابویه، محمد بن علی، الأُمالی (للصدوق) - تهران، چاپ: ششم، ۱۳۷۶ش. ص ۴۱۱

۲ اِسراء، ۳۱

اگر در زمان جاهلیت ترس از نداری و فقر بچه‌های خود را می‌کشتند در جاهلیت نوامروز به خاطر مشکلات مالی تمایل به فرزند آوری نیست. قرآن کریم این کار امر شیطانی بوده الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ^۱ شیطان شما را از فقر می‌ترساند و به‌سوی فحشاء دعوت می‌کند.

این نگاه متأسفانه در زمان گذشته هم مطرح بوده، بکر بن صالح می‌گوید: به حضور امام کاظم علیه‌السلام نامه‌ای نوشتم که: من مدت پنج سال است که از بچه‌دار شدن جلوگیری می‌کنم و این به خاطر آن است که هم‌سرم فرزند نمی‌خواهد و می‌گوید: تربیت و اداره‌ی فرزندان برایم دشوار است؛ زیرا فقیر هستیم و از امکانات زیادی برخوردار نیستیم. نظر حضرت‌عالی چیست؟ امام در پاسخ مرقوم فرمودند:

اطْلُبِ الْوَلَدَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَرْزُقُهُمْ^۲

فرزند طلب کن؛ همانا خدا روزی آن‌ها را می‌دهد

باید باور داشته باشیم که روزی دهنده فقط خداست مگر خداوند نفرموده است:

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا^۳

هیچ جنبنده‌ای بر روی زمین نیست مگر این‌که روزی او بر عهده‌ی خداوند است مرحوم مجتهدی تهرانی از یکی از علمای تهران نقل می‌کرد که: یکی از تجار تهران که کشاورزی هم داشت، روزی نزدم آمد و گفت: تصمیم گرفته‌ام در مغازه را ببندم و کشاورزی را رها کنم و بازنشست بشوم. گفتم: چرا؟ گفت: چون که فهمیدم خدا رزاق است و احدی را بدون روزی نمی‌گذارد. او را نصیحت کردم که این کار را نکن؛ چون تو سبب خیر هستی و عده‌ی زیادی به سبب زمین‌های کشاورزی و تجارت تو

۱ بقره، ۲۶۸

۲ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنِّي اجْتَنَبْتُ طَلَبَ الْوَلَدِ مِنْذُ خَمْسِ سِنِينَ وَ ذَلِكَ أَنَّ أَهْلِي كَرِهَتْ ذَلِكَ وَ قَالَتْ إِنَّهُ يَسْتَدُّ عَلَيَّ تَرْبِيَّتَهُمْ لِقَلَّةِ الشَّيْءِ فَمَا تَرَى فَكَتَبْتُ عِ الْإِئْتِ / وسائل الشيعه ج ۲۱ ص ۳۶۰.

۳ هود، ۶.

امرارمعاش می‌کنند. حالا بگو ببینم چی شده که بعد از عمری، به رزاقیت الهی پی برده‌ای؟

گفت: روزی رعیت‌ها خبر دادند که جناب ارباب! محصولات را درو و گندم‌ها را از گاه جدا کرده‌ایم و منتظریم شما تشریف بیاورید و سهم ما را تقسیم کنید. من هم رفتم و پشته‌های عظیمی از گندم‌ها را در جای جای زمین‌ها مشاهده کردم. جایی نشستیم و بساط چایی برپا شد تا به حساب و کتاب کارگرها رسیدگی کنم. کنار ما پشته‌ای از گندم بود.

ناگهان دیدم یکی از این زنبورهای بزرگ قرمز آمد و یک‌دانه گندم برداشت و رفت. تعجب کردم. آخه زنبور را به گندم چه کار؟! مدتی گذشت. دوباره همان زنبور آمد و دانه‌ای دیگر برداشت و رفت و این کار چندین بار تکرار شد. کنجکاو شدم و دنبال زنبور را گرفتم. داخل خرابه‌ای شد. در دیوار خرابه، شکافی بود که زنبور وارد آن شد. نزدیک رفتم و وقتی خوب دقت کردم، دیدم داخل شکاف، گنجشک کوری است که وقتی صدای زنبور را می‌شنود، دهانش را باز می‌کند و زنبور، دانه گندم را در دهان او می‌گذارد!

از درِ بخشندگی و بنده نوازی

مرغ هوا را نصیبِ ماهی دریا

خدا دارد روزی همه‌ی موجودات را می‌دهد. از حیوانات گرفته تا جن و ملائکه و حتی گیاهان. آن-وقت از روزی دادن به ما عاجز است؟!

این چه سوء ظنّی است به خدا که گریبان ما را گرفته و رها نمی‌کند؟! او حتی کرمی را که در وسط سنگی در میان دریا بود، فراموش نکرده بود. خود ما در ۹ ماهی

که در شکم مادر بودیم، روزی خوار چه کسی بودیم؟ اگر بند ناف مادر قطع می‌شد، کدام پزشکی می‌توانست وصلش کند تا خون مادر به بدن ما برسد؟ چه کسی همین که به دنیا آمدیم، شیر را در سینه مادر جاری کرد؟ شیری که روزبه‌روز مواد ترکیبی آن، متناسب با نیاز نوزاد، عوض می‌شود.

اصلاً می‌دانستید شیر مادری که سه ماه است بچه به دنیا آمده، برای یک بچه‌ی ده ماهه مناسب نیست؟! پیرمردی در محله‌مان داشتیم که اشعار زیادی حفظ بود. خدا رحمتش کند، یک بار این شعر را برایم خواند:

غَمِ رُوزِي مَخُور، بِر هَم مَزِن اُوراقِ دَفْتَر رَا

که پیش از طفل، ایزد پُر کند پستان مادر را

کجاست آن اعتقاد قدیمی‌ها و کجایند آن قدیمی‌های با اعتقاد؟!

اصلاً شاید بتوان گفت: شرط این که خدا هوای ما را داشته باشد، معتقد بودن ما به همه‌کاره بودن اوست. زیرا خودش فرموده:

وَ مَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ، فَهُوَ حَسْبُهُ^۱ یعنی: هر کس بر خدا توکل کند، خدا او را

کفایت می‌کند. مفهومی این است که: بدون توکل بر خدا، نباید انتظار یاری او را داشت.

راهکارهایی برای حل مشکلات فرزند آوری:

توکل بر خدا

کسانی که در فضای فکری ما نیستند، وقتی از ما می‌شنوند که فرزند زیاد بهتر است، تعجب می‌کنند. با خودشان می‌گویند: ما توی یکیش موندیم، ولی این‌ها به چهارتا هم قانع نیستند! غالباً هم به جهت مشکلات اقتصادی از فرزند بیشتر، فراری هستند درحالی که خداوند متعال بارها در قرآن فرموده است: توکل علی الله^۲ یعنی

۱ طلاق، آیه ۳.

۲ الاحزاب آیه ۳.

بر من توکل و به من اعتماد کن. معلوم می‌شود یکی از شرایط یاری خدا این است که ما به او اعتماد داشته باشیم

مردم هم دو دسته هستند: بعضی‌ها می‌خواهند خودشان زندگی خودشان رو بچرخانند و بچه‌هایشان را اداره کنند. این‌ها در همان یک بچه می‌مانند! حتی شاید بعد از ازدواج هم از ازدواجشان پشیمان می‌شوند که چه غلطی کردیم! حالا چه جوری شکم اینو سیر کنیم؟!

این افراد حتی اگر نمازخوان باشند و هر روز در نمازشان بگویند: ایّاک نستعین، باز هم خودشان را همه‌کاره می‌دانند و در نتیجه از عهده‌ی هیچ کاری هم بر نمی‌آیند! دسته‌ی دوم کسانی هستند که به این باور رسیده‌اند که: روزی به دست خداست و او هیچ‌وقت بندگان خود را رها نمی‌کند و خزائنش هم هیچ‌گاه تمامی ندارد و اگر هم گاهی روزیشان کم می‌شود، یا امتحانی الهی است که باید با صبر، از آن، سرفراز بیرون بیایند و یا جریمه‌ی گناهی است که باید با توبه و استغفار، برطرف بشود. قدیمی‌ها می‌گفتند: مهمان حبیب خداست. راستی مگر نوزاد متولدشده، مهمان نیست؟ تازه مهمانی است که از جانب خدا آمده و مگر ممکن است که خدا مهمان بفرستد و روزیش را همراهش نکند؟!

پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌) فرمودند:

إِنَّ الضَّيْفَ إِذَا جَاءَ فَتَنَزَّلْ بِالْقَوْمِ جَاءَ بِرِزْقِهِ مَعَهُ مِنَ السَّمَاءِ فَإِذَا أَكَلَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُمْ
بِزْوَلِهِ عَلَيْهِمْ^۱

مهمانی که وارد بر خانه‌ای می‌شود، رزق آسمانی خودش را به همراه دارد و هنگامی که غذا را خورد، خداوند میزبان را می‌آمرزد

۱ الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص: ۲۸۴

می‌بینید؟ نه تنها چیزی از روزی میزبان کم نمی‌شود بلکه گناهانش هم مورد مغفرت قرار می‌گیرد کجا رفتند کسانی که به سخنان قرآن و پیامبر و ائمه باور داشتند؟! خدا رحمتشان کند!

استخاره‌ی عجیب

یکی از اقوام تعریف می‌کرد که من در دوران دانشجویی ازدواج کردم و با شوهرم قرار گذاشتیم که تا درسمان تمام نشده و درآمد مناسبی نداشتیم، بچه‌دار نشویم. تا اینکه ناخواسته باردار شدم و تصمیم گرفتیم که بچه را سقط کنیم! ولی به خاطر گناهش مردّد بودیم. بالاخره گفتیم استخاره می‌کنیم. این آیه آمد که: فرزندان خود را از ترس فقر نکشید زیرا خدا روزی آن‌ها را می‌دهد و کشتن آن‌ها گناهی بزرگ است!

آن خانم، عربی آن آیه را نمی‌دانست. این آیه، آیه ۳۱ سوره‌ی اسراء است:
 وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشِيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا
 فرزند آن‌ها الآن بزرگ شده و یک دانشجوی متدین و موفق است خدا می‌داند
 چقدر از مردم در این ۲۰ سالِ شوم، فرزندان چهارم خود را سقط کرده‌اند

هر آن کس غمِ روزیش می‌خورد	ز روزی دهنده ندارد خبر
ضمانت شده روزیِ بندگان	عَلَى اللَّهِ رِزْقُ جَمِيعِ الْبَشَرِ
کسی که توکل ندارد بر او	بُودَ زَنْدِگِيشِ پَرِ از دَرْدِسر

ترس از دومی!

با یکی از طلبه‌هایی که شاغل هم هست، نشستیم بودیم که صحبت از بچه شد. پرسیدم: چند تا بچه‌داری؟ گفت: یکی! گفتم: چند سالشه؟ گفت: سه سالش. گفتم: مگه نشنیدی آقا چه فرمودند؟ کم کم برو توی نخ دومی. با لحن خاصی گفت: بابا،

بچه در دسر داره! تعجب کردم. اون هم از یک طلبه که حقوقش حداقل دو برابر من است. گفتم: مخالفان کثرت جمعیت هم با تک‌فرزندی موافق نیستند. چون ظلم در حق بچه است که داداش و خواهر نداشته باشد. پدر و مادر که همیشه وقت و حوصله‌ی صحبت و بازی با بچه رو ندارند. بچه بعد از چند سال، نیاز به یک همبازی و هم‌صحبت دارد. خجالت نمی‌کشی یک بچه‌داری و می‌نالی؟ خدا بگم چی کار کنه آن‌هایی را که در این بیست سال، مردم را از بچه آوردن ترساندند و متأسفانه به هدف نامقدسشان هم رسیدند و تبلیغاتشان به حدی گسترده و حساب‌شده بود که حتی در قشر روحانیت نیز تأثیر گذاشته است.

طلبه‌ای که باید روحیه‌ی توکل را در مردم تزریق کند، خودش از بچه‌ی دوم می‌ترسد!

مشکل ما این است که ظاهر بین هستیم و مسأله برکت را در نظر نمی‌گیریم و باور نمی‌کنیم که کم با برکت پر منفعت‌تر از زیاد بی‌برکت است. هر کثیری کوثر نیست. کوثر یعنی خیرِ بابرکت ما باید از خداوند، عمر پربرکت بخواهیم نه عمر طولانی و مال بابرکت بطلبیم نه مال زیاد شخصی به نزدیکی از علما رفت و گفت: شما چگونه می‌گویید: خمس مالتان را بدهید تا اموالتان زیاد شود؟ در ریاضی ثابت شده که ۵ منهای یک می‌شود: ۴ ولی شما می‌گویید: می‌شود: ۶!

آن عالم پرسید: سگ سالی چند بار می‌زاید؟ گفت: سالی دوبار. پرسید: هر بار چندتا توله می‌زاید؟ گفت: هرباری ۵، ۶ یا حتی بیشتر. پرسید: چند سال عمر می‌کند؟ گفت: تا سی سال هم عمر می‌کند. پرسید: چه مقدار از گوشتش خوراک مردم می‌شود؟ گفت: هیچی. پرسید: چه مقدارشان طعمه‌ی درندگان می‌شوند؟ گفت: خیلی کم. پرسید: چه مقدارشان به علت بیماری می‌میرند؟ جواب داد: بیماری‌ای که سگ را بکشد، خیلی نادر است

سپس پرسید: گوسفند سالی چند بار می‌زاید؟ گفت: سالی یکبار. پرسید: و هر باری چند تا؟ گفت: یکی. پرسید: و چند سال عمر می‌کند؟ گفت: حدود ده سال. پرسید: چه مقدار از گوشتش را مردم می‌خورند؟ گفت: خیلی و اصلاً گوسفند را پرورش می‌دهند تا گوشتش را بخورند. پرسید: چه مقدار طعمه‌ی درندگان می‌شود؟ گفت: خیلی. پرسید: چه مقدارشان به واسطه‌ی بیماری‌ها می‌میرند؟ گفت: خیلی، بیماری‌های دام فراوان است که گاهی گله‌ها را از بین می‌برد آن عالم گفت: به حساب ریاضی، الآن باید دنیا پُر از سگ باشد و نسل گوسفند منقرض شده باشد؛ اما بیابان‌ها پُر است از گله‌های گوسفند ولی تو یک گله‌ی سگ به من نشان بده! آن مرد تعجب کرد و علت را جویا شد و آن عالم در جوابش گفت: خدا چهارتا حرف در گوسفند قرار داده که در سگ قرار نداده: ب، ر، ک، ت!

آری برکت اگر توکل و باور به رزاقیت الهی ندارید، می‌توانید سری به خانواده‌هایی که از این دو گوهر، بهره‌مندند بزنید و با چشم خود، قدرت الهی را ببینید و چه نیکو سروده است سعدی شیرازی که:

یکی طفل، دندان برآورده بود پدر سر به فکر فرو برده بود
 که من نان و برگ از کجا آرَمَش؟ مروّت نباشد که بگذارمَش
 چو بیچاره گفت این سخن، پیش جفت نگر تا زن او را چه مردانه گفت:
 مخور هولِ ابلیس تا جان دهد همان کس که دندان دهد، نان دهد
 تواناست آخر خداوندِ روز که روزی رساند، تو چندین مسوز
 نگارنده‌ی کودک اندر شکم نویسنده‌ی عمر و روزی است هم
 خداوندگاری که عبدی خرید بدارد، فکیف آن که عبد آفرید
 تو را نیست این تکیه بر کردگار که مملوک را بر خداوندگار

و خدا رحمت کند قدیمی‌ها را که می‌گفتند: دهان باز، بی‌روزی نم‌اند!
یکی از مشکلات ما این است که ظاهر بین هستیم و مسأله‌ی برکت را در نظر
نمی‌گیریم و باورمان نمی‌شود که کم با برکت، پُر منفعت‌تر از زیاد بی‌برکت است. هر
کثیری کوثر نیست. کوثر یعنی خیرِ بابرکت و ما باید از خداوند، عمر پربرکت بخواهیم
نه عمر طولانی و مال بابرکت بطلبیم نه مال زیاد.

شخصی به نزد یکی از علما رفت و گفت: شما چگونه می‌گویید: خمس مالتان را
بدهید تا امواتان زیاد شود؟ در ریاضی ثابت‌شده که ۵ منهای یک می‌شود: ۴ ولی
شما می‌گویید: می‌شود: ۶!

آن عالم پرسید: سگ سالی چند بار می‌زاید؟ گفت: سالی دو بار. پرسید: هر بار
چند توله به دنیا می‌آورد؟ گفت: هر باری ۵، ۶ یا حتی بیشتر. پرسید: چند سال عمر
می‌کند؟ گفت: تا سی سال هم عمر می‌کند. پرسید: چه مقدار از گوشتش خوراک
مردم می‌شود؟ گفت: هیچی. پرسید: چه مقدارشان طعمه‌ی درندگان می‌شود؟ گفت:
خیلی کم. پرسید: چه مقدارشان به علت بیماری می‌میرند؟ جواب داد: بیماری‌ای که
سگ را بکشد، خیلی نادر است.

سپس پرسید: گوسفند سالی چند بار می‌زاید؟ گفت: سالی یکبار. پرسید: و هر باری
چند تا؟ گفت: یکی. پرسید: و چند سال عمر می‌کند؟ گفت: حدود ده سال. پرسید:
چه مقدار از گوشتش را مردم می‌خورند؟ گفت: خیلی! و اصلاً گوسفند را پرورش
می‌دهند تا گوشتش را بخورند. پرسید: چه مقدار طعمه‌ی درندگان می‌شود؟ گفت:
خیلی. پرسید: چه مقدارشان به واسطه‌ی بیماری‌ها می‌میرند؟ گفت: خیلی، چون
بیماری‌های دام فراوان است که گاهی گله‌ها را از بین می‌برد.

آن عالم گفت: به حساب ریاضی، الآن باید دنیا پُر از سگ باشد و نسل گوسفند منقرض شده باشد؛ اما بیابان‌ها پُر است از گله‌های گوسفند ولی تو یک گله‌ی سگ به من نشان بده! آن مرد تعجب کرد و علت را جویا شد و آن عالم در جوابش گفت: خدا چهارتا حرف در گوسفند قرار داده که در سگ قرار نداده: ب، ر، ک، ت!

نمونه‌ای از نسل پربرکت:

مرحوم آیت‌الله سید محسن حکیم مؤلف کتاب مُستَمسک العروة که استاد مرحوم آیت‌الله خویی و از مراجع بزرگ شیعه بودند و قبل از انقلاب رحلت کردند، دو همسر داشتند و بیست فرزند از یکی ۹ پسر و یک دختر و از دیگری ۹ دختر و یک پسر عکسی از آن مرحوم با ده پسرش که همه بالباس روحانیت و عمامه‌ی سیادت، هستند، موجود است این بیست فرزند بسیار پربرکت بودند به طوری که خاندان حکیم، بیش از شصت شهید تقدیم اسلام کردند شهید سید محمدباقر حکیم شصت و چهارمین شهید خاندان حکیم بود. رحمه الله علیهم

حاج آقای جناتی که از علمای قم است، نقل می‌کرد:

رفیقی دارم به نام حاج کاظم سیدخان که اهل عماره ی بصره است. ۹۲ فرزند دارد که ۵۲ تا از آن‌ها دخترند و ۸۵۰ نفر نوه و نبیره! یک‌بار از او پرسیدم که نام آن‌ها را می‌دانی؟ گفت: بچه‌ها را می‌شناسم ولی نوه‌ها را باید معرفی کنند که فرزند کدام بچه ام است خود حاج کاظم ۸۵ سال دارد.

مطلب دیگر این که صرف مردم را به بچه‌دار شدن و افزایش نسل تشویق کنیم، کافی نیست. این مثل این است که جوانان را به ازدواج تشویق کنیم درحالی که نه امکان اشتغال به کاری دارند و نه قدرت تهیه‌ی مسکن و سرپناهی باید در کنار این حرف‌ها، همه‌ی دستگاه‌های فرهنگی، به ترویج و تبلیغ و نهادینه‌سازی روحیه قناعت، توکل، دوری از تجملات، ازدواج در سن پایین و آسان گرفتن ازدواج، بپردازند

- وام قابل توجه و بدون بهره و حتی کمک‌های بلاعوض برای ازدواج جوانان
- اختصاص یابد که بدون دوندگی قابل دریافت باشد و خانه‌هایی با اجاره‌های ارزان در اختیار زوج‌های جوان قرار گیرد
- اسباب و وسایل ضروری و موردنیاز برای شروع یک زندگی متوسط، با اقساط سبک و بلند مدت، در اختیار زوج‌های جوان قرار گیرد و رسانه‌ها به ترویج زندگی ساده و به‌دوراز تجملات، بپردازند
- کارمندان و کارگران و طلاب و دانشجویان بابت هر فرزندی که دارند، حق اولاد بگیرند
- متصدیان اقتصاد مملکت، تمام تلاش خود را در مهار این اقتصاد افسارگسیخته به کار ببرند
- سریال‌ها و فیلم‌هایی هم با موضوع خانواده‌های پر جمعیت موقت ساخته شود
- به فرزندان چهارم به بعد که بیست سال از حقوق اولیه، محروم بوده‌اند، مزایای خاصی تعلق بگیرد
- مرخصی‌های زایمان کارمندان زن، افزایش یابد
- تحصیل و درمان هم همان‌گونه که در قانون اساسی آمده، رایگان شود

ارتباط فقر و ثروت با تعداد فرزندان

به نظر شما عجیب نیست که معمولاً فقرا فرزندان زیاد و ثروتمندان، یک یا دو فرزند دارند؟! و این خود دلیلی است بر این که ارتباط دادن فقر با جمعیت زیاد، صحیح نیست؛ زیرا اگر این‌گونه بود، می‌بایست، فقرا فرزند کمتری می‌آوردند و ثروتمندان که توانایی بیشتری برای اداره‌ی فرزندان دارند، فرزند بیشتری داشتند. ثروتمندانی را می‌شناسم که باوجود داشتن چندین خانه در شهرهای مختلف و ویلا در شهرهای کنار دریا و چندین ماشین مدل بالا، دو فرزند بیشتر ندارند و اگر هم با آن‌ها درباره بچه‌دار شدن مجدّد سخن بگویی، می‌گویند: اصلاً حرفش را هم نزن که همین دو

تا بچه، واسه‌ی هفت پُشتِمون کافیه! از آن طرف پدر و مادرانی را هم سراغ دارم که حتی به‌درستی نمی‌دانند هر کدام از فرزندان‌شان کلاسِ چندم هستند! و از عجایب روزگار این‌که نمراتِ این بچه‌ها از بچه پول‌دارهایی که پدر و مادرشان برایشان معلم خصوصی می‌گیرند و به کلاس تقویتی می‌فرستند، بالاتر و درصدِ ممتازیِ آن‌ها بیشتر است! شاید با یک بررسی آماری، معلوم شود که بیشتر متخصصین و دانشمندان از طبقه‌ی زیر متوسط و حتی روستائینی هستند که پدر و مادرشان حتی سواد خواندن و نوشتن نداشته‌اند! و برخلاف آنچه بین مردم جاافتاده، درصد اعتیاد و بزهکاری نیز در بچه پولدارها بیش از فقیران و متوسطان است. چه کنیم که برخی می‌خواهند فقرا را ریشه‌ی همه‌ی مشکلات بدانند! البته ما موافق با وجود فقر در جامعه نیستیم. مدیران جامعه باید با مدیریت صحیح و اسلامی، فقر را از جامعه ریشه‌کن کنند ولی این‌که خیال کنیم، فقر منشأ تمام مشکلات جامعه است، درست به نظر نمی‌رسد و ارتباط جمعیت زیاد با فقر، قابل نقد و بررسی است. به‌عنوان مثال هند و چین بیش از یک میلیارد جمعیت دارد با این‌که سه یا چهار برابر ایران بیشتر مساحت ندارند. چهار برابر مساحت و ۲۰ برابر جمعیت! با این‌که مثلاً هند یک قطره نفت هم ندارد! آیا اگر کشور با مدیریت اسلامی اداره شود، نمی‌توان جمعیتش را مانند چین بی‌خدا و هند گاو پرست، تأمین نمود؟! مخصوصاً با توجه به داشتن منابع عظیم و زمین‌های قابل کشت و نیروی انسانی کافی. چگونه است که در چین حتی یک بدون مسکن هم نیست ولی در ایران یکی از مشکلات مهم مردم، بحث مسکن است!؟

غنا یا استغناء؟

نمی‌دانم دقت کرده‌اید یا نه؟ خانواده‌های پرجمعیت، کمتر از خانواده‌های کم‌جمعیت، می‌نالند! طرف هم خودش هم زنش شاغل‌اند و خانه‌ی شخصی دارند و زن و شوهر هر کدام یک ماشین زیر پایشان است و به‌زور دوتا بچه دادند بیرون! و درعین حال همیشه غر می‌زنند که این چه وضعیه؟ اینم شد زندگی؟! اما خانواده‌های

پنج شش فرزندی زیادی سراغ دارم که روحیهی قناعت و استغناء دارند و به وضعشان راضی و شکرگزارند. وقتی هم خطری مملکت را تهدید کند، این‌ها هستند که به جبهه می‌روند نه آن‌ها راستی می‌دانید فرق غنا و استغناء چیست؟ غنا یعنی ثروت ولی استغناء یعنی احساس بی‌نیازی ممکن است کسی ثروتمند و شکمش سیر ولی روحش گرسنه باشد و کسی به‌ظاهر فقیر ولی دارای عزت‌نفس و روحیهی شکر به قول سعدی شیرازی: آنان که غنی‌ترند، محتاج‌ترند

وفای به عهد

بابا ما توی همین یکیش موندیم، اونوقت یکی دیگه بیاریم؟! این گونه سخنان، ناشی از ضعف اعتقاد به رزاقیت خدای متعال و سستی روحیهی توکل بر اوست خداوند متعال در قرآن، خود را به‌عنوان رزاق و خیر الرازقین، معرفی فرموده است و البته فرموده:

وَ أَوْفُوا بِعَهْدِكُمْ

یعنی به عهد خود وفا کنید تا به عهدم وفا نمایم

غلط است بگوییم: اول خدا وضع ما را خوب کند تا ما عبد او باشیم. آیه بالا می‌گوید: اول عبد خدا باشید تا او شما را از هر لحاظ تأمین کند خداوند می‌فرماید:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ ۚ

یعنی: اگر اهل روستاها و شهرها، ایمان بیاورند و تقوی پیشه کنند، درهای برکات را از آسمان و زمین به روی آن‌ها خواهیم گشود پس شرط نزول برکات مادی و معنوی از زمین و آسمان، ایمان و تقوی است آیا این دو صفت در جامعه‌ی ما، بارز است؟ چگونه با این همه گناه و معصیت و ظلم و حق‌کشی که در جامعه وجود دارد، انتظار داریم که وضعمان خوب باشد و همه‌چیز بر وفق مراد؟!

۱ بقره آیه ۴۰.

۲ اعراف، ۹۶.

اسباب رزق و روزی

درست است که روزی دهنده، خداست ولی عالم عالم اسباب و وسائط است و خود خدا برای هر کاری راهی قرار داده است. در روایات زیادی، اسباب ازدیاد و وسعت رزق و روزی بیان شده است؛ از زیارت مرقد امام حسین (علیه السلام) و انجام عمره و حج گرفته تا خواندن تعقیبات مخصوصا بعد از نماز صبح و عصر و صله‌ی رحم و استغفار و صدقه دادن و حتی خوش اخلاقی و ...

در روایات دیگری صفات و کارهایی که باعث فقر می‌گردند، ذکر شده است؛ از قبیل زنا، اسراف، ترک قرض دادن به نیازمند با وجود توانایی، گوش دادن به صدای مطرب، خوابیدن بین اذان صبح و طلوع خورشید، قطع ارتباط با خویشانان و ... شاید مهم‌ترین سبب کم شدن رزق، گناه و معصیت باشد. امام صادق (ع) فرمودند:

إِنَّ الذَّنْبَ يَحْرِمُ الْعَبْدَ الرِّزْقَ^۱ یعنی: گناه کردن، انسان را از رزق محروم می‌نماید و شاید به همین جهت، یکی از اسباب وسعت و ازدیاد رزق، استغفار می‌باشد؛ همان‌گونه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

الْإِسْتِغْفَارُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ^۲

خواننده گرامی، آیا تا به حال در هنگام فقر و نداری، به جای رو زدن به این و آن و به دنبال وام از این بانک به آن بانک رفتن و ... به فکر توبه و استغفار افتاده‌ای؟! اگر روایات برایت اطمینان آور نیست، با این آیه‌ی قرآن چه می‌کنی که می‌فرماید:

اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَ يُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ^۳

یعنی از گناهانتان استغفار کنید تا خدای غفار، شما را ببخشد و از آسمان بر شما باران فراوان نازل کند و اموال و فرزندانان را زیاد نماید

۱ کافی ج ۲ ص ۲۷۱

۲ ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال - قم، چاپ: اول، ۱۳۶۲ ش. ج ۲؛ ص ۵۰۵

۳ سوره مبارکه نوح آیات ۱۰-۱۳-

باش اینک، عبد ربّ العالمین
هر کسی دندان دهد، نان هم دهد
هر که ایمان و عمل توأم کند
او علیم است و سمیع است و بصیر
شعیان را کُن فزون اندر زمین
از خدا خواهیم که ایمان هم دهد
پشتِ مشکل‌های خود را خم کند
بر تمام کارها باشد قدیر
گر ز او خواهیم، یارِ ما شود
رازق است و روزیِ ما را دهد

رزق و روزی به زرنگی نیست

شاعر شیرین‌سخن سعدی شیرازی گفته است:

به نادانان چنان روزی رساند
که صد عاقل در آن، حیران بماند!

یکی از نویسندگان برای این مطلب، مثال جالبی زده بود. نوشته بود: عنکبوت، حشره‌ای ساکت و بدون بال و آرام و بی جنب‌وجوش و گوشه‌گیر است. گوشه‌ی سقفی یا دیواری را گیر می‌آورد و بدون سروصدا، تاری می‌تند و منتظر می‌ماند. از آن طرف، مگس حشره‌ای پر سروصدا و پر تحرک است و آرام و قرار ندارد. خیلی هم حریص است. از هیچ چیزی چشم‌پوشی نمی‌کند. از شیرینی گرفته تا گوشت و حتی زخم و نجاست، روی همه می‌نشیند تا چیزی میل کند! اگر به زرنگی و دست و پا داری بود، باید نسل عنکبوت‌ها از گرسنگی منقرض شده باشد؛ ولی خدای حکیم، رزق و روزی این عنکبوت را همان مگس قرار داده! با بالی که دارد، پرواز می‌کند و یک راست می‌افتد در دام این عنکبوت لال و دیگر دست‌وپا زدن و تلاش و تقلا برایش فایده‌ای ندارد. حتماً شما هم افراد زیادی را دیده‌اید که وقتی نگاهشان می‌کنی، می‌گویی:

این عرضی بالا کشیدن آب دماغش رو هم نداره! ولی بعداً می‌بینی ماشالله هفت هشت فرزند را تولید و تربیت و سر و سامان داده و چشم نوه‌ها هم به اوست! این‌ها

همه برای این است که حساب کار به دستِ به‌ظاهر زرتنگ‌ها بیاید و خیال نکنند از توکل بر خدا، بی‌نیازند و کسانی هم که به اصطلاح دست و پا دار نیستند، از لطف و رحمت خدا ناامید نشوند خدا می‌داند چقدر افراد زرتنگ و دارای شتم اقتصادی بوده‌اند که شب خوابیدند و صبح که بیدار شدند، دیدند ورشکست شده‌اند و یا باید از این شهر به آن شهر فرار کنند یا باید بروند زندان باید همواره از خداوند متعال بخواهیم که لحظه‌ای ما را به خودمان وا نگذارد و گرنه بیچاره خواهیم شد و به هر دری بزنییم، به رویمان باز نمی‌شود و چه زیباست این شعر که در آن، یک واژه در دو مصراع به دو معنای متضادّ به کار رفته است:

چون از او گشتی، همه‌چیز از تو گشت چون از او گشتی، همه‌چیز از تو گشت^۱
یعنی: وقتی برای خدا شدی، همه‌چیز در خدمت قرار می‌گیرد و وقتی از خدا روی گرداندی، همه‌چیز از تو روی می‌گرداند

ب) ترغیب زنان به حضور در اجتماع برای سوء استفاده‌ی اقتصادی از آن‌ها
یکی از اهداف کنترل جمعیت و تشویق زنان به کمتر بچه آوردن، در اروپا، این بوده که سر زنان خلوت شود و احساس بیکاری کنند و کارخانه‌داران بتوانند از آن‌ها که نیروی کار ارزان‌تر و مطیع‌تری هستند، در جهت اهداف اقتصادی خود بهره‌برداری نمایند. به همین جهت حدود ۱۳۰ سال قبل، قانون مالکیت زنان در مجلس انگلیس تصویب شد تا زنان انگیزه‌ی بیشتری برای ورود به بازار کار پیدا نمایند. این سخنان، یک حدس نیست بلکه حرفی است که خود آن‌ها هم ابائی از ابراز آن ندارند و ویل دورانت فیلسوف مشهور فرانسوی در کتاب معروف خود به نام لذات فلسفه می‌گوید:

آزادی زن از عوارض انقلاب صنعتی است ... زنان، کارگران ارزان‌تری بودند و کارفرمایان آنان را بر مردان سرکش سنگین قیمت ترجیح می‌دادند. یک قرن

۱ مولانا

پیش در انگلستان کار پیدا کردن برای مردان دشوار گشت. اما اعلان‌ها از آنان می‌خواست که زنان و کودکان خود را به کارخانه‌ها بفرستند... کسانی که ناآگاه برای خانه پراندازی توطئه کردند، کارخانه‌داران وطن‌دوست! قرن نوزدهم انگلستان بودند. نخستین قدم برای آزادی مادر بزرگ‌های ما قانون ۱۸۸۲ بود. به موجب این قانون، زنان بریتانیای کبیر از امتیاز بی‌سابقه‌ای برخوردار می‌شدند و آن این‌که: پولی را که به دست می‌آورند، حق داشتند برای خود نگاه‌دارند! این قانون عالی را کارخانه‌داران مجلس عوام وضع کردند تا بتوانند زنان انگلستان را به کارخانه‌ها بکشانند. از آن سال تا به امسال سود جویی مقاومت ناپذیری، زنان را از بندگی و جان‌کندن در خانه رهانیده و گرفتار بندگی و جان‌کندن در مغازه و کارخانه کرده است! در انگلستان امروز از هر دو زن، یکی یا در اداره کار می‌کند یا در کارخانه و سرعت افزایش زنان کارگر نسبت به مردان کارگر چهار برابر است...^۱

البته غربی‌ها سال‌هاست که از این سیاست، پشیمان شده‌اند و به راه کارهای افزایش جمعیت روی آورده‌اند ولی چه کنیم که همیشه‌ی نسخه‌ی تاریخ‌مصرف گذشته‌ی آن‌ها به دست کشورهای جهان سوم می‌رسد و همان‌گونه که تکنولوژی‌های از رده خارج‌شده‌ی خود را در اختیار ما می‌گذارند، فکرها و ایده‌های تجربه‌شده و مردود شده را نیز در زَرورَق می‌پیچند و به‌عنوان طرح‌های نو، به خورد ما می‌دهند!

زن ایرانی در دهه‌ی شصت، ترجیح می‌داد در خانه باشد و به وظیفه‌ی اصلی خود یعنی خانه‌داری و بچه‌داری و تربیت نسل آینده بپردازد. ولی در دهه‌ی هفتاد، شاهد سرازیر شدن دختران و زنان به دانشگاه و به دنبال آن، بازار کار هستتیم و چون دوران سربازی هم نداشتند، به سرعت از پسران هم سن و سال و هم‌کلاشان جلو افتادند و جای مردان را در ادارات و کارخانه‌ها پر نمودند. نتیجه آن‌که الآن وقتی به اداره یا

۱ لذات فلسفه، ترجمه‌ی زریاب ص ۱۵۱.

شرکتی می روی، می بینی چهار زن و یک مرد پشت میزها نشسته اند! و چون زنان به حقوق کمتری راضی می شدند و اهل سرکشی و نافرمانی نیستند، در بسیاری از اطلاعیه های استخدام، مشاهده می کنید که: به یک همکار ترجیحاً خانم، جهت همکاری نیازمندیم!

در اینجا به مفاسدی که از این فضا ناشی می شود کاری ندارم به طوری که باید به لیست محارم در رساله ها، در کنار خواهر و خاله و عمه، عنوان همکار خانم را نیز اضافه کرد!

بحث ما فعلاً این است که با روند جذب بانوان به بازار کار، زنانی که باید در خانه باشند، در اداره و کارخانه هستند و مردانی که باید نان آور خانه باشند، بیکارند!

در نتیجه دیگر خانم ها رغبتی به تولید بچه ندارند؛ چون بچه، مانعی بزرگ بر سر راه اشتغال آن هاست لذا یا بچه دار نمی شوند یا اگر هم ناخواسته باردار شدند و آن قدر وجدان داشتند که آن را کورتاژ نکنند، تربیت او را به پرورشگاه ها و مهدکودک ها می سپارند و آیا مهدکودک می تواند جای آغوش گرم مادر و محبت او را پر نماید؟ هرگز. اگر هم خیلی گریه کرد، پرستار مهد کودک، مقداری والیوم در شیشه ی شیرش می ریزد تا به خواب رود و کمتر سر و صدا کند! توجه شما را به مطلبی از هفته نامه ی (ساندی تلگراف) چاپ لندن، به نقل از روزنامه ی جمهوری اسلامی، مورخ ۶/۲/۷۳ جلب می کنم:

در گذشته مردان نان آور خانواده به شمار می آمدند و زنان فرصت آن را داشتند تا به اصلی ترین وظیفه ی خود یعنی تربیت نسل آینده ی کشور با دقت و توجه بیشتری اهتمام بورزند. اما از دهه ی ۱۹۶۰ به این سو با استخدام زنان در کارخانه ها و ادارات

و رشد جنبش آزادی و بی‌بند و باری جنسی و ترویج فرهنگ پول‌پرستی، به تدریج و سوسه‌ی کسب درآمد بیشتر، دامن بسیاری از خانواده‌های اروپایی را گرفت و زنان به این فکر افتادند که برای تأمین آینده‌ی بهتر، به انجام کاری در خارج از خانه بپردازند. در این میان، جنبش‌های طرفدار ایجاد حقوق مساوی بین زنان و مردان نیز با تأکید بر این که زنان باید از دستمزدها و امتیازات مشابه با مردان برخوردار شوند، دولت را تشویق به وضع قوانین تازه‌ای در راستای ایجاد شرایط مساوی کردند. در حالی که قوانین قدیمی با این هدف تنظیم شده بودند که یک حقوق برای گرداندن زندگی یک خانواده‌ی چند نفره کفایت می‌کند، قوانین تازه با وضع مالیات‌های یکسان برای هر دو حقوق، عملاً بخش قابل توجهی از درآمد تازه‌ی کسب شده توسط هر دو زوج را از دست آن‌ها خارج می‌ساخت. بنگاه‌های معاملات ملکی نیز با بهره‌گیری از افزایش حقوق خانواده‌ها، قیمت واحدهای مسکونی را افزایش دادند تا از این راه سود بیشتری تحصیل کنند. حاصل همه‌ی این اقدامات این شد که اکنون در انگلیس هر چند بسیاری مادران در اشتیاق داشتن فرزند دوم یا حتی اول هستند اما سنگینی بدهی‌ها و وام‌ها، آنان را حتی از اندیشیدن درباره‌ی این آرزوی مشروع به وحشت می‌اندازد در حال حاضر، متوسط مادرانی که صاحب نخستین اولاد خود می‌شوند، در انگلستان به ۲۸ سال رسیده است. جامعه از یک سو با کمبود نسل تازه مواجه شده و از سوی دیگر، بخش اعظم امکانات برای تأمین رفاه قدیمی‌ترها صرف می‌شود و اگر این وضع ادامه یافته و برای آن، تدبیری اندیشیده نشود، به جای آن که نسل آینده در انگلیس، از سوی افراد بومی داخل کشور تأمین شود، باید برای رفع نیاز، از بیگانگان کمک بگیریم.

مشاهده فرمودید که بیرون آمدن زنان از خانه، چگونه موجب کاهش زاد و ولد می‌گردد.

در پایان، توجه شما را به سخنان انگلس در کتاب منشأ خانواده جلب می‌کنم: پس از آن که تمام جنس مؤنث وارد صنعت شده، تکلیف فرزندان چه می‌شود و همچنین وظایف خانوادگی چه خواهد شد؟ پاسخ ما این است که: این امور را جامعه عهده‌دار خواهد شد. اقتصاد خانگی خصوصی به اقتصاد اجتماعی مبدل می‌شود. کار مراقبت و پرورش کودکان یک امر عمومی خواهد شد و جامعه از کودکان چه مشروع و چه نامشروع! به‌طور یکسان مراقبت خواهد کرد ظاهراً منظور او از جامعه، همان پرورشگاه‌هاست که از بودجه‌ی عمومی، تأمین می‌گردد سپس می‌گوید:

اول: به زن کار دهیم و برابر مرد قرارش دهیم. دوم: بچه‌ها را در پرورشگاه بزرگ کنیم. سوم: اگر به زن کار دادیم و بچه را هم در پرورشگاه بزرگ کردیم، دیگر دختران با خیال جمع، خود را در اختیار عشق قرار می‌دهند!

معلوم شد که هدف نهایی آن‌ها از بیرون کشیدن زنان از خانه و تشویق آن‌ها به بچه‌دار نشدن، این است که فساد و فحشاء در جامعه رواج پیدا کند! کاش به خود می‌آمدیم و طرح‌ها و سیاست‌های تجربه‌شده‌ی غربی را درباره‌ی زنان، اجرا نمی‌کردیم

ج) سیاست‌های غلط دولت در کنترل جمعیت

سیاست کنترل جمعیت، در ایران از سال ۱۳۶۸ آغاز گردید و در دهه‌ی هفتاد به اوج خود رسید. میلیون‌ها نفر زن و مرد را به بهانه‌ی اجرای این سیاست و با وعده‌های دروغ امکان برگشت‌پذیری و بانام مبهم واکتومی و توبکتومی! (همان اخته کردن!)

عقیم کردند. در دهه‌ی هفتاد، مخالفان این سیاست در صداوسیما راهی نداشتند و کتابی که درباره‌ی مخالفت با این سیاست، بود، اجازه‌ی چاپ و نشر نمی‌گرفت. از خاطر نمی‌برم که چند سال قبل که با رئیس هسته‌ی گزینش آموزش و پرورش استان قم درباره‌ی کنترل جمعیت صحبت می‌کردم، به من گفت: تو با این افکاری که داری، اگر بخواهی معلم شوی، ما تو را در گزینش، رد صلاحیت می‌کنیم؛ زیرا یکی از شرایط گزینش، عدم مخالفت با سیاست‌های کلان نظام است!

البته نمی‌دانم کتاب کاهش جمعیت، ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین نوشته‌ی مرحوم آیت‌الله سید محمدحسین طهرانی، صاحب کتاب‌های (الله شناسی، امام شناسی، معاد شناسی) چگونه در سال ۱۳۷۴ در مشهد چاپ شد؟ ولی شاید به خاطر همین کتاب بود که خبر رحلت چند سال بعد این عالم بزرگوار، رسانه‌ای نشد! با این که در کتاب او، چیزی جز آیات و روایات و گزارشات مستند، یافت نمی‌شود. به‌هرحال، این سیاست تا نیمه‌ی سال ۹۱ یعنی بیش از بیست سال ادامه داشت تا این که رهبر انقلاب در سفری که به خراسان شمالی داشتند، این سیاست را یک اشتباه بیست‌ساله خواندند که مسئولین باید بابت ادامه‌ی آن در دهه‌ی هفتاد، آن از خداوند متعال، طلب عفو نمایند.

به‌احتمال قوی که شاید در آینده ابعاد آن، روشن‌تر شود، این سیاست، یک سیاست استعماری بود که دشمنان خارجی و ایادی داخلی آن‌ها توانستند با استفاده از فضای دهه‌ی هفتاد که فکر و ذهن مسئولین، عمدتاً به مسئله‌ی بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ، مشغول بود، با هزینه‌های میلیاردی که بخشی از آن در کتاب (کاهش جمعیت، ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین) به‌صورت مستند آمده، آن را به مرحله‌ی اجرا درآوردند.

به هر حال ارتباط جمعیت زیاد با فقر، قابل نقد و بررسی است. به عنوان مثال هند و چین بیش از یک میلیارد جمعیت دارد با این که به نظرم سه یا چهار برابر ایران بیشتر مساحت ندارند. چهار برابر مساحت و ۲۰ برابر جمعیت! با این که حداقل هند را می دانم که یک قطره نفت هم ندارد! آیا اگر کشور با مدیریت اسلامی اداره شود، نمی توان جمعیتش را مانند چین بی خدا و هند گاو پرست، تأمین نمود؟! مخصوصاً با توجه به داشتن منابع عظیم و زمین های قابل کشت و نیروی انسانی کافی. چگونه است که در چین حتی یک بدون مسکن هم نیست ولی در ایران یکی از مشکلات مهم مردم، بحث مسکن است؟! نتیجه آن که نباید بی تدبیری و سوء مدیریت خود را به گردن جمعیت زیاد و فرزند بیشتر انداخت و به جای مشورت با آگاهان دلسوز و حل کارشناسی شده و ریشه ای مسائل و برطرف کردن با درایت موانع، شعار فرزند کمتر سر داد و مردم را به عقیم کردن تشویق نمود!

و مطلب دیگر این که: آیا سیاست کنترل جمعیت که بیست سال در این مملکت اسلامی حاکم بی چون و چرا بود، همه مردم ایران را شامل می شد، یا ویژه شیعیان بود؟!

شاید تعجب کنید اگر بدانید که علمای اهل سنت از خود هشیاری نشان دادند و از همان بیست سال قبل، کنترل جمعیت را بر اهل سنت ایران تحریم و به تکثیر اولاد تشویق نمودند به حدی که توانستند بافت جمعیتی برخی از مناطق را به نفع خود تغییر دهند و حتی در برخی از شهرها برای اولین بار، نماینده ی سنی به مجلس شورا بفرستند.

یکی از طلبه ها که به یکی از مناطق سنی نشین ایران رفته بود، می گفت: امام جماعت اهل سنت آنجا، ۴۰ فرزند داشته است!

فعلاً در مقابل این خبر فقط می‌توانیم دعا کنیم که هر ۴۰ تای آن‌ها وقتی بزرگ شدند، با بررسی و تحقیق، به حقانیتِ مذهب شیعه پی ببرند و شیعه شوند! بلکه اهل سنت از ده سال قبل از شروع سیاست‌های کنترل جمعیت در ایران و مقارن با پیروزی انقلاب، به فکر افزایش جمعیت بودند.

به بیانیه‌ی مجمع فقهی اسلامی که در سال ۱۳۵۷ در مکه مکرمه برگزار شد و به امضای ۱۷ تن از فقهای معاصر اهل سنت رسید و در کتاب کاهش جمعیت نقل شده، توجه کنید:

نظر به این‌که شریعت اسلام، ترغیب‌کننده به فزونی نسل مسلمانان و انتشار آن است و تحدید نسل و جلوگیری از بارداری، مخالف فطرت انسانی و شریعت اسلامی می‌باشد و نظر به این‌که هدف جلوگیری از افزایش جمعیت مسلمین، نیرنگی برای کاهش دادن نیروی انسانی آن‌ها و تقویت سلطه‌ی استعمارگران بر کشورهای اسلامی و بهره‌برداری بیشتر از ثروت‌های آنان است و نیز نظر به این‌که جلوگیری از نسل، نوعی عمل جاهلی و بدگمانی به خدای متعال است، مجلس مجمع فقهی اسلامی به اتفاق آراء مقرر می‌دارد که: تحدید نسل مطلقاً جایز نیست و جلوگیری از بارداری در صورتی که انگیزه آن، ترس از فقر و کمبود باشد، حرام است. چراکه خداوند متعال

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ^۱

و روزی همه‌ی جنندگان روی زمین را خود برعهده گرفته است:

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا^۲

راه‌های جلوگیری از بارداری یا تاخیر آن در حالات فردی برای پیشگیری از زیان‌ها و خطرات، مانند زنی که به‌طور طبیعی قادر به زایمان نیست، مانعی ندارد ولی دعوت و الزام مردم به تحدید نسل و جلوگیری از بارداری به‌طور کلی، شرعاً جایز نیست

۱ الذاریات آیه ۵۸.

۲ هود آیه ۶.

اهل سنت ایران نیز با برنامه‌ریزی ای که دارند، هدف تغییرِ بافتِ جمعیتی ایران به نفع خود را دنبال می‌کنند. یعنی اگر روند کاهش شیعیان و افزایش آن‌ها با نسبت چهل به دو! ادامه پیدا کند، کمتر از ۲۰ سال دیگر، اکثریت ایران را اهل سنت تشکیل خواهند داد و در نتیجه مجلس قانون‌گذاری را قبضه می‌کنند و حتی رئیس‌جمهور را نیز از میان خود انتخاب می‌نمایند!

البته ما از اهل سنت واهمه‌ای نداریم و سال‌هاست که در ایران شیعه و سنی زندگی مسالمت‌آمیزی دارند.

مشکل اینجاست که وقتی اهل سنت از نظر جمعیتی قدرت پیدا کنند، وهابیت به آن‌ها طمع پیدا کرده و کنترل آن‌ها را به دست می‌گیرد و اهداف شوم خود از طریق آن‌ها محقق می‌سازد.

لذا در این برهه‌ی حساس از زمان، شیعیان مسؤولیتِ خطیرِ جبران این بیست سال اشتباه را بر عهده‌دارند و اگر کوتاهی کنیم، نسل‌های آینده ما را ملامت خواهد نمود.

د) دشواری‌های تربیت فرزند

متدینینی که خجالت می‌کشند مسائل اقتصادی را مطرح کنند، چون می‌دانند این بهانه‌ها با اعتقاد به خدا و رزاقیت او سازگار نیست تا به آن‌ها می‌گویی: چرا به فکر افزایش فرزندانان نیستید، فوراً مسئله‌ی تربیت را پیش می‌کشند و می‌گویند: ای بابا، در این دوره زمنه، تربیت فرزندان، کارِ دشواری است و نداشتن فرزند، بهتر از داشتن فرزند نااهل و بی‌تربیت و معتاد است عجباً! مگر خانواده‌های کم‌جمعیت، فرزندان با تربیت‌تری دارند؟! گو این که، تربیت نیز، نوعی رزقِ معنوی الهی به حساب می‌آید و خانواده‌های متدینینی که فرزندان‌شان را به خدای متعال واگذار می‌کنند، خداوند آن‌ها را از این لحاظ هم تأمین می‌فرماید جایی که خداوند در آیه‌ی ۵۶ سوره‌ی قصص، به

پیامبرش می‌فرماید:

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ

اگر هدایت به دست خداست و حتی تو نمی‌توانی هر که را دوست داری، هدایت کنی

تکلیف ما روشن است عمده وظیفه‌ی پدر و مادر این است که خودشان در عمل، مُقَيَّد به انجام آداب و وظایف دینی باشند. زیرا فرزندان بیش از گفتار پدر و مادر، به رفتار آن‌ها توجه دارند. نمی‌شود پدر و مادری اهل دروغ گفتن و سخن زشت بر زبان آوردن نباشند و نمازشان را اول وقت بخوانند و فرزندان‌شان بی‌تربیت و بی‌نماز بار بیابند. مگر آن‌که ذات فرزند مشکل داشته باشد که در آن صورت حتی حضرت نوح(ع) نیز حریف تربیت کردن او نخواهد شد و مگر هابیل و قابیل هر دو فرزند یک پدر و مادر نبودند؟! البته اصلاح فضای جامعه که خانه‌ی دوم محسوب می‌شود نیز، عزم و همت و غیرت مردم و مسئولین را می‌طلبد. از محتوای کتاب‌های درسی گرفته تا از بین بردن مظاهر مُنکرات و ریشه‌کن نمودن مُعضل خانمان سوز اعتیاد و ایجاد زمینه‌ها و برطرف نمودن موانع ازدواج و اشتغال برای جوانان

ندای شیطانی

ز شیطان می‌رسد هر دم ندایی / زند هر لحظه در عالم صدایی
مسلمانان دگر بچه نزائید / دو گوش خود به حرف من نمائید
ز شاعرهای حق گو دور باشید / به دنبال من مغرور باشید
مخور ای دوست، گول حرف او را / مبین پُردانه این دام عدو را
اگر داری به دل حُبّ پیمبر / مگو: فرزند کمتر هست بهتر
بگو: فرزند باشد یک امانت / بُوَد حفظِ امانت‌ها، عبادت
مترس از مشکلات اقتصادی / بکن بر خالق خود اعتمادی

خدا را داری و از فقر ترسی / بگیر از شعرِ وافی، پند و درسی
 هر آن کس بهرِ کودک داده دندان / دهد بهرِ جوییدن میوه و نان
 هر آن کس بچه‌ی کمتر بخواد / به رازق بودنش ایمان ندارد
 تو ای آن کس که کمتر بچه خواهی / مگر نشنیده‌ای (اِیُّ اُبَاهِی)؟
 اگر مهدی (ع) بیاید، یار خواهد / جوانانِ قوی، بسیار خواهد
 دو فرزند و سه فرزند و یکی بیش / نمی‌باشد کفایت بهرِ یاریش
 شود تعدادِ دشمن بیش و ما کم / بدون سعیِ دامادانِ عالم^۱

(فرازی از دعای افتتاح)

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ غَيْبَةَ وَلِيِّنَا
 وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا وَ شِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَ تَظَاهَرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا
 خداوندا، به تو شکایت می‌کنیم از نبودن پیامبرمان و غائب بودن اماممان و زیادی
 دشمنانمان و تعداد اندکمان و شدت هجوم فتنه‌ها و هجوم‌های روزگار

والحمد لله رب العالمين

۱ احمدیاسر وافی

خلاصه درس:

فرزند آوری (کثرت نسل) در منظر قرآن و روایات

زینت زندگی

المَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا؛
مال و پسران زیور زندگی دنیایند و نیکی‌های ماندگار از نظر پاداش نزد پروردگارت
بهتر و از نظر امید [نیز] بهتر است .

نعمت الهی

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ
مِّنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ؛ خدا برای شما از خودتان
همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی نهاد و از چیزهای
پاکیزه به شما روزی بخشید آیا [بازهم] به باطل ایمان می‌آورند و به نعمت خدا کفر
می‌ورزند .

محبوب‌تر از منظومه شمسی

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله):

وَلَمَوْلُودٍ فِي أُمَّتِي أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ

همانا یک نوزاد متولدشده در امتم از آنچه خورشید بر آن می‌تابد، نزد من محبوب‌تر
است.

برکت زندگی

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): بيت لا صبيان فيه لا بركة فيه. خانه که بچه در آن نیست برکت در آن نیست. عمل عدم تمایل به فرزند آوری و مشکلات سر راه خانواده ها

الف) ترس از فقر و مشکلات مالی

یکی از عوامل مهم عدم تمایل به فرزند آوری در خانواده های امروز مشکلات مالی می باشد و این هم ناشی از ضعف ایمان پدر و مادر هاست حال آن که خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا^۱
فرزندان خود را از ترس فقر، نابود نکنید. این ما هستیم که به آن ها و شما روزی می دهیم

راهکارهایی برای حل مشکلات فرزند آوری:

- توکل بر خدا
- دوری از تجملات،
- ازدواج در سنّ پایین و آسان گرفتن ازدواج
- وام قابل توجه و بدون بهره و حتی کمک های بلاعوض برای ازدواج جوانان
- اختصاص یابد که بدون دوندگی قابل دریافت باشد
- خانه هایی با اجاره های ارزان در اختیار زوج های جوان قرار گیرد
- اسباب و وسایل ضروری و مورد نیاز برای شروع یک زندگی متوسط، با اقساط
- سبک و بلند مدت، در اختیار زوج های جوان قرار گیرد و رسانه ها به ترویج زندگی ساده و به دور از تجملات، بپردازند

۱. اِسْرَاء، ۳۱

- کارمندان و کارگران و طلاب و دانشجویان بابت هر فرزندی که دارند، حق اولاد بگیرند
- متصدیان اقتصاد مملکت، تمام تلاش خود را در مهار این اقتصاد افسارگسیخته به کار ببرند
- سریال‌ها و فیلم‌هایی هم با موضوع خانواده‌های پر جمعیت موفق ساخته شود
- به فرزندان چهارم به بعد که بیست سال از حقوق اولیه، محروم بوده‌اند، مزایای خاصی تعلق بگیرد
- مرخصی‌های زایمان کارمندان زن، افزایش یابد
- تحصیل و درمان هم همان‌گونه که در قانون اساسی آمده، رایگان شود

ب) ترغیب زنان به حضور در اجتماع برای سوء استفاده‌ی اقتصادی از آن‌ها

یکی از اهداف کنترل جمعیت و تشویق زنان به کمتر بچه آوردن، در اروپا، این بوده که سر زنان خلوت شود و احساس بیکاری کنند و کارخانه‌داران بتوانند از آن‌ها که نیروی کار ارزان‌تر و مطیع‌تری هستند، در جهت اهداف اقتصادی خود بهره‌برداری نمایند. به همین جهت حدود ۱۳۰ سال قبل، قانون مالکیت زنان در مجلس انگلیس تصویب شد تا زنان انگیزه‌ی بیشتری برای ورود به بازار کار پیدا نمایند.

ج) سیاست‌های غلط دولت در کنترل جمعیت

سیاست کنترل جمعیت، در ایران از سال ۱۳۶۸ آغاز گردید و در دهه‌ی هفتاد به اوج خود رسید. میلیون‌ها نفر زن و مرد را به بهانه‌ی اجرای این سیاست و با وعده‌های دروغ امکان برگشت‌پذیری و با نام مهیم وازکتومی و توبکتومی! (همان اخته کردن!) عقیم کردند. در دهه‌ی هفتاد، مخالفان این سیاست در صدا و سیما راهی نداشتند و کتابی که درباره‌ی مخالفت با این سیاست، بود، اجازه‌ی چاپ و نشر نمی‌گرفت.

د) دشواری‌های تربیت فرزند

متدینینی که خجالت می‌کشند مسائل اقتصادی را مطرح کنند، چون می‌دانند این بهانه‌ها با اعتقاد به خدا و رزاقیت او سازگار نیست تا به آن‌ها می‌گویی: چرا به فکر افزایش فرزندانان نیستید، فوراً مسئله‌ی تربیت را پیش می‌کشند عجباً! مگر خانواده‌های کم‌جمعیت، فرزندان با تربیت‌تری دارند؟! گو این که، تربیت نیز، نوعی رزقِ معنوی الهی به حساب می‌آید و خانواده‌های متدینینی که فرزندان‌شان را به خدای متعال واگذار می‌کنند، خداوند آن‌ها را از این لحاظ هم تأمین می‌فرماید جایی که خداوند در آیه‌ی ۵۶ سوره‌ی قصص، به پیامبرش می‌فرماید:

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ

امرِ هدایت به دست خداست و حتی تو نمی‌توانی هر که را دوست داری، هدایت کنی

تکلیف ما روشن است عمده وظیفه‌ی پدر و مادر این است که خودشان در عمل، مُقید به انجام آداب و وظایف دینی باشند.

سوالات و پرسش‌های درس:

۱. دو آیه و دو روایت در مورد فرزند آوری (کثرت نسل) بیان کرده و هرکدام مختصر توضیح دهید
۲. چهار دلیل از دلایل عدم تمایل به فرزند آوری در خانواده‌ها را ذکر کرده و توضیح دهید.
۳. چه راهکاری برای حل مشکلات فرزند آوری وجود دارد پنج مورد بیان کرده و توضیح مختصری دهید.

معرفی منابع بیشتر:

- * کتاب جنگ جهانی جمعیت پدیدآورنده: صالح قاسمی، انتشارات ابرار.
- * کتاب کاهش جمعیت، ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین. پدیدآورنده: محمد حسین حسینی طهرانی، انتشارات موسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلام
- * کتاب ایران جوان بمان، پدید آورنده: محسن عباسی ولدی انتشارات جامعه الزهرا سلام‌الله علیها.
- * کتاب رساله بدیعه پدیدآورنده: محمد حسین حسینی طهرانی، انتشارات علامه طباطبائی
- * کتاب گل‌های بهستی (چهل حدیث زیبا درباره فرزند آوری)، پدیدآورنده: برات محمد هدایتی، انتشارات نور معارف.